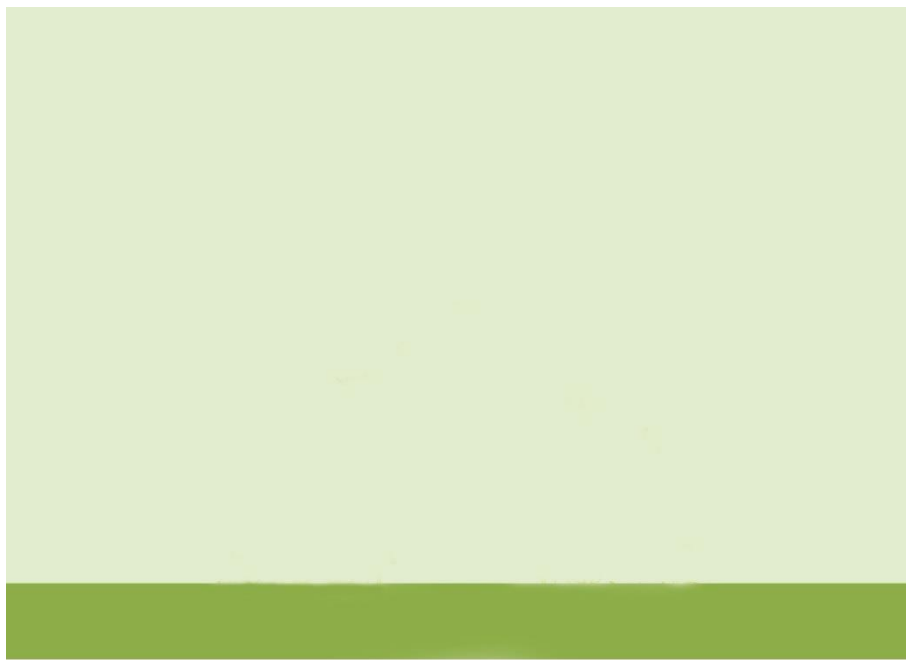
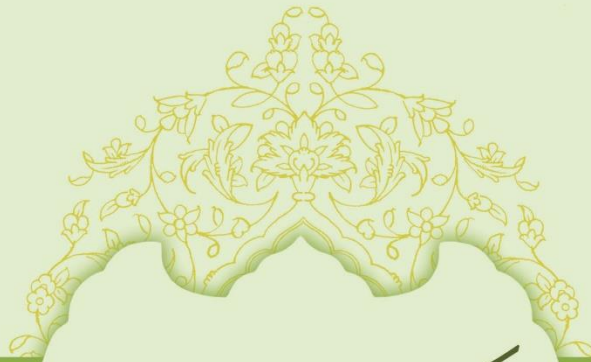




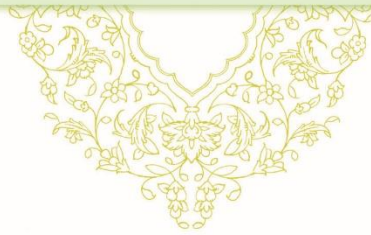
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# مکتب سرنوشت ساز

بازخوانی آموزه‌های مکتب شهید سلیمانی





سلسبیل واژه ها ۲۵

## مکتب سرنوشت ساز

کاری مشترک از: مؤسسه روایت سیره شهدا و مؤسسه تخصصی خطابه امیربیان قم  
با حمایت اداره کل امور مبلغین و مساجد سازمان تبلیغات اسلامی  
شبکه مبلغان و عملیات های تبلیغی (شمع)  
ناظر کیفی: حجت الاسلام والمسلمین حاج حسین جوشقانیان  
ناظر روشی: حجت الاسلام حمید قدیری  
مؤلفین: جمعی از پژوهشگران  
ناشر:  
نوبت چاپ: چاپ اول  
سال چاپ: پاییز ۱۴۰۰  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
چاپخانه:

امتیاز حق تألیف این کتاب برای مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان محفوظ است

 [www.amirebayan.ir](http://www.amirebayan.ir)  
سایت رسمی مؤسسه امیر بیان

 [eitaa.com/bayanbook](http://eitaa.com/bayanbook)  
کاتال معرفتی محصولات

 [www.bayanbook.ir](http://www.bayanbook.ir)  
خرید اینترنتی محصولات



مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان



مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان



مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان

مركز پخش:  
قم خیابان مصلی (ساحلی) کوچه ۴۴ فرعی پلاک ۴۴

تلفن: ۰۹۱۹۵۴۴۷۸۲

سامانه پیامک ۰۱۱۰۷۶۵۰۱۱۰۳۰۰۰

مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان



## «فهرست اجمالی»

- ۱۱ مقدمه
- ۱۵ **جلسه اول: «مکتب پویای خمینی (علیه السلام)»**  
موضوع: تبیین جایگاه حاج قاسم و مکتب حاج قاسم
- ۴۹ **جلسه دوم: «بال پرواز حاج قاسم»**  
موضوع: فرمول راهبری سلیمانی (فرمول سلوک سلیمانی)
- ۸۱ **جلسه سوم: «خط شکن»**  
موضوع: به شدت انقلابی
- ۱۱۳ **جلسه چهارم: «مدیر هوشیار»**  
موضوع: تدبیر و سرعت عمل شجاعانه
- ۱۴۷ **جلسه پنجم: «جامع اضداد»**  
موضوع: اشداء علی الکفار رحماء بینهم؛ غیظ دشمن و عشق مردم

## «فهرست تفصیلی»

۱۱

مقدمه

### جلسه اول: «مکتب پویای خمینی (علیه السلام)»

- ۱۵ موضوع: تبیین جایگاه حاج قاسم و مکتب حاج قاسم
- ۱۵ معرفی حاج قاسم در اوج و قله
- ۱۸ مکتب نه فرد
- ۱۹ چرا غیر معصومین الگو شوند؟
- ۲۰ الگوی اطاعت‌پذیری سلمان محمدی
- ۲۱ الگوی اطاعت‌پذیری آقا ابوالفضل (علیه السلام)
- ۲۲ الگوی اطاعت‌پذیری شهید سردار سلیمانی
- ۲۴ مؤلفه‌های مکتب حاج قاسم
- ۲۵ ۱. توحید عملی
- ۲۵ ۲. ارادت و تمسک به اهل بیت (علیهم السلام)
- ۲۶ ۳. ولایت‌مداری
- ۳۲ ۴. تکلیف‌گرایی
- ۳۴ ۵. پویا و به‌روز
- ۳۴ ۶. جامعیت ابعاد
- ۳۶ ۷. دید جهانی
- ۳۷ شهادت حاج قاسم و انتشار مکتب ایشان
- ۳۸ مکتب حاج قاسم و زمینه‌سازی ظهور
- ۳۹ قابلیت الگوپذیری
- ۴۱ بلندگوی مکتب حاج قاسم باشیم

۱. مطالعه کتاب‌های سیره شهید سلیمانی به عنوان متن آموزشی مکتب ۴۳
۲. مادران به عنوان معلم این مکتب ۴۴
۳. حضور در گلزار شهدا ۴۶

### جلسه دوم: « بال پرواز حاج قاسم »

- موضوع: فرمول راهبری سلیمانی (فرمول سلوک سلیمانی) ۴۹
- شهید علی لندی، الگوی غیرت و شجاعت ۴۹
- ویژگی اول: ایثار و فداکاری ۵۴
- مدال ایثارگری مولا علی علیه السلام ۵۴
- مدال ایثارگری انصار ۵۶
- مدال ایثارگری آقا ابوالفضل علیه السلام ۵۷
- مدال ایثارگری شهید سلیمانی ۵۸
- ویژگی دوم: اخلاص و رضایت خدا ۶۰
- ویژگی سوم: مجاهدت و جهاد در راه خدا ۶۲
۱. ارتباط صمیمانه با امام حسین علیه السلام ۶۹
۲. تربیت خانوادگی ۷۱
- خاطره رضایت‌نامه کتبی از مادر ۷۵
- رفیق راه در مکتب ۷۶
۳. رفاقت با شهدا ۷۷

### جلسه سوم: « خط‌شکن »

- موضوع: به شدت انقلابی ۸۱
- انقلابی‌گری چیست؟ ۸۶
- شاخصه‌های انقلابی‌گری ۸۶

- ۸۷ ۱. بندگی خدا و تقوای دینی و سیاسی
- ۸۷ ۲. بن بست شکن
- ۸۸ ۳. به شدت دشمن ستیز
- ۸۸ ۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن
- ۸۹ ۵. عمل به هنگام
- ۸۹ ۶. ولایتمداری
- ۹۱ ۷. خیرخواهی
- ۹۲ روحیه انقلابی، راز ترور شهید سلیمانی
- ۹۴ الف) آثار
- ۹۴ انقلابی، چشم امید دوستان و خار چشم دشمنان
- ۹۶ منصور بالربعب
- ۹۸ نمونه‌های تاریخی نصرت با رعب
- ۱۰۰ نمونه‌ای از منصور بالربعب در مکتب حاج قاسم
- ۱۰۱ ب) پیامد (اثر منفی روحیه انقلابی نداشتن: زمین ماندن امر ولی)
- ۱۰۴ ۱. معرفت به اصول و مبانی ولی فقیه (انقلابی‌گری)
- ۱۰۶ ۲. رصد عملیات دشمن
- ۱۰۷ ۳. حضور به موقع در صحنه و میدان
- ۱۰۷ سردار در کنار مردم سیل زده
- نقش سردار شهید سلیمانی در تأمین کالاهای اساسی پیرو
- ۱۰۸ ارتباطات با برخی کشورها
- ۱۰۹ ۴. الگوپذیری در خط‌شکن بودن

#### جلسه چهارم: «مدیر هوشیار»

- ۱۱۳ موضوع: تدبیر و سرعت عمل شجاعانه
- ۱۱۳ آزادسازی بوکمال
- ۱۱۶ اول. بررسی شرایط



۱۱۸	نگاه میکروسکوپی تلسکوپی
۱۱۹	پیش‌بینی شکل‌گیری داعش
۱۲۲	حبیب وسط میدان
۱۲۴	دوم. تصمیم عاقلانه
۱۲۴	گره به زندگی مخاطب
	سوم. شجاعانه و با سرعت تمام برای اجرایی شدن تصمیم
۱۲۶	نهایی حرکت کند
۱۲۷	سرعت عمل حاج قاسم در زلزله بم
	چهارم. رعایت مسائل شرعی حتی در بحران‌ها (از احکام تا اخلاق و آداب)
۱۲۸	
۱۳۰	پنجم. استعانت از خدا و باور به مدد پروردگار
۱۳۵	تغییر مسیر تاریخ (اگر حاج قاسم نبود...)
۱۳۶	خاطره قتل عام اسپایکر
۱۳۹	بیچاره کردن دشمن
۱۴۰	تنها راه مدیریت هوشمند با برنامه‌ریزی
۱۴۱	۱. مدیریت رابطه با خدا
۱۴۲	۲. مدیریت خانه و خانواده در کنار کار

#### جلسه پنجم: «جامع اضداد»

۱۴۷	موضوع: اشداء علی الکفار رحماء بینهم؛ غیظ دشمن و عشق مردم
۱۵۳	شاگرد مولا علی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> ، جامع اضداد
۱۵۴	شناخت دشمن
۱۵۶	اگر مراسم استقبال بگیری نمی‌آیم
۱۶۱	۱. محبوبیت
۱۶۲	۲. مایه ترس دشمن
۱۶۴	کسانی که به دشمن خوش‌بین بودند چه چوبی خوردند؟

۱۶۷	رفیق ناصح
۱۶۸	حق محوری، ملاک دوست و دشمن
۱۶۹	جدیت در برخورد با دشمن و دوستی با دوست
۱۶۹	خانواده متعادل

## مقدمه

خدای سبحان در قرآن مجید نسبت به برخی از بندگان خاص خود تعابیر ویژه‌ای دارد؛ مثلاً خطاب به حضرت موسی می‌فرماید: «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»<sup>۱</sup>؛ (ای موسی!) من تو را برای خودم ساخته و برگزیدم. خدای متعال نگاه ویژه‌ای به این بنده سالک الی الله دارد به گونه‌ای که هر کجای فراز و نشیب‌های زندگی او را نگاه می‌کنی خدا را می‌بینی؛ چه در صندوق روی رود نیل، چه در کاخ فرعون، چه در کوه طور و ...؛ هر چه هست تجلی نور خداست. در میان انسان‌های غیر معصوم هم وقتی خوب می‌نگری به چنین افرادی برمی‌خوری که هرچه بیشتر دقت می‌کنی در لحظه لحظه زندگی آن‌ها خدا مشهود است.

از آن جمله افراد، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی عزیز است؛ شخصیتی که ۴۰ سال تمام در دهان گرگ‌های عالم جنگیده و فاتحانه پرچم ولایت و توحید را به اهتزاز درآورده، بزرگ‌مردی که در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، امنیتی، نظامی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و معنوی و... رنگ و بوی

خدا را از او استشمام می‌کنی. به هرکجا می‌رفت یاد خدا را می‌آورد؛ با هر که سخن می‌گفت خدا را به تصویر می‌کشید؛ بی‌جهت نبود که در بحران‌ها نگاه‌ها به او ختم می‌شد؛ در جنگ، در ناامنی‌ها و نابسامانی‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها و حادثه‌ها و در محاصره دشمنان، او گره‌گشا بود. او آن رادمرد الهی بود که در محاصره ۳۶۰ درجه آمرلی، وسط دشمن هلی‌برد کرد و از درون، محاصره دشمن را شکست و فاتحانه بیرون آمد. همو بود که فرمود کمتر از ۳ ماه دیگر، ریشه حاکمیت داعش کنده است.

چگونه می‌توانیم او را توصیف کنیم که قبل از شهادتش، ولی امرش، او را شهید زنده خوانده بود! او در نگاه امامش فرد نبود بلکه مکتب بود، مدرسه تربیتی بود. معماران شخصیت حاج قاسم عزیز، امامین انقلاب یعنی خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز بوده‌اند که مفسر و مبین اسلام ناب محمدی ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ هستند. او در مکتب حماسی عاشورا و مهدویت تا افق ساماندهی و سازمان‌دهی هسته‌های مقاومت برای زدودن همه حاکمیت نظام سلطه جلو رفت؛ به گونه‌ای که قدرت پوشالی نظام سلطه را به استیصال کشید؛ مالک اشتر ولایت و توحید در روزگار ما هیمنه غول نظامی دنیا را درهم شکست تا جایی که هیچ راهی جز ترور ناجوانمردانه او را برایشان نماند.

آری. حاج قاسم عزیز یک مکتب بود و مکتب و مدرسه تمام‌نشدنی است. حاج قاسم تمام نشد؛ او آغاز شده است و این

وعده قرآنی است که شهدا زنده‌اند، نه در پندار خود و نه در گفتار خود آن‌ها را مرده بدانید. او درس آموز است و کلاس‌های مدرسه او ولایت و توحید و شجاعت و ایثار و نثار و اشک و توکل است. مکتب سلیمانی سرنوشت‌ساز است و شهادت او تازه ابتدای راه است.

خط خون نقطه پایان سلیمانی نیست

بهراسید که این اول بسم الله است<sup>۱</sup>  
اینک در آستانه دومین سالگرد شهادت سالک الی الله و مجاهد فی سبیل الله، سردار سلیمانی عزیز، جمعی از اساتید و پژوهشگران عزیز کوشیده‌اند پنج سخنرانی مکتوب روشمند از این مکتب سرنوشت‌ساز تدوین کنند تا مبلغین و راویان بتوانند در محافل گوناگون ارائه دهند. در این مجموعه به پنج رکن که تجلی بیشتری دارند پرداخته شده است:

ا. مؤلفه‌های مکتب حاج قاسم خصوصاً ولایت‌مداری که در جلسه اول اشاره شده؛

ب. معنویت ناشی از ایثار و اخلاص و مجاهدت و در یک کلام زندگی شهید گونه ایشان که در جلسه دوم مطرح شده؛

ج. روحیه به شدت انقلابی و خط‌شکنی ایشان که در جلسه سوم به صورت مبسوط پرداخته شده؛

د. مدیریت هوشمندانه و تدبیر تیزبینانه که در جلسه چهارم تبیین شده؛

---

۱ سید حمیدرضا برقی

ه. غیظ نسبت به بیگانگان و فروتنی و مهربانی نسبت به ضعفا که در جلسه پنجم مطرح شده است.

نکته ویژه این که با توجه به بحران جمعیت و لزوم تکثیر نسل، هر جلسه مقام مادر و فرزندآوری به صورت پیام ویژه در قسمت رفتارسازی آورده شده است. لازم است مبلغان و راویان عزیز با خلاقیت و زیرکی خودشان این معارف را بومی‌سازی منطقه‌ای بنمایند و گره جمعیت را در اولویت بحثشان قرار دهند. آنچه پیش رو دارید زحمات عزیزانی از موسسه روایت سیره شهدا و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان؛ حجج اسلام حاج تقی وکیل پور، محمدباقر نادم، عباس کریمیان، مهدی مهدوی عارف، مجتبی حجتی، مسعود مختاری، حسین هداوندی، علی یزدی، سید محمدعلی موسوی زاده، ابراهیم پورهمت، حسین ابراهیمی، سید علی دستغیبی و محمد مهدی یآوری است. حقیر از همه عزیزان قدردانی و تشکر می‌کنم، همچنین به طور ویژه از حمایت مدیران سازمان تبلیغات اسلامی سپاسگزارم و حسن عاقبت همه را خواستارم.

حسین جوشقانیان

جلسه اول: «مکتب پویای خمین» (ع.ک.ا.ه)

موضوع: تبیین جایگاه حاج قاسم و مکتب حاج قاسم



معرفی حاج قاسم در اوج و قله

خط خون نقطه پایان سلیمانی نیست

بهراسید که این اول بسم الله است<sup>۱</sup>

سردار سلیمانی شخصیتی است که جا دارد از همه مقاطع

زندگی اش فیلم و سریال تهیه شود تا مردم جهان بیشتر به وجود

او افتخار کنند.

• سیل به خانه های مردم آمده بود و آن ها ناامید از وعده های

بعضی از مسئولین، چشم به راه یک قهرمان جهادی بودند

---

۱ سید حمیدرضا برقی

- که وارد معرکه شود و برای زندگی به زیر آب رفته‌شان، راه نجاتی بیابد. قهرمان کسی نبود جز حاج قاسم سلیمانی!
- عاشقانِ جهانیِ امام حسین علیه‌السلام که آرزوی راهپیمایی اربعین حسینی داشتند، برای امنیت سفرشان به تدابیر و برنامه‌ریزی‌های یک نفر حساب می‌کردند و آن شخص کسی نبود جز حاج قاسم سلیمانی!
  - شخصیتی که سیاسیونِ جهان وقتی در بحرانی گرفتار می‌شدند تنها روی کمک او حساب می‌کردند. در جنوب استان کرمان، در شهرستان‌های کهنوج و جیرفت و در بسیاری از طوایف، اشتراری وجود داشتند که سرطایفه می‌گفت: زورم به اشترار نمی‌رسد. حاج قاسم در سال ۷۲ یا ۷۳ سران طوایف را در فرمانداری جیرفت جمع کرد و گفت: ۱۰ روز به همه شما مهلت می‌دهم تا اشترار خود را تسلیم کنید. باید از کوه پایین بیایند و اسلحه خود را تحویل دهند و تسلیم نظام جمهوری اسلامی شوند. ناامنی باید تمام شود؛ در غیر این صورت همان کاری که با طایفه عیدوک کردم با طایفه شما خواهم کرد.<sup>۱</sup>
  - سردار سلیمانی با دفع شر اشترار بزرگ‌ترین طرح اشتغال‌زایی را با نام طرح احرار در جنوب کرمان برای افرادی که تسلیم شده و از اقدامات خود پشیمان شده بودند، در یک هزار هکتار زمین با ۷۰۰ حلقه چاه راه‌اندازی

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/n83712> خبرگزاری فارس.



کرد که این اقدام سردار موجب شد تا قبایل و طوایف با یکدیگر متحد شده و معضل اشتغال آنها نیز با تشکیل تعاونی با حضور این افراد حل شود. این اقدام سردار سلیمانی بازتاب خوبی در سطح سپاه و کشور داشت.<sup>۱</sup>

• داعش پشت دروازه‌های اربیل عراق رسیده بود. همان داعشی که زن‌ها را به اسارت می‌برد و می‌فروخت؛ زمین‌ها به آتش می‌کشید و شهرها را ویرانه می‌کرد. رهبر کردها، مسعود بارزانی، خطر را بیخ گوشش احساس می‌کرد. با آمریکایی‌ها تماس گرفت، جواب رد دادند. با انگلیسی‌ها هم تماس گرفت، محل نگذاشتند. با ترکیه، فرانسه، حتی عربستان! اضطراب و اضطراب فوران کرده بود. تنها یک مرد مانده بود، حاج قاسم سلیمانی! با ایران تماس گرفت؛ تنها کسی که تماس کردها را بی‌پاسخ نگذاشت او بود؛ چون با منویات و مبانی قرآنی رهبری برای همه این تصمیمات آگاهی کامل داشت. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>۲</sup>؛ و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس. گفت: «کاکا مسعود! تا فردا مقاومت کنید، بعد از نماز صبح در اربیل خواهیم بود. امشب استان اربیل را حفظ کنید.» حرفش را عملی کرد و خودش را رساند به آنها. ظرف ۲۴

۱ <https://bzn.ir/m72458>. خبرگزاری فارس.

ساعت همه مشکل را حل کرد و داعش را از اربیل عراق دور کرد.<sup>۱</sup>



### مکتب نه فرد

شهید حاج قاسم سلیمانی و ما ادراک حاج قاسم! ما ایشان را نمی‌شناسیم! این شهید که بود که مردم جهان و خصوصاً ایرانیان، هنوز به این قله افتخار، می‌بالند؟

اینکه در فضاهاى مختلف چه امنیتی چه اجتماعى چه فرهنگى چه مدیریتی و... نگاه‌ها به حاج قاسم ختم می‌شد، به این علت بود که او یک فرد نبود بلکه به تعبیر رهبر انقلاب یک مکتب بود. بعضی ممکن است تصور کنند حاج قاسم یک اسطوره‌ای بود، آمد و شهید شد و رفت؛ یعنی فقط و فقط یک نفر بود و تمام شد اما این‌طور نیست؛ شهید سلیمانی نماد آن تفکر و جریان و موجی بود که همیشه در رگ‌های ایرانیان می‌جوشد. مقام معظم رهبری فرمودند: به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم.<sup>۲</sup>

۱ خبرگزاری صدا و سیما، [yun.ir/holbt7](http://yun.ir/holbt7)

۲ بیانات مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۰/۲۷

## چرا غیر معصومین الگو شوند؟

حاج قاسم که معصوم نیست پس چرا باید به عنوان یک الگو معرفی شود؟

آیا با وجود پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام شخص دیگری می‌تواند الگو و مکتب ساز باشد؟  
در جامعه دو مقام و جایگاه وجود دارد:

اول، مقام امامت جامعه است. امامان، منبع نور و صراط مستقیم<sup>۱</sup> هدایت هستند. امام زین العابدین علیهم السلام فرمود: «نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»<sup>۲</sup>؛ ما ایام صراط مستقیم. از آنجا که آن حضرات، مصداق انسان کامل و الگوی کامل در خوبی‌ها هستند، خدا به آن‌ها ولایت داده و اطاعت از آنان بر همگان واجب است؛ حتی اطاعت از ولی فقیه که در دوران غیبت کبری، نائب و نماینده حضرت حجت علیهم السلام هست، بر مردم واجب است.

۱ امام صادق علیهم السلام در پاسخ مفضل بن عمر که از معنای صراط پرسیده بود فرمود:

«هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ: صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمَنْفُوضُ الطَّاعَةَ، مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهِدَاةَ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ»؛ آن، راه شناخت خداوند عز و جل است و دو صراط وجود دارد: صراطی در دنیا است و صراطی در آخرت. صراط دنیا همان امامی است که اطاعتش واجب است. هر که در دنیا او را بشناسد و از راهنمایی‌هایش پیروی کند از صراط آخرت که پلی است بر روی دوزخ، بگذرد (معانی الأخبار: ۳۲/۱).

۲ معانی الأخبار: ۵/۳۵.

دوم، مقام مأموم و پیرو است. بعضی افراد در اطاعت‌پذیری و اجرا کردن فرمانِ امام جامعه، اسوه دیگران می‌شوند.<sup>۱</sup> قله مرتفع امامت و رهبری اگر دامنه نداشته باشد [که در این دامنه طبیعتاً سلسله مراتبی شکل می‌گیرد] دیگر قله نیست.

در رده‌های پایین‌تر از امام، انصاری بودند که در میان مردم الگو بودند. بعضی از پیام‌ها و حرف‌ها را رهبری نمی‌تواند مطرح کند؛ کسی می‌تواند این پیام‌ها را در جامعه برای مردم بگوید که ذیل رهبری به‌عنوان یار و ناصر تعریف شود و رهبر به حقانیت او شهادت بدهد. گاهی باید حضرت زهرا علیها السلام به‌جای حضرت علی علیه السلام که دستانش بسته است، به میدان بیاید و بعضی از حرف‌ها را بگوید.

اطاعت افرادی همچون مالک اشتر از امیرالمؤمنین علیه السلام و یا اطاعت سلمان فارسی از آقا امیرالمؤمنین علیه السلام و اطاعت آقا ابوالفضل علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام در همین جایگاه قرار دارد.

وجه اشتراکِ حضرت سلمان و آقا ابوالفضل این است که هر دو نفر، مطیع محض خدا و امامشان بودند و خواسته امامشان را بر خواسته خود مقدم می‌داشتند.

### الگوی اطاعت‌پذیری سلمان محمدی

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان پرسید: چقدر از شما می‌شنوم که سلمان فارسی را نام می‌برید! «فَقَالَ لَا تَقُلْ سَلْمَانُ»

۱ خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ بر شما شایسته است از

انسان‌های نیکو‌خصلت و خداجو الگو بگیرید.

الْفَارِسِيُّ وَلَكِنْ فَلِسَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيُّ؛ حضرت فرمود: نگو سلمان فارسی، بگو سلمان محمدی. می دانی چرا زیاد نام سلمان را می بریم؟ عرض کردم: نه نمی دانم. فرمود: به خاطر سه ویژگی: ۱. «إِيَّارُهُ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَىٰ هَوَىٰ نَفْسِهِ»؛ ایشان خواسته امام زمانش را که آقا امیرالمؤمنین عليه السلام بود؛ بر رأی و نظر خودش مقدم می داشت.

۲. «حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَإِخْتِيَارُهُ لَهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَالْعَدَدِ»؛ فقرا را دوست داشت و بر ثروتمندان ترجیح می داد.

۳. «حُبُّهُ لِلْعَالِمِينَ وَالْعُلَمَاءِ»؛ علم و عالمان را گرامی می داشت. «إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَنيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ سلمان عبد صالح خدا، حق گرا و مسلمان بود و از مشرکین نبود.

### الْكَوَى اطاعت پذیری آقا ابوالفضل عليه السلام

امام صادق عليه السلام در زیارت نامه آقا ابوالفضل عليه السلام تصریح فرمود: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

---

۱ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام مَا أَكْرَمَيْتَكَ سَيِّدِي ذَكَرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فَقَالَ لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَلَكِنْ فَلِسَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيُّ أَتَدْرِي مَا كَثُرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟ فَلَمْ يَلْقَ لِقَاءً لِأَحَدٍ إِذَا هُوَ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَىٰ هَوَىٰ نَفْسِهِ وَالثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَإِخْتِيَارُهُ لَهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَالْعَدَدِ وَالثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِلْعَالِمِينَ وَالْعُلَمَاءِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَنيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

وَلَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ<sup>۱</sup>؛ ایشان عبد صالحی بود که خواسته امامان زمانش را بر رأی و نظر خودش مقدم می‌داشت؛ یعنی تا زمانی که امامت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود مطیع و غلام حلقه‌به‌گوش ایشان بود و رأی و نظر امام را بر خواسته خودش مقدم می‌داشت؛ به بیان بهتر، اصلاً نظری غیر از نظر مولا علی علیه السلام نداشت. بعد از ایشان تابع نظرات امام حسن علیه السلام بود و امام خواهی او بر خودخواهی و اراده شخصی‌اش مقدم بود. بعد که ولایت و امامت به امام حسین علیه السلام رسید، سرپا گوش در خدمت امام بود و حتی در سرزمین کربلا با شادابی تمام در رکاب اباعبدالله علیه السلام، علمداری و سرداری سپاه امام را به عهده داشت؛ یعنی ایشان با همه وجود طوری به میدان آمد و قوای خودش را آورد که سردار این لشکر شد.

### الگوی اطاعت‌پذیری شهید سردار سلیمانی

سردار سلیمانی در مقام ولایت‌مداری و یاری دین، الگو شد و منش و سلوک و طرز تفکر ایشان نیز به یک مکتب جاودانه تبدیل شد. این الگو بودن غیر از اسوه شدن امام و رهبری جامعه است.<sup>۲</sup>

۱ سقای تشنگان کربلا، بخش پیوست، زیارتنامه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام.

۲ مثلاً در بحث ولایت‌مداری، سردار سلیمانی باید قسم جلاله بخورد و بگوید روز قیامت از میزان ولایت‌مداری و تعهد ما به نظام سؤال می‌کنند. ملاحظه کنید در اینجا چون رهبر انقلاب خودشان در آن موقعیت‌اند، نمی‌توانند با تأکید و تصریح خیلی از حرف‌ها را بزنند. بعضی مواقع ما می‌توانیم از همدیگر انتقاد بکنیم، ولی اگر رهبر انقلاب از ما انتقاد بکند، روحیه و اعتبارمان را از دست می‌دهیم. پس ما باید از خودمان انتقاد بکنیم؛ بنابراین یک نقش‌هایی برای افراد اسوه‌ای که اطراف رهبری جامعه‌اند، وجود دارد که بعضاً خود رهبر

شهید حاج قاسم سلیمانی فرزند دلاور ایران اسلامی از خطه کرمان، روستازاده و نمونه‌ای برجسته از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود. مکتب سلیمانی، روش، مرام و مسلکی است که می‌تواند درس زندگی برای انسان‌ها باشد. با الگوگیری از گفتار و رفتار آن بزرگوار می‌توان همانند او عزیز و خوشبخت شد. بعد از شهادتش همه ایرانیان خود را به او و راهش مدیون می‌دانستند و می‌خواستند به طریقی بارهایی که برداشته بود را بردارند تا خواسته‌هایش بر زمین نماند؛ از این رو شعار همه ایرانیان شد: «ایران پر از سلیمانی است.»

سؤال این است که از کجا و چگونه او یک مکتب شد؟  
مکتب در اصطلاح یعنی «مجموعه اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در فرد یا افرادی نفوذ پیدا کرده باشد.»<sup>۱</sup>

---

جامعه نمی‌تواند این نقش‌ها را انجام بدهد، به همین دلیل شخصی همچون سردار سلیمانی آن مکتبی می‌شود که باید مطالعه کرد.

۱ به کتاب، مدرسه یا مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد، مکتب گفته می‌شود. تربیت و تعالی: ۳۶۷/۲.  
مکتب در منابع علمی یعنی تفکری که:

- شاکله و پشتوانه فکری عمیق دارد ﴿اصیلهات ثابت﴾؛
- دارای ابعاد گوناگون و وسیع است ﴿فرعها فی السماء﴾؛
- ابتکار و نوآوری دارد یعنی بویا و به روز است ﴿توقی اکلها کل حین﴾؛
- قابلیت الگوبرداری دارد ﴿یادن ریها﴾.

### مؤلفه‌های مکتب حاج قاسم

معماران مکتب و شخصیت این استاد مکتبی چه کسانی بودند؟ حاج قاسم چگونه و از کجا آموخت که خودش را به جامعیت یک مکتب برساند؟

ا. تبعیت از فرمول‌های ناب اسلام؛

ب. تبعیت از و ارتباط خاص با مکتب اهل بیت (این مکتب همان مکتب اسلام است؛ با این تفاوت که اسلام را از مرحله اندیشه به عمل تبدیل کرد)؛

ج. تبعیت از امام خمینی علیه السلام که مبین مکتب اهل بیت در زمانش بود؛

د. تبعیت از امام امروز جامعه که سردمدار تمدن نوین اسلامی است.<sup>۱</sup>

سردار دل‌ها ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که وقتی گرد هم می‌آیند، جامعیت یک شخصیت را به تصویر می‌کشند و او را به عنوان یک مکتب و یک چراغ راه و یک مدرسه درس آموز معرفی می‌کنند؛ منظومه‌ای که همه اجزای آن با یکدیگر همگون و هماهنگ‌اند. برخی از ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

---

۱. شاکله فکری مکتب شهید سلیمانی برخاسته از اسلام ناب محمدی و هدایت امامان شیعه علیهم السلام است و از رهنمودهای امام خمینی علیه السلام و رهبری معظم نشأت گرفته است؛ یعنی همان مکتب به روز و پویای اسلام که قابل صادر شدن به جهانیان است و روز به روز این فکر و مرام در مردم جهان بیشتر گسترش می‌یابد. مکتب حاج قاسم، مکتب اسلام، ولایت، مقاومت و عینیت بخشیدن به مکتب امام بود که مقام معظم رهبری سال‌ها قبل به آن تکیه می‌کردند.



### ۱. توحید عملی

توکل در همه ارکان زندگی حاج قاسم موج می‌زد. شهید سلیمانی کسی بود که تمام عمر با عزت خود را به عنوان یک سرباز، برای خدا وقف انسانیت کرد و در برابر آن به پاداش شهادت رسید<sup>۱</sup> رهبر معظم انقلاب در دیدار با خانواده سردار شهید قاسم سلیمانی: حاج قاسم در راه خدا از هیچ کس و هیچ چیز پروا نداشت.

### ۲. ارادت و تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام

مکتب سردار بزرگ اسلام، از اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت نشئت می‌گرفت. پیوسته توسل به آن حضرات داشت. هر گاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین علیهم‌السلام تشریف می‌یافت، شور و نشاط حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی‌اش را جلا می‌بخشید. مجلس عزای حسین را بر پا می‌کرد و خدمت در مجلس روضه را برای خود افتخاری بس بزرگ می‌دانست به گونه‌ای که شخصاً در این جلسات حضور پیدا می‌کرد و مقابل درب ورودی بیت الزهرا علیها‌السلام می‌ایستاد و به عزاداران خوش‌آمد می‌گفت. ایشان درباره اهمیت این مجالس می‌فرمود:

مجلس حضرت زهرا علیها‌السلام باید به آن دقت کرد، باید احترام کرد، باید توجه کرد، همه اصرار من در برگزاری این مجلس، این

۱ انتشار کتاب سربازان سردار، خبرگزاری ایسنا.

است که مجلس عبادت و عبودیت باشد. به همین دلیل باید به نماز اول وقت در این جلسات توجه شود، به همه موضوعاتی که در آن گفته می‌شود، توجه شود. اینجا نشستید، ذکر می‌گویید. همان‌طور که نشستید و آرام‌آرام گوش می‌دهید، ذکر را نذر کنید؛ برای یک چیزی، برای گرفتاری خودتان، اما حرف‌هایی که مربوط به جلسه عزاداری حضرت زهرا علیها السلام نیست، مربوط به مجلس و جلسه عبادت نیست، نباید در این جلسه گفته شود. این جلسه، جلسه گوش دادن است. جلسه توجه کردن، تفکر کردن و ذکر گفتن است.<sup>۱</sup>

در شب عملیات «والفجر ۸» وقتی لشکر ۴۱ ثارالله علیهم السلام به دشمن برخوردند و پشت موانع دشمن در آب ایستادند، با حاج قاسم تماس گرفتند و گفتند ما در این سرما و آب (۲۱ بهمن سال ۶۴) چه کنیم؟ حاج قاسم بدون تأمل به آن‌ها گفت: آب مهریه حضرت زهرا علیها السلام است، روضه حضرت زهرا علیها السلام را بخوانید. روضه را خواندند و خط شکسته شد و پیش رفتند.<sup>۲</sup>

### ۳. ولایت‌مداری

راز پویایی مکتب حاج قاسم ولایت‌مداری بود. اگر همه ارکان این مکتب برقرار باشد ولی این رکن اساسی نباشد، مکتبی وجود ندارد.

۱ خبرگزاری تسنیم؛ توصیه‌های حاج قاسم به عزاداران مجلس حضرت زهرا: ۱۳۹۸/۱۱/۸

۲ حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی بهداروند، رزمنده و جانباز دوران دفاع مقدس،

جامعه‌شناس و نویسنده کتاب‌های دفاع مقدس

حاج قاسم نه تعارفی بلکه به صورت باوری، سرباز ولایت بود. ولایت محوری دو بعد اصلی دارد:

۱) بُعد اول: درک صحیح از ولایت و اینکه باور داشته باشد آنچه ولایت می گوید حُکْمُ الله است.

۲) بُعد دوم: تعبد به ولایت (ریزش های برخی از عالمان و خواص در طول تاریخ به ویژه مقطع انقلاب به خاطر ضعف در تعبد به ولی است).

در طول تاریخ، کسانی که به امام خویش معرفت و شناخت بیشتر و عمیق تری داشتند<sup>۱</sup>، در برابر امام و فرمان هایش به صورت کامل تسلیم بودند<sup>۲</sup> و به جای حرف و ادعا، در مقام عمل، پیروی خود را نشان دادند و در زمان فتنه ها از امام خود جدا نشدند، یاران واقعی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در جنگ ها، سختی ها و تلخی ها بودند.

---

۱ امام صادق علیه السلام درباره این افراد فرموده است: آن ها مردانی هستند که دل هایشان همانند قطعه های آهن [محکم] است؛ هرگز دچار تردید نمی شوند...؛ پروانه وار دور شمع وجود امام می گردند و خود را سپر جان او قرار می دهند...؛ در سراسر شب، نغمه های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می رسد؛ آن ها زاهدان شب و شیران روز و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند.

۲ افرادی چون سلمان فارسی، ابوذر و مقداد برای پیامبر ﷺ و افرادی مثل مالک اشتر و عمّار یاسر برای امیر مؤمنان علی علیه السلام و نیکانی چون ۷۲ تن شهید کربلا برای امام حسین علیه السلام.

عبدالله بن ابی یغفور<sup>۱</sup> خدمت امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: ای مولای من! قسم به خدا! اگر اناری را دو نصف کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً شهادت خواهیم داد که آنچه را گفتی حلال، حلال است؛ و آنچه را که فرمودی حرام، حرام است و هیچ‌گونه چون و چرا نخواهم کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در حق عبدالله فرمود: «مَا وَجَدْتُ أَحَدًا يَقْبَلُ وَصِيَّتِي وَيُطِيعُ أَمْرِي إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ»<sup>۳</sup>؛ هیچ‌کس را همانند عبدالله بن ابی یغفور نیافتم که این‌گونه سفارش‌های مرا قبول کند و از دستورات من اطاعت نماید.

سردار حسنی سعدی می‌گفت: حاج قاسم گفته بود اگر امام خمینی رحمته الله و اکنون رهبر معظم انقلاب اسلامی یک انار را نصف کنند و بگویند نصف این انار حرام است، من دلیلش را سؤال نمی‌کنم.<sup>۴</sup>

۱ کسی است که دینش را به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشت تا امام آن را امضاء کند.

از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام بود و از نظر رتبه و مقام در ردیف زراره و امثال اوست.

او فقیه و چشم طائفه شیعه بوده است.

۲ سفینه البحار: ۱۲۳/۲؛ معجم رجال الحدیث: ۹۸/۱۰؛ کشی: ۲۴۹.

۳ اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی): ۲۴۶/۱.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، [yun.ir/ncz7h](http://yun.ir/ncz7h)

در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

فکر خود و رأی خود در عالم رندی نیست

کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی<sup>۱</sup>

ایشان به رهبر و مقتدای خویش عشق می‌ورزید. به خودش لقب «سرباز صفر ولایت<sup>۲</sup>» داده بود. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا تنها از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی نبود بلکه نگاهی بس فراتر داشت و از جنبه اعتقادی سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او، همه و همه تعقیب‌کننده خط ولایت بود. بی‌جهت نیست که عبارت مالک اشتر ولایت در وصف او به کار برده می‌شود.

خود ایشان می‌فرمود: «آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. قاسم سلیمانی می‌رود، قاسم سلیمانی دیگری می‌آید. احزاب و جریان‌ها اصل نیستند... باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه کنیم... اصل اساسی نگاه‌دارنده این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جانمان، با خونمان، در همه

۱ حافظ، غزل شماره ۴۹۳

۲ حقیر سرباز صفر ولایت و نظام جمهوری اسلامی و ملت شجاع و عزیزتر از جانم بوده و ان‌شاءالله با استعانت از خدای سبحان تا آخر عمر در همین جایگاه "سربازی" خواهم بود. قسمتی از بیانیه حاج قاسم سلیمانی پیرامون برخی از حواشی. خبرگزاری تسنیم.

آحاد از آن دفاع کنیم. جانمان را می‌دهیم و هزاران بار می‌دهیم.»<sup>۱</sup>

### خاطره

در این رابطه همین بس که وقتی مقام معظم رهبری مدال شجاعت را به وی اهدا می‌کند، با حجب و حیای فراوان، چشم در چشم فرمانده خود نمی‌دوزد. در دانشگاه امام حسین علیه السلام فرماندهان نظامی ایستاده بودند. آقا که تشریف آوردند همه فرماندهان احترام نظامی گذاشتند اما احترام حاج قاسم با بقیه فرق داشت. یک دست به احترام معمول نظامی کنار سر و یک دست دیگر را هم روی سینه گذاشته بود (همین دست‌ها بود که ابوالفضلی شد و لیاقت مجروحیت و شهادت پیدا کرد). می‌دانستم هیچ کار حاجی بی‌حکمت نیست، بعداً پرسیدم: «حاجی عرف نظامی این است که برای احترام دست را کنار سر می‌گذارند. این دست که روی سینه گذاشتید قضیه‌اش چه بود؟» گفت: «حس کردم آقا نگران است، دست گذاشتم روی سینه‌ام تا بگویم حاج قاسم فدات بشه آقا جان!» یعنی تمام وجود خود را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم فرمانده خود می‌کند.<sup>۲</sup>

همین سلوک بود که باعث شد مقام معظم رهبری در نماز بر پیکر ایشان چند بار تکرار کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»<sup>۳</sup>.

۱ علی اکبری، ذوالفقار: ۱۵۹.

۲ <https://bzn.ir/n65861> خبرآنلاین.

۳ نماز میت

اعتقاد حاج قاسم بر این بود که ولی فقیه از امام زمان علیه السلام نیابت دارد. از جمله کسانی بود که هم دستورات صریح را اطاعت می کرد و هم اشاره حضرت آقا را می فهمید، منویات رهبری را می فهمید و عمل می کرد.<sup>۱</sup>

تعبد به ولایت، تعبد عقلانی است.<sup>۲</sup>

حاج قاسم سلیمانی در مراسم سالگرد شهادت شهید حسن اسدی درباره مقام معظم رهبری گفت: «قوام ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است. مردم از من قبول کنید! من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می شناسم. الآن ۱۴ سال شغل

---

۱ بعضی فکر نکنند که فرمان بری از ولایت حاج قاسم تعبد کورکورانه است. بلکه بر قوی ترین عقلانیت استوار است. عقلانیتی که می گوید در برابر خدا تعبد داشته باشید در مقابل ولی خدا هم تعبد داشته باشید. این ولایتمداری حاج قاسم خیلی کارساز است. حاج قاسم با ولایتمداری توانست کارهای بزرگ انجام دهد. او در وصیت نامه خویش می فرماید: «از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.» متن وصیت نامه حاج قاسم سلیمانی

خبرگزاری میزان. <https://b2n.ir/p۰۹۸۷۳>

بارها اتفاق افتاد که فرمود: یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم ترین محور محاسبه این است.

من همین است. علمای لبنان را می‌شناسم. علمای پاکستان را می‌شناسم. علمای حوزه خلیج فارس را می‌شناسم. چه شیعه و چه سنی. والله، اشهد بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است.<sup>۱</sup>

نویسنده کتاب رادیو در اسارت<sup>۲</sup> تعریف می‌کرد: حاج قاسم می‌گفت، من علمای زیادی را در کشورهای دیگر ملاقات کرده‌ام اما هیچ‌کدام از نظر علم، سیاست، ذکاوت و تقوا به رهبر ما نمی‌رسند.<sup>۳</sup>

حتی دکتر رفیعی می‌گفت: سردار سلیمانی در جلسه‌ای با حضور رهبری شرکت داشت. قبل از جلسه رهبر معظم انقلاب اسلامی سردار را بسیار احترام کردند و او را بوسیدند و کنار خود نشاندهند و زمانی که جلسه تمام شد معظم‌له به سردار سلیمانی مجدد فرمودند: بیا تا دوباره شما را ببوسم.<sup>۴</sup>

#### ۴. تکلیف‌گرایی

حاج قاسم همیشه تلاش می‌کرد در هر زمان و موقعیت ببیند خواسته خدا و تکلیف الهی و خواسته ولیّ جامعه در آن لحظه

۱ <http://noo.rs/JpHvE>. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

۲ سردار محمدرضا حسنی، هم‌رزم سردار شهید شهید حاج قاسم سلیمانی، مدیرکل سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران کرمان.

۳ <https://b2n.ir/677969>. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳

۴ <https://b2n.ir/677969>. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴



چیست؛ تکلیف شناس بود. حاج قاسم باکی نداشت و تکلیف را انجام می‌داد حتی اگر به حسب ظاهر نتیجه‌ای در پی نداشت. باور داشت که انسان وقتی در مسیر تکلیف قرار بگیرد، خدا بهترین نتیجه‌ها را می‌دهد<sup>۱</sup> چون تشخیص راهبردهای نظام به عهده ولی فقیه است نه دیگران! جنگ یا صلح به عهده امام جامعه است ما همه مکلف به تبعیت از دستور ولی هستیم.

### خاطره

آقای ابوالحسن، رئیس یکی از قبایل عراق و فرمانده نیروی مردمی می‌گوید:

مطلع شدیم که ۳۷۰ نفر از نیروهای داعش آرایش نظامی گرفته‌اند. برنامه عملیات‌شان گروگان گرفتن زائران ایرانی بود. نزدیک اربعین بود و حفاظت از زوار را حاج قاسم سلیمانی فرماندهی می‌کرد. موضوع را به حاج قاسم اطلاع دادیم. نگرانی در میان برادران عراقی موج می‌زد و منتظر دستور و تصمیم سردار بودیم.

حاجی تنها با ۲۰ نفر از نیروهایش راهی شد. مسیر نیروهای داعش مشخص بود. لشکر اندک سردار کمین کرد. درگیری بین دو جبهه فقط ۳۰ دقیقه طول کشید و تمام. فقط یک نفر از داعشی‌ها زنده مانده بود که اسیر شد. حاج قاسم با همان کت و

---

۱ می‌گفت تکلیف با من است و نتیجه با خدا است. خدا هم عالی‌ترین نتیجه را به او داد. راه دستیابی به تکلیف، ولایت است. حاج قاسم حقیقت تقوا را در عمل به تکلیف، وظیفه شرعی و همه ابعاد می‌دید.

شلواری که تنش بود مقابل اسیر عراقی ایستاد، کت و شلوارش را نشان داد و گفت: «می‌بینی، لباس من برای جنگ نیست! وای بر شما... اگر رهبرم سید علی دستور بدهد که لباس نظامی بپوشم!»<sup>۱</sup>

### ۵. پویا و به‌روز

«ایران» فقط یک فرمانده شجاع، باتدبیر و بااخلاص نظامی نداشت بلکه یک مکتب پویا و قابل افتخار درس‌آموز داشت. مکتب شهید سلیمانی هیچ‌گاه دُم‌ده و قدیمی نمی‌شود بلکه همیشه پویا و فعال هست و خواهد بود تا غیرممکن‌ها را ممکن کند و روزبه‌روز بر پیروانش افزوده خواهد شد. مکتب و جنبش حاج قاسم را باید آنجا دید که جوانان با چند میلیون فالوور در فضای مجازی حتی در صفحه اینستاگرام‌شان با اینکه می‌دانستند گردانندگان این سرویس‌ها، از عکس سردار هم وحشت دارند و از انتشارش جلوگیری می‌کنند، با افتخار عکس حاج قاسم را به نمایش گذاشته‌اند. حتی اخیراً حروف را از هم جدا می‌نوشتند تا نرم‌افزارهای هوشمند نتوانند تشخیص دهند.

### ۶. جامعیت ابعاد

شهید سلیمانی تنها یک الگو در عرصه نظامی و جنگاوری نبود بلکه او یک الگوی جامع اخلاقی، فکری، معرفتی، معنوی و نمونه‌ای برجسته از مدیریت جهادی است.

تربیت‌شده مکتب حاج قاسم انسان‌های یک‌بعدی را کامل نمی‌داند. عالم تنها، عابد تنها، سیاست‌مدار تنها کامل نیست. حاج قاسم تجسم یک انسان این‌چنینی بود نه معنویتش او را از سیاستش بازمی‌داشت و نه سیاستش او را از اخلاق و تقوا دور می‌کرد.

### خاطره

حجت‌الاسلام حاجی صادقی<sup>۱</sup> تعریف می‌کرد: در جلسه‌ای در خدمت ایشان نشسته بودم، دیدم خیلی ناراحت به نظر می‌رسد. گفتم: «حاج قاسم چه شده؟» گفت: «غصه می‌خورم که ما چرا باید در سیاست، اخلاق یادمان برود.» می‌گفت: «مگر این تقوا و اخلاق برای کجا است؟ چرا وقتی وارد سیاست می‌شویم یادمان می‌رود که اهل تقوا باشیم؟ چرا وقتی وارد تقوا می‌شویم سیاست را یادمان می‌رود؟»<sup>۲</sup>

حاج قاسم در میدان عبودیت و تضرع، عابدی بی‌نظیر بود. نماز شب خواندن‌های او، گریه‌های او، زیارت‌های او و روح لطیف او در تراز یک عارف عابد بود. در عین حال، در میدان جنگ مجاهدی کم‌نظیر بود. حاج قاسم در برابر نتانیاهو و ترامپ می‌گوید: «ایران را نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران را نمی‌خواهد، من حریف شما هستم»<sup>۳</sup>. اما همین شخصیت در

۱ نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران.

سایت مشرق، [yun.ir/is/alsf](http://yun.ir/is/alsf)

<https://b2n.ir/e09070> باشگاه خبرنگاران جوان، ۳

برابر بچه یتیم و بچه شهید به‌غایت متواضع است و افتخار می‌کند که او را روی دوش خود سوار کند.

### ۷. دید جهانی

ویژگی دیگر مکتب حاج قاسم، جهان‌نگری و دید وسیع برای خدمت به همه مردم بود. حاج قاسم حتی فقط به مسلمانان فکر نمی‌کرد، به نجات بشریت نگاه می‌کرد. حاج قاسم حتی تمایل به کشتن سربازان دشمن نداشت. حاج قاسم غصه می‌خورد که باید داعشی فریب‌خورده سرباز استکبار را بکشد. می‌گفت: «چرا دشمن از شما مسلمانان توانسته خوارج بسازد؟» هرکجا مظلومی می‌یافت احساس تکلیف می‌کرد که یاور او باشد. هر کجا ظالمی بود احساس می‌کرد باید حضور داشته باشد. نگاه حاج قاسم سبب شد که در جغرافیای ایران ننگجد؛ و شخصیتی شود که در سوریه، لبنان و یمن هر انسان آزاده‌ای نسبت به او اظهار ارادت کند.

حجت الاسلام و المسلمین حمید شهریاری<sup>۲</sup> می‌گوید: «نقشی که حاج قاسم سلیمانی در مبارزه با تروریسم در منطقه ایفا کرد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. حتی امروز که آمریکایی‌ها او را به شهادت رساندند، در داخل خود آمریکا برخی از

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/r61881> خبرگزاری بسیج، ۱

<sup>۲</sup> دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

شخصیت‌ها و گروه‌ها اعلام می‌کنند که او در مبارزه با تروریسم نقش برجسته‌ای داشته است.<sup>۱</sup>

### شهادت حاج قاسم و انتشار مکتب ایشان

دشمن از رمز و راز شهادت بی‌خبر است. دشمن گمان می‌کرد که با شهادت سردار سلیمانی و حذف ظاهری او به اهداف خویش دست می‌یابد. در حالی که باید گفت «شهید سلیمانی از سردار سلیمانی کارسازتر است». تشییع بی‌نظیر پیکر او موجی بهت‌آور و خیره‌کننده در جهان ایجاد کرد.

اسلاف او در سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا سیدالشهدا علیه‌السلام را به شهادت رساندند. آنان نیز گمان کردند که کار امام حسین علیه‌السلام را به پایان رسانده‌اند، غافل از اینکه نورالهی خاموش نمی‌شود.

امروز و پس از گذشت نزدیک به ۱۴۰۰ سال از آن تاریخ نام حسین علیه‌السلام در گنبد گیتی طنین‌انداز است و راهپیمایی اربعین او به معجزه می‌ماند. پیروان سیدالشهداء علیه‌السلام نیز چنین‌اند. موج جهانی مقاومت، پس از شهادت سردار سلیمانی برخاسته و روزبه‌روز توفنده‌تر می‌شود. این سنت الهی است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۲</sup>؛ کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل خاموش کنند و البته خدا

۱ خبرگزاری مهر، [yun.ir/e79Inf](http://yun.ir/e79Inf)

نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.



### مکتب حاج قاسم و زمینه‌سازی ظهور

مکتب حاج قاسم در پازل ظهور جانمایی می‌کند. برای آن‌ها که در پی انتظار ظهور امام مهدی عج هستند، چراغ راهی است تا در فتنه‌های آخرالزمانی عصر غیبت، با اخلاص، جهاد و تقوا در زمره مهدی‌پاوران قرار گیرند و امام عصر عج را تنها نگذارند. «امید غلامی»، استاد دانشگاه و دوست شهید مدافع حرم

محمودرضا بیضایی از ایشان نقل می‌کند:

باید به خودمان بقبولانیم که در این زمان به دنیا آمده‌ایم و شیعه هم به دنیا آمده‌ایم که مؤثر در تحقق ظهور مولا باشیم، امام زمان عج امروز سرباز باهوش و پای کار می‌خواهد؛ آدمی که شجاع و مرد میدان باشد. می‌گفت: «بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي الْآنَ» برای امام زمان عج لازم است. الآن باید نسبت به امامان این جمله را بگوییم و این‌گونه باشیم برای حضرت عج. همه برنامه‌های محمودرضا هدفمند بود، هدفش، رضایت دل امام زمانش بود.

دنبال گرفتن تأیید امام زمان علیه السلام بود. همیشه می‌گفت: «ما باید پرچم امام زمان علیه السلام را بالا ببریم.»<sup>۱</sup>

### خاطره

دوست شهید خاطره‌ای بیان می‌کند که از انتظار لحظه‌به‌لحظه ایشان برای فرج نشان دارد. نزدیک مراسم عقد محمودرضا بود که یک روز آمد و گفت: «من کت و شلوار برای مجلس عقد نخریده‌ام.» من هم سر به سرش گذاشتم و گفتم: تو نباید بخری که خانواده عروس باید برایت بخرند. خلاصه با هم برای خرید رفتیم. محمودرضا حتی هنگام خرید کت و شلوار دامادی‌اش هم حال و هوای همیشگی را داشت. اصلاً حواسش به خرید نبود و دقت نمی‌کرد در عوض من مدام می‌گفتم: این رنگ خوب نیست و آن یکی بهتر است و... هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم در گیر و دار خریدن کت و شلوار به من گفتم: «خیلی سخت بگیر، شاید امام زمان علیه السلام امشب ظهور کردند و عروسی ما به تعویق افتاد.»<sup>۲</sup>

گویا تمام لحظات زندگی، منتظر یک اتفاق مهم بود یا حداقل شناخت من از محمودرضا این‌طور بود.

### قابلیت الگوپذیری

با شهادت حاج قاسم سلیمانی جبهه حق تضعیف نخواهد شد. چون مکتب پویایش همچنان ادامه دارد. گذشت آن زمان که مالک اشتر یکی بود؛ امروز مالک اشترها زیاد هستند.

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/r23739> خبرگزاری شبستان.

<sup>۲</sup> همان.

کم علمدار ندادیم در این کرب و بلا

کم نبودند در این خاک سلیمانی‌ها<sup>۱</sup>

داغ شهادت حاج قاسم هر روز بیشتر از گذشته بر دل‌های شما مردم احساس می‌شود؛ شما مردمی که با بصیرت، بی‌غش و خالص را از ناخالص تشخیص می‌دهید و حضورتان در تشییع سردار سلیمانی نشان داد که پرچم مقاومت حاج قاسم و هم‌زمانش در حمایت از مظلومان و مبارزه با استکبار جهانی تا ظهور امام عصر عجل الله فرجه همچنان در اوج خواهد ماند. جنبه سبک زندگی این شهید بزرگوار برای جامعه پُر رنگ است. حاج قاسم معتقد بود همه ما در یک خانواده هستیم و باید در کنار یکدیگر، درخت انقلاب را تا رسیدن به انقلاب مهدی عجل الله فرجه آبیاری کنیم.

مهم‌ترین تأثیر شهادت حاج قاسم این بود که:

- چهار دهه کارهای بزرگ حاج قاسم، چند کشور را از دست ظالمانی مثل داعش نجات داد.
- در چندین کشور انسانی‌هایی را تربیت کرد که جبهه مقاومت را برای همیشه زنده نگه‌دارند. تربیت انسان‌ها و آزاد کردن سرزمین‌هایی در سوریه و عراق یک کار بزرگ حاج قاسم بود.



- کار بزرگ‌تر این بود که انسان‌ها را آزاد کردند. با شهادت حاج قاسم مکتب ایشان جاودانه شد. با شهادت او حرکت جبهه انقلاب سرعت بیشتری گرفت.
- دشمنانش متزلزل‌تر شدند. تا قبل از شهادت حاج قاسم تفنگ‌دارهای آمریکایی در بعضی از کشورهای همسایه با غرور راه می‌رفتند اما الآن باید سوراخ موش پیدا کنند و فرار کنند. حاج قاسم با شهادت خودش نه تنها زنده ماند بلکه احیاگر شد. اگر کسی به قرب خداوند رسید، صفت خدایی پیدا می‌کند. خداوند محیی است، احیاکننده است. حاج قاسم روح‌ها، انسان‌ها و جریان‌هایی را زنده کرد.<sup>۱</sup>



### بلندگوی مکتب حاج قاسم باشیم

شهید سلیمانی را چه چیزی مایه افتخار کرد؟ خداوند او را متفاوت خلق نکرده بود، او فردی مثل من و شما و همه انسان‌های دیگر بود فقط صفات و روحیات و اخلاقیات والایی کسب کرده بود و روح و باطن خودش را رشد داده بود؛ با تلاش

۱ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی.

فراوان این صفات را در خودش به وجود آورده بود تا جایی که او را به درجه محبوبیت سردار دل‌ها رسانید.<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم در قطار مکتب شهید سلیمانی سوار شویم و شعار (من یک قاسم سلیمانی هستم) را تحقق ببخشیم تنها راه (کلی)، این است که تک تک ما مروج این مکتب باشیم (در فضای حقیقی و مجازی) و برای این مکتب یارگیری کنیم.

آقایان، هنر حاج قاسم این بود که توانست مردم را به صورت دسته‌جمعی، پای کار نظام و ارزش‌های متعالی بیاورد. مردم منطقه با ندای حاجی بسیج شدند و مشکل امنیت، سیل، بیکاری و... را در کل منطقه حل کردند؛ چون ایشان اگر با ارتش کلاسیک می‌خواستند عمل کنند نمی‌توانستند موفق شوند. آیا

---

۱ مختصات فردی و آموزه‌های مکتب حاج قاسم: سردار سلیمانی در چه ویژگی‌هایی برای ما صاحب مکتب و درس شد؟ باید به پایه‌ها و ارکان «مکتب حاج قاسم» بپردازیم. پنج رکن که تجلی بیشتری دارد:

- مؤلفه‌های مکتب حاج قاسم خصوصاً ولایت‌مداری که در این جلسه مقداری اشاره می‌کنم؛
- معنویت ناشی از ایثار و اخلاص و مجاهدت و در یک کلام زندگی شهید گونه ایشان که در جلسه دوم عرض می‌کنم؛
- روحیه به شدت انقلابی و خط‌شکنی ایشان که در جلسه سوم به صورت مبسوط خدمتتان تقدیم می‌کنم؛
- مدیریت هوشمندانه و تدبیر تیزبینانه که در جلسه چهارم محضر شهید زانوی ادب می‌زنیم؛
- غیظ نسبت به بیگانگان و فروتنی و مهربانی نسبت به ضعفا که در جلسه پنجم توفیق ادب محضر شهدا را دارم.

ما می‌توانیم اطرافیان خودمان را برای تقویت نیروی حق جذب کنیم؟

خانم‌ها، چقدر آدم قرآنی تربیت کردید؟ حاج قاسم با جان کندن نیروی الهی تربیت کرد. او توانست با جبهه مردمی، غول نظامی ابرقدرت‌ها را ذلیل کند و مفتضحانه فراری دهد! رسالت همه ما این است که فقط خودمان در جبهه مکتب حاضر نباشیم بلکه از نزدیک‌ترین اطرافیان تا دورترین افراد را حول مکتب و نظام ارزش‌های توحیدی، جمع کنیم. هر جای جامعه و نظام ما لنگ می‌زند مردم جایشان خالی است حتی الان آقای رئیسی که عَلم خدمت بلند کرده به حضور مردم نیاز دارد. برای ترویج این مکتب چند راهکار وجود دارد:

### ۱. مطالعه کتاب‌های سیره شهید سلیمانی به عنوان

#### متن آموزشی مکتب

رسالت ما در این دوران این است که مکتب حاج قاسم را به خوبی تبیین، عمل و منتقل کنیم. سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی فرصتی است تا با مطالعه، بیش از پیش به ابعاد شخصیتی این شهید بزرگوار توجه کرده و او را بشناسیم و به دیگران هم بشناسانیم و شبیهش عمل کنیم. امروز معلمان باید از تریبون کلاس‌های درس و تعلیم و تربیت به بیان این خاطرات شیرین برای دانش آموزان بپردازند.

برای آشنایی با مکتب و مرام شهید سلیمانی باید سیره این شهید عزیز را مطالعه کنیم؛ و همان‌طور که رهبر معظم انقلاب

اسلامی فرموده‌اند، نیاز است که مکتب حاج قاسم در بخش‌های مورد نیاز در کشور برای تغییر رویکرد از سوی جامعه دانشگاهی مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد.

کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» زندگینامه‌ای است که حاج قاسم با دست مجروحش نوشته است. این کتاب حاصل جمع‌آوری دست‌نوشته‌های شخصی شهید سلیمانی از دوران کودکی و زندگی در روستای قنات ملک کرمان تا میانه مبارزات انقلابی در سال ۵۷ است.<sup>۱</sup>

## ۲. مادران به عنوان معلم این مکتب

حاج قاسم محصول تربیت دینی، توسط پدر و مادری بی‌سواد است. بی‌سواد بودند اما فرمول این تربیت را از دین گرفتند؛ از شیر پاک مادر تا لقمه حلال. مهم‌ترین رسالت مادران عاشورایی جامعه ترویج مکتب اوست تا خون او بر زمین نماند و راهش ادامه داشته باشد. دخترم، خواهرم و مادرم، آیا تربیت فرزندی از جنس شهید سلیمانی، کم‌اهمیت است؟ هر چه حسنه برای حاج قاسم نوشتند برای پدرش و مادرش هم ثبت می‌شود. حاج قاسم نتیجه تربیت مکتب عاشورا و شرکت در مجلس روضه بوده است.

چه شد که یک روستازاده برای یاری امام زمان در بعد جهانی چنان درخشید که چشمی نبود که در روز شهادتش نگرید! قطعاً چشم امام زمان هم گریان بوده چون امام صادق علیه السلام فرمودند:

---

۱. <https://b2n.ir/q40615> سایت جریان کتاب. ۱

شِعْتَنَا خُلُقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا وَعُجِنُوا بِمَاءِ وَلَايَتِنَا يَحْرَنُونَ لِحُرَيْنَا  
وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا<sup>۱</sup>. شیعیان ما از باقیمانده گل ما آفریده شده اند،  
ولایت ما در سرشت آنان عجین گشته است، آنان با خوشی ما  
خوشحال و با ناراحتی ما ناراحتند.»

شهید عبدالمطلب اکبری یک چوپان کر و لال است که  
حاصل شیر پاک و رزق حلال است که شهادت خودش و  
دوستانش را پیش بینی کرده است و همچنین محل دفن خودش  
را پیشگویی کرده است. «الْحَيَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ<sup>۲</sup>» بهشت زیر  
پای مادر است؛ نرمود زیر قدم بانوان فرمود زیر قدم مادر!

مادر، به صورت ارادی و یا غیرارادی و از طریق عوامل مختلف  
در سرنوشت کودک نقش آفرینی می کند و نقش تعیین کننده ای  
در ترویج فرهنگ مقاومت در نسل بعدی ایفا می کند. مرام و  
منش حاج قاسم را با مهارت مادرانه به خانه بیاوریم یعنی مادران  
با مطالعه زندگی نامه سردار و شهید، آن ها را در عمل به کار گرفته  
و در قالب داستان جهت الگوسازی مکتب حاج قاسم و ایجاد و  
تقویت روحیه سلحشوری و شجاعت در فرزندان استفاده کنند.

می توانیم برای جذاب تر کردن این طرح برای فرزندانمان، بین  
آن ها مسابقه برگزار کنیم: مثلاً بچه ها دل نوشته های خود را  
برای سردار دل ها می نویسند و به والدین تحویل می دهند و

۱ شجره طوبی، ج ۱، ص ۳

۲ میزان الحکمه، ح ۲۲۶۹۱

والدین هم برای آن‌ها هدیه‌ای تهیه می‌کنند. باید راه حاج قاسم سلیمانی را ادامه دهیم.

### ۳. حضور در گلزار شهدا

حضور در گلزار شهدا به عنوان مدرسه مکتب برای شناخت و ترویج مکتب شهید سلیمانی و عمل بر طبق آن، لازم است در گلزار شهدا حاضر شویم خصوصاً در کنار مزار شهدای مدافع حرم؛ به آن‌ها سر بزنییم و مرامنامه و زندگینامه آن‌ها را مطالعه کنیم.



بهترین مدرسه تربیتی گلزار شهداست. اجازه بدهید از گلزاری برایتان بگویم که هر گلی بخواهی از شش ماهه گرفته تا سیزده ساله و هفتاد ساله در آنجا هست. از کدام یک از این گل‌ها برای شما بگویم؟

اجازه بدهید برویم سراغ سیدالشهدای گلزار شهدا؛ چون می‌خواهیم از سیدالشهدای جبهه مقاومت برایتان بگویم. حاج قاسم ما این‌طور نشد که آن‌قدر زخم کاری بر بدنش باشد که نیزه‌ای بر زمین بزند و نفسی تازه کند ولی سیدالشهدا این‌قدر زخم و خستگی در بدن داشت که نیزه را بر زمین زد، «فَوَقَّفَ يَسْتَرِيحُ سَاعَةً»؛ ایستاد تا نفسی تازه کند. آنجا سنگی به پیشانی ابا عبدالله الحسین خورد. حاج قاسم خودت توی هر روضه ابا

عبدالله جان می دادی. درست است قطعه قطعه شدی ولی اجازه  
بده از اربابت بگویم تو هم گریه کن

چون به مرکز باز شد سلطان ابرار که آساید دمی از رزم و پیکار  
«فَوَقَفَ يَسْتَرِيحُ سَاعَةً»

فلک سنگی فکند از دست دشمن  
به پیشانی وجه الله احسن

چو زد از کینه آن سنگ جفا را  
شکست آینه ایزد نما را

«إِذَا تَأْتَاهُ حَجْرٌ فَوْقَ عَلى جَبْهَتِهِ»  
که گلگون گشت روی عشق سرمد

چو در روز احد روی محمد  
به دامان کرامت خواست آن شاه

که خون بزداید از آن چهر چون ماه  
«فَأَخَذَ التَّوْبَةَ لِيُمْسِحَ الدَّمَ عَنْ جَبْهَتِهِ»

یکی الماس وش، تیری ز لشکر  
گرفت اندر دل شه جای تا پر

که از پشت پناه اهل ایمان  
عیان گردید زهرآلود پیکان

«فَأَتَاهُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ لَمْ تَلُثْ شُعْبٌ فَوْقَ عَلى قَلْبِهِ»<sup>۱</sup>

۱ مقتل حضرت سید الشهداء بر اساس نقل سید بن طاووس در لهوف.





## جلسه دوم: «بال پرواز حاج قاسم»

موضوع: فرمول راهبری سلیمانیه (فرمول سلوک سلیمانیه)



ای شاه شیرمردان، ای خسرو دلیران

خورشید بینوایان، مهتاب دنوازان

ای قاسم سلیمان، نامت وقار ایران

فرمانده شجاعت، راهت شعار ایران<sup>۱</sup>

### شهید علی لندی، الگوی غیرت و شجاعت

خانه مادر شهید ابراهیم عزیزی، در شهر ایذه خوزستان آتش گرفت؛ شهید علی لندی نوجوان ۱۵ ساله که در آن روز مهمان خانه خاله اش در شهر ایذه بود، در حال بازی بود که با صدای جیغ و داد مادر شهید ۸۵ ساله و خواهر شهید که فریاد می زدند

---

۱ افسانه رفیعی نظر.

کمک کمک، متوجه حادثه شد و بی‌درنگ برای نجات این دو زن، قهرمانانه به وسط آتش رفت؛ گاز بیک‌نیکی که شعله‌ور شده بود را از طبقه دوم به پایین پرتاب کرد و موفق شد قبل از اینکه مأموران آتش‌نشانی از راه برسند آن‌ها را از آتش بیرون بکشد اما خودش به شدت دچار سوختگی شد.<sup>۱</sup> علی با ۹۱ درصد سوختگی در بیمارستان تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفت و دو هفته بعد به سوی خدا پر کشید. اقدام علی لندی واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ملی و بین‌المللی داشت. از لحظه‌ای که این خیر رسانه‌ای شد همه رسانه‌ها از وی به‌عنوان «نوجوان فداکار ایذه‌ای» یادکردند و جهان مبهوت این حرکت بود. مردم گمان می‌کردند، واژه‌های مردانگی، شجاعت، نوع‌دوستی، ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی تنها مربوط به دهه ۵۰ و ۶۰ بوده و نوجوانان و جوانان امروزی، تفکرشان تغییر کرده است اما دانش آموز کلاس نهم بدون ذره‌ای تدریس و دوره ویژه ایثارگری، به دنیا ثابت کرد این تفکر هنوز پویا و در همه لایه‌های سنی مردم ما به صورت خودجوش و آتش به اختیار فعال است. این نوجوان نمی‌دانست آن‌ها که در آتش گرفتار شده‌اند خانواده شهید هستند، با این حال به کمک آن‌ها رفت؛ می‌توانست این کار خطرناک را انجام ندهد و منتظر کمک بزرگ‌ترها و آتش‌نشانی بماند. فرصت برای تصمیم‌گیری اندک بود و این تصمیمی بود که علی در لحظه گرفته بود؛ به نظرش باید جان

---

۱ علی با ۹۱ درصد سوختگی ابتدا به بیمارستان سوانح سوختگی طالقانی اهواز و پس از آن به اصفهان منتقل و در بخش «آی سی یو» تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفت. دو هفته پس از بستری بودن در بیمارستان، به علت سوختگی درجه سوم، مشکلات شدید تنفسی و ورود عفونت به خون، در ۱ مهر ۱۴۰۰ درگذشت.

آن دو نفر را نجات می‌داد. عمویش می‌گوید: روحیات علی این‌گونه ایثارگر است. اکنون هم که از او می‌پرسم چه شد که این کار را انجام دادی؟ می‌گوید: هر کس جای من بود این کار را می‌کرد.

به نظر می‌رسد واقعیت ماجرا در چندین لایه حماسه و مداحی پوشانده شده است.

در قبال این اقدام شجاعانه و ایثارگرانه، چندین مدال به ایشان تعلق گرفت:

- مدال «عالی پدافند غیرعامل» از سوی سازمان پدافند غیرعامل کشور؛
- مدال «نشان فداکاری ارتش» برابر تصویب شورای عالی نشان‌ها در ارتش جمهوری اسلامی ایران؛<sup>۱</sup>
- مدال بین‌المللی «ایثار و شجاعت» از طرف وزارت آموزش و پرورش؛
- نام‌گذاری چند مکان ورزشی، آموزشی، آتش‌نشانی، خیابان و بلوار در شهرهای ایذه، خوزستان، کرج، شهرکرد و... به نام وی؛
- اعطای نامه حکم شهادت از طرف رهبر جمهوری اسلامی ایران، توسط معاون رئیس‌جمهور و پیشنهاد رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران مبنی بر شهید تلقی شدن علی لندی؛
- گنجانیدن زندگینامه و عمل شهادت‌گونه و افتخارآمیز علی لندی در کتاب‌های درسی توسط سازمان پژوهش و

۱ این نشان که اعطایی رهبر جمهوری اسلامی ایران به ارتش است، نماد ایثار و

از خودگذشتگی است.

برنامه‌ریزی آموزشی تا مثل داستان دهقان فداکار در ذهن همه دانش‌آموزان این مرز و بوم ثبت و ضبط شود. همان‌طور که مقام معظم رهبری موافقت کردند این نوجوان در حکم شهید است؛ مثل حسین فهمیده‌ها و بهنام محمدی‌ها. علی‌می‌خواست به عالمیان ثابت کند که از کاروان امام حسین علیه‌السلام است؛ از کاروان شهید سلیمانی است. به نقل عمویش، شهید علی لندی همیشه بعد از شهادت حاج قاسم می‌گفت: الگوی من شهید حاج قاسم سلیمانی است.



بعد از شهادت حاج قاسم موجی از روحیه شهادت‌طلبی در بین مردم ایجاد شد. نوجوان‌ها و جوان‌ها با افتخار در مصاحبه‌ها و گفتارشان می‌گفتند: «من یک قاسم سلیمانی‌ام.» مردم به خود می‌بالیدند که ما مملکتی هستیم با این شعار: «یک ایران، سلیمانی» و «ایران پر از سلیمانیه!»

بهترین راه ترویج مکتب سلیمانی و تکثیر امثال حاج قاسم، الگوپذیری از خود شهید است. مکتب سلیمانی مکتبی است که سلیمانی را ساخت، نه مکتبی که سلیمانی ساخته باشد. ایشان چنین ادعایی نداشت و چنین آدم‌هایی هیچ‌وقت نگفتند من، بلکه همیشه گفتند مکتب.

وقتی کسی در مکتب و مسیر شهیدان قرار بگیرد ناخودآگاه رفتار و منش و بینش او با مکتب شهادت انس می‌گیرد؛ چراکه شهیدان را شهیدان می‌شناسند و شهیدان شهیدپرورند و به عاشقان و مخاطبان خود درس شهادت می‌آموزند و آن‌ها را راهبری می‌کنند.

حاج قاسم قبل از شهادتش در فرازی از نامه خود به دخترش در مورد راهبری و دستگیری از دیگران در رسیدن به شهادت می‌گوید: «همه را به این راه بردم ولی افسوس که خودم جا ماندم.»<sup>۱</sup>

همچنان که شهید سلیمانی موفق شد در زمان حیاتش با هدایت ولایت و رهنمودهای رهبری، خود و دیگران را به سرمنزل سعادت و شهادت راهبری کند، امروز پس از شهادت هم می‌تواند با همان فرمول هدایتی که از مکتب امام و رهبری آموخته و توانسته بود به سلامت مسیر سعادت را طی کند، همه ما را هم راهبری و هدایت کند.

رهبر معظم انقلاب در مراسم اعطای نشان عالی ذوالفقار خطاب به سردار سلیمانی فرمودند: «الحمد لله خدای متعال به این برادر بسیار عزیزمان - آقای سلیمانی - هم توفیق داده. ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله؛ و مجاهدت کرده‌اند.»<sup>۲</sup> از منظر دیده‌بان انقلاب در سیره سلیمانی سه ویژگی بارز، ظهور و بروز بیشتری دارد که عبارت‌اند از:

۱. نامه به دخترش فاطمه.

۲. بیانات در مراسم اعطای نشان عالی ذوالفقار به فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب

### ویژگی اول: ایثار و فداکاری

«ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند.» ایثار، یعنی مقدّم داشتن دیگری بر خود؛ یعنی روح انسان آن قدر بزرگ شود که همه منافع را برای خودش نخواهد بلکه دیگری را بر خود در کسب سود و منفعتی یا پرهیز از ضرر و زیانی مقدم بدارد که نهایت برادری و دوستی بین دو نفر را نشان می‌دهد. نقطه مقابلش بخل هست که پرهیز از رساندن هرگونه سودی به دیگران است.<sup>۱</sup>

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ كَرَمِهِ، إِثَارُهُ عَلَى نَفْسِهِ»<sup>۲</sup>؛ از کرامت و بزرگواری مرد همین بس، که دیگران را بر خود ترجیح دهد.<sup>۳</sup>

### مدال ایثارگری مولا علی علیه السلام

اولین ایثارگر واقعی در اسلام مولا علی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام فرمود: شبی که علی علیه السلام در بستر [پیامبر خدا] به

۱ واژه ایثار در قرآن نیامده؛ اما هم‌خانواده‌های آن از همین باب، ۵ بار در قرآن به کار رفته است. (یوسف/۱۲۰، طه/۷۲، حشر/۵۹، نازعات/۷۹، اعلیٰ/۱۶، ۸۷) ایثار در آیه نخست در مورد برگزیده شدن یوسف از میان برادرانش و در آیه دوم درباره بی‌توجهی ساحران به فرعون در برابر آیات الهی و در سومین آیه در مورد انصار که مهاجران را در نیازمندی‌ها بر خود مقدم می‌شمردند و در آیات چهارم و پنجم درباره مذمت ترجیح دنیا بر آخرت آمده است.

۲ امام علی علیه السلام: الإِثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ؛ ایثار، عالی‌ترین خصلت اخلاقی است (غیر الحکم:

۹۸۶، عیون الحکم و المواعظ: ۱۹ / ۹۱).

۳ کشف الغمّة: ۳ / ۱۳۷

جای وی [خواهید، خدای متعال، به دو فرشته از فرشتگانش (جبرائیل و میکائیل) که در میان فرشتگان بیش از همه با یکدیگر الفت و برادری داشتند، وحی فرمود: می‌خواهم یکی از شما دو تا را بمیرانم. پس انتخاب کنید. «فَتَدَاغَعَا الْمَوْتَ بَيْنَهُمَا»؛ هر يك از آن دو، مُردن را به دیگری حواله داد و هر کدام از آن‌ها، ماندن را برگزید. پس خداوند متعال، به آن دو وحی فرمود: «أَيْنَ أَنْثُمَا عَن عَبْدِ هَذَا الرَّاضِي بِالْمَوْتِ، الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ ابْنِ عَمِيهِ يَتَقِيهِ الرَّدِّي بِنَفْسِهِ!»؛ شما کجا و این بنده‌ام که مُردن را برگزید و در بستر پسرعمویش خوابید تا با جان خویش، او را از نابودی نگاه دارد، کجا! هان! من دانستم که او از صمیم دل، حاضر است خودش از بین برود؛ اما مویی از بدن پسرعمویش کم نشود! فرود آید و تا به صبح، از او پاسداری کنید.<sup>۱</sup>

۱ لَمَّا بَاتَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْفِرَاشِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مَلَائِكَةٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ لَمْ يَكُنْ فِي الْمَلَائِكَةِ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ وَمُؤَاخَاةً مِنْهُمَا، فَقَالَ: إِنِّي مُمِيتٌ أَحَدَكُمَا قَآخْتَارًا. قَالَ: فَتَدَاغَعَا الْمَوْتَ بَيْنَهُمَا وَآتَرَكَهُ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْبَقَاءَ. فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا: أَيْنَ أَنْثُمَا عَن عَبْدِ هَذَا الرَّاضِي بِالْمَوْتِ، الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ ابْنِ عَمِيهِ يَتَقِيهِ الرَّدِّي بِنَفْسِهِ؟! أَمَا إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ مِنْ سَرِيرَتِهِ أَنْ تَلَفَ نَفْسِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُؤَخَّذَ سَعْرَةً مِنْ سَعْرِ ابْنِ عَمِيهِ! انْزِلَا إِلَيْهِ فَاحْفَظَاهُ وَآكَلَاهُ إِلَى الصُّبْحِ. فَلَمَّ نَزَلَ عَنِ الْمَشْرِكَيْنِ تَلَحُّظُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ الْكِرَامُ حَفَظُوهُ إِلَى أَنْ كَانَ وَقْتُ الصُّبْحِ وَهَجَرَ الْمَشْرِكُونَ عَلَيْهِ بِالْقَتْلِ، قَالَ اللهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِهِمْ لَمَّا أَرَادَهُ مِنْ حَيَاتِهِ أَنْ يُوَقِّظُوهُ مِنْ قَوْمِهِ، فَقَالُوا: نَبُّهُمُ لِيَرَى أَنَا ظَفِيرًا يَأْبَهُ قَبْلَ قَتْلِهِ، فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ، وَثَبَ إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي يَدَيْهِ سَيْفُهُ، فَتَوَلَّوْا عَنْهُ هَارِبِينَ. فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَخَلْتُمْ وَأَنَا نَائِمٌ، فَادْخُلُوا وَأَنَا مُنْتَبِهٌ. فَقَالُوا: لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ يَا بَنِي طَالِبٍ (كنز الفوائد: ۵/۲ و الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين على سائر البرية: ۶۰/۱).

### مدال ایثارگری انصار

بعد از هجرت نیز ایثار بین مسلمانان پررنگ شد؛ مهم‌ترین آیه‌ای که در آن به صراحت از ایثار یاد شده، درباره میزبانی صمیمانه انصار از مهاجران پس از مهاجرت مسلمانان مکه به مدینه است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۱</sup> در این آیه از خصلت مهمان‌دوستی و جود و بخشش خالصانه مسلمانان مدینه نسبت به مهاجران مکه یاد شده و ایثار آنان به‌رغم نیاز شدید خویش ستایش شده است. انصار، ابتدا مهاجرین را یکی از خودشان دانستند و بعد آن‌ها را بر خودشان مقدم داشتند.

حاج قاسم اهل حرف نبود؛ اهل عمل بود. «يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» را که ما خوانده‌ایم و شنیده‌ایم در عمل پیاده می‌کرد. همان‌طور

---

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَبِي رَافِعٍ وَهَدَيْتُ ابْنَ أَبِي هَالَةَ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوْخَى اللَّهُ إِلَىٰ جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ إِلَىٰ أَخِيَّتِ بَيْتِكُمَا وَجَعَلْتُ مُحَمَّدًا أَحَدِكُمَا أَطْوَلَ مِنْ عُمَرَ صَاحِبِهِ فَأَيُّكُمَا يُؤْتِرُ أَخَاهُ فَكَلَاهُمَا كِرْهًا الْمَوْتَ فَأَوْخَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا أَلَا كُنْتُمَا مِثْلَ وَلِيِّي عَالِي بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَخِيَّتِ بَيْتَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ بَيْتِي فَأَلْتَرَهُ بِالْحَيَاةِ عَلَىٰ نَفْسِهِ فُرُطًا أَوْزَقَدَ عَلَىٰ فِرَاشِهِ يَتَّقِيهِ بِمُهْجَتِهِ أَهْطًا إِلَىٰ الْأَرْضِ جَمِيعًا فَحَفَظَاهُ مِنْ عَدُوِّهِ فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَمِيكَائِيلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَجَعَلَ جَبْرِئِيلُ يَقُولُ يَبْحَثُ عَنْ مَنْ مِثْلِكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ وَاللَّهِ يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَنْسِي نَفْسَهُ إِتْبَاعًا مَرْضَاتِ اللَّهِ

(المناقب: ۶۴/۲).

۱ حشر: آیه ۹



که حضرت آقا فرمودند «شهید قاسم سلیمانی بارها و بارها جان خودش را فدا کرد». بالاتر از جان هم داریم؟

### خاطره

آقای جواد رزم حسینی می‌گوید:

در نجف‌آباد، جانباز بالای ۷۰ درصد و قطع نخاعی زندگی می‌کرد. سردار سلیمانی نذر کرده بود سالی یک‌بار، یک روز کامل در خدمت این شخص باشد و کارهایش را انجام دهد. در آن روز، وی لباس‌های این جانباز را می‌شست، استحمام و همه کارهای شخصی وی را مانند پرستار انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

اهل بیت خودشان در بالاترین درجه ایثارگری بودند: «يُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» و از ما هم می‌خواهند اخلاص و مرام علوی را در زندگی، منش خود قرار دهیم. حضرت امام عسکری علیه السلام فرمودند: «شَيْعَةَ عَلِيٍّ هُمُ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ إِخْوَانَهُمْ عَلِيٌّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ شیعیان علی علیه السلام کسانی هستند که برادران (دینی) خود را بر خویش مقدم می‌دارند گرچه خودشان نیازمند باشند.

### مدال ایثارگری آقا ابوالفضل علیه السلام

امام سجاد علیه السلام سیمای درخشان آقا ابوالفضل العباس علیه السلام را این‌گونه ترسیم فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آتَرَ وَأَبَى وَ

۱ شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، حجت الاسلام علی شیرازی نماینده سابق ولی فقیه

در سپاه قدس: ۴۳

۲ میزان الحکمه: ۲۳۱/۵

فَدَىٰ آخَاهُ؛ خداوند پیامرزد عمویم عباس را که از خود گذشت و رنج‌ها کشید و خود را فدای برادرش کرد.<sup>۱</sup>

ایثارگران به واسطه ایمان راستین، به راحتی در صف مجاهدان راه خدا درآمده و با ایثار جان و مال، دین خدا را یاری می‌کنند. کسی که جان برکف از اسلام و مرزهای اسلامی دفاع می‌کند، خود را به آب و آتش می‌زند و چه بسا خون پاکش در راه پاسداری از اسلام و ارزش‌های اسلامی ریخته شود. بالاترین درجه ایثار و محبوب‌ترین مقام را نزد خدا دارد؛ چنانکه رسول خدا درباره ارزش خون پاک شهیدان راه خدا می‌فرماید: «هیچ قطره‌ای در پیشگاه خداوند، محبوب‌تر از قطره خونی نیست که در راه خدا ریخته می‌شود.»<sup>۲</sup>

### مدال ایثارگری شهید سلیمانی

حاج قاسم کسی بود که دنبال راحتی خودش نبود. چهل سال خود را به آب و آتش زد و آرام و قرار نداشت تا دیگران با خیال راحت به زندگی ادامه دهند. او در نامه به دخترش از این ایثار چنین گفت:

«عزیزم من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خواهد و نباید بخوابد تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند. دختر عزیزم شما در خانه من در

۱ الخصال: ۶۸/۱.

۲ اصول کافی، شیخ کلینی: ۵۳/۵.

امان و با عزت و افتخار زندگی می‌کنید. چه کنم برای آن دختر بی‌پناهی که هیچ فریادرسی ندارد و آن طفل گریان که هیچ چیز... که هیچ چیز ندارد و همه چیز خود را از دست داده است؟ پس شما مرا نذر خود کنید و به او واگذار نمایید. بگذارید بروم، بروم و بروم. چگونه می‌توانم بمانم در حالی که همه قافله من رفته است و من جا مانده‌ام. دخترم خیلی خسته‌ام. سی سال است که نخواییده‌ام اما دیگر نمی‌خواهم بخوابم. من در چشمان خود نمک می‌ریزم که پلک‌هایم جرئت بر هم آمدن نداشته باشد تا نکند در غفلت من آن طفل بی‌پناه را سر ببرند. وقتی فکر می‌کنم آن دختر هراسان تویی، نرجس است، زینب است و آن نوجوان و جوان در مسلخ خوابانده که در حال سر بریده شدن است حسینم و رضایم است از من چه توقعی دارید؟ نظاره‌گر باشم، بی‌خیال باشم، تاجر باشم؟ نه من نمی‌توانم این‌گونه زندگی بکنم.»<sup>۱</sup>

### خاطره

سردار حسنی سعدی<sup>۲</sup> تعریف می‌کرد: یک روز رفتیم خانه دو شهید انجم شعاع، پدر این شهدا خودش جانباز ۵۰ درصد و در زمان جنگ تحمیلی برای مدت نسبتاً طولانی راننده سردار

۱ حاج قاسم این نامه را یازده سال پیش از شهادت خود نوشته است. پایگاه اطلاع‌رسانی

KHAMENEI.IR .https://b2n.ir/w11415

۲ هم‌رزم سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، مدیرکل سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران

کرمان.

سلیمانی بود. ایشان گفت: زمانی سردار سلیمانی را از جبهه برای حضور در جلسات به تهران می‌بردم. حاج قاسم به دلیل کار زیاد و خستگی، می‌رفت آخر استیشن می‌خوابید، من که می‌دیدم هوا گرم است کولر ماشین را روشن می‌کردم اما سردار به محض خنک شدن هوا بیدار می‌شد و می‌گفت: «کولر را خاموش کن. درست نیست من زیر باد خنک کولر بخوابم و رزمندگان و بسیجیان در هوای گرم بیابان‌ها باشند.» و زمانی که هوا سرد بود و من بخاری ماشین را روشن می‌کردم باز با مخالفت سردار روبرو می‌شدم و ایشان می‌گفت: «درست نیست، زمانی که هم‌زمان ما در بیابان سردشان است ما گرم باشیم.»<sup>۱</sup>

### ویژگی دوم: اخلاص و رضایت خدا

اخلاص یعنی همه کارها برای خدا، برای رضای الهی، برای اجرای امر الهی باشد. اخلاص؛ یعنی خالص کردن و ناب کردن نیت. همه انسان‌ها، پیر یا جوان، کوچک یا بزرگ، همه می‌میرند و از این عالم عبور می‌کنند و به عالم دیگر وارد می‌شوند؛ مهم نوع عبور کردن است. آن کسی که برای خدا با اخلاص عمل می‌کند به بهترین وجه عبور می‌کند و در راه خدا شهید می‌شود. نکته دومی که حضرت آقا چندین بار در وصف شهید سلیمانی فرمودند این بود که: عمل او «در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله» بود. حاج قاسم اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود و

<sup>۱</sup> خبرگزاری جمهوری اسلامی، [yun.ir/ncz7h](http://yun.ir/ncz7h)

اهل تظاهر نبود.<sup>۱</sup> به دنبال ناب کردن نیت، هم خالص کردن و هم ناب شدن عمل می‌آید.<sup>۲</sup>

ما جلوه‌ای از این احساس تعلق خاطر سیدالشهدا علیه السلام نسبت به یاران باوفای خودش را در سردار سلیمانی دیده‌ایم. به ایشان می‌گفتند شما محبوب‌ترین شخصیت جمهوری اسلامی هستید ولی ذره‌ای دلش نلرزید و به سمت این محبوبیت نرفت. به ایشان می‌گفتند نقش شما خیلی حساس است و در منطقه دارید کار بزرگی را انجام می‌دهید؛ خیلی راحت می‌گفت کارها دست خدا است و خودش را هیچ‌کاره می‌دانست. ویژگی دیگرشان این بود که از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسید و هیچ‌کسی نمی‌توانست روی ایشان تأثیر منفی بگذارد. در اوج ناامیدی دیگران کار خودش را محکم انجام می‌داد و به پیروزی‌های بزرگی هم رسید. سرزنش سرزنش‌کنندگان در خیلی از سیاستمداران تأثیر منفی می‌گذارد که موجب عقب‌نشینی آن‌ها

۱ بیانات مقام معظم رهبری ۹۹/۹/۲۶

۲ ۱۸/۰۷/۱۳۷۷ نجات انسان در زندگی ابدی به‌وسیله اخلاص است؛ برای خدا، برای حقیقت کار کردن، مخلصانه کار کردن مایه نجات است؛ اینکه حاج قاسم به چنین مقامی رسید، ناشی از اخلاص او بود. ۰۲/۰۸/۱۳۸۹ شرط شهادت و شرط مجاهد فی سبیل‌الله بودن این است که حرکت او فی سبیل‌الله باشد، لله باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. اخلاص، معجزه‌گر است. وقتی انسان برای خدا در یک راهی قدم می‌گذارد، خدا به کار او برکت می‌دهد ۰۲/۱۵/۱۳۸۹.

از مواضع انقلابی‌شان می‌شود اما سردار سلیمانی واقعاً یاری‌کننده دین بود.

«مؤمن باید به‌طور دائم روی خودش کار کند؛ به‌طور دائم. نه این‌که خیال کنید «به‌طور دائم» زیادی است یا نمی‌شود؛ نه. هم می‌شود، هم زیادی نیست. اگر کسی مراقب خود باشد؛ مواظب باشد کارهای ممنوع و کارهایی را که خلاف است انجام ندهد و راه خدا را با جدیت ببیماید، موفق می‌شود. این، همان خودسازی دائمی است و برنامه اسلام، متناسب با همین خودسازی به‌طور دائم است. این نماز پنج‌گانه - پنج وقت نماز خواندن - ذکر گفتن؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را تکرار کردن؛ رکوع کردن؛ به خاک افتادن و خدای متعال را تسبیح و تحمید و تهلیل کردن برای چیست؟ برای این است که انسان به‌طور دائم مشغول خودسازی باشد. منتها گرفتاری‌ها زیاد است و همه گرفتاریم. گرفتاری زندگی؛ گرفتاری معاش؛ گرفتاری امور شخصی؛ گرفتاری اهل و اولاد و انواع گرفتاری‌ها مانع می‌شود که ما به خودمان، آن چنان که شایسته است برسیم.»<sup>۱</sup>

### ویژگی سوم: مجاهدت و جهاد در راه خدا

ویژگی سومی که شخصیت حاج قاسم را ممتاز کرد، تلاش و سخت‌کوشی و مجاهدت او در راه خدا در همه زمینه‌ها بود. اگر

۱ بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۱۲/۴.

ایشان مرد میدان لقب گرفت، به علت مجاهدت‌هایی بود که در این راه انجام داد و تا نیل به هدف ناامید نشد و پا پس نکشید. امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»<sup>۱</sup>

سه نکته از این حدیث:

اول: جهاد دری از درهای بهشت است.

اگر کسی اهل جهاد شد، خداوند متعال باب بهشت را به روی او باز خواهد کرد. باب بهشت به روی حاج قاسم باز بود. خوشا به حال شهید سلیمانی که اهل جهاد بود و جزء اولیای خاص الهی؛ در بهشت به روی او باز شده و بهشت مشتاق بود. این یعنی عاقبت به خیری.

دوم: این در را خدا برای اولیاء خاصش و دوستان خاصش گذاشته است و باز می‌کند. این یعنی هرکسی توفیق و لیاقت جهاد و مجاهدت نصیبش نمی‌شود. مقام مجاهدت فی سبیل الله، مقام اولیاء الله است؛ بنابراین حاج قاسم از اولیاء الله بود. سوم: جهاد، خاص پرور است، فرهنگ جهاد و ایثار، اگر وارد زندگی کسی شود، ذائقه‌اش از جنس حاج قاسم می‌شود، غیر از خدا چیزی به دل انسان خوش نمی‌آید؛ هر کس وارد وادی جهاد شود، اگر جنسش ناب هم نباشد و ناخالصی داشته باشد، نابش می‌کنند. فرهنگ جهاد، انسان‌ها را با عیار بالا تربیت می‌کند، اصلاً عنصر وجودش را با خوبی‌ها عوض می‌کند.

۱ نهج البلاغه: خطبه ۲۷.

تمام تجهیزات عالم را به داعش دادند و آن‌ها را به جان مسلمان‌ها انداختند که جنایت کنند. تمام مصائب عالم را بر دل این سردار و هم‌زمانشان خصوصاً ابو مهدی المهندس وارد کردند. این دردها و صبوری‌ها و استقامت‌ها، مؤمن را آب‌دیده و نورانی می‌کند. حضرت آقا در پیام خود فرمود: «او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود.»<sup>۱</sup>

حاج قاسم مردی مبارز و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ چیزی نمی‌ترسید و هیچ‌گاه دچار وارفتگی و سستی و رکود نشد، بی‌نهایت فعال و تلاشگر بود و به آسایش و راحتی خودش فکر نمی‌کرد. با اینکه در چند عملیات مجروح شد اما همیشه برای بازگشت به جبهه پافشاری می‌کرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی بازمی‌گشت.

### خاطره ۱

سردار حسنی سعدی<sup>۲</sup> از هم‌رزم‌های حاج قاسم تعریف می‌کرد:

سردار سلیمانی از تمام وقتش به نحو شایسته استفاده می‌کرد و بسیار سخت‌کوش بود. گاهی به دلیل حجم کار بالایی که

۱. <https://dnws.ir/۴۳۵۸۹۸> خبرگزاری دفاع مقدس. ۱

۲. هم‌رزم سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، مدیرکل سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران



داشت هر روز در سه شیفت، سه راننده عوض می‌کرد تا راننده‌هایش خسته نشوند.<sup>۱</sup>

مجاهدتهای حاج قاسم هم بین‌المللی بود (از افغانستان گرفته تا لبنان و سوریه و عراق)؛ و هم فرا نظامی بود؛ یعنی نه تنها در میدان جنگ؛ بلکه در سایر عرصه‌ها هم مشهود بود. حاج قاسم فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگ جهاد و شهادت بود. هیچ میدانی نبود که حضور او آنجا لازم باشد ولی او غایب باشد و جایش خالی بماند. از حضور در میدان پیوسته‌های اجتماعی سیل و زلزله تا فتنه پیاده‌نظام دشمن و میدان‌های نبرد ۸ سال دفاع مقدس، غائله ناآرامی تروریست‌های سیستان، داعش، عرصه سیاسی و دیپلماتیک و فرهنگی، عمرانی، اعتقادی و... که از ایشان شخصیتی چندبُعدی ساخته بود. در همه این معرکه‌ها حاج قاسم پای رکاب مردم بود، مردم هم پای رکاب حاجی بودند. نمونه بارز این همدلی و همراهی دوطرفه با حضور پررنگ ایشان و نیروهای حشدالشعبی در سیل خوزستان جلوه‌گر شد که خالصانه برای گره‌گشایی از مشکلات مردم در کنار مردم تلاش کرد.

## خاطره ۲

در اوج عملیات ضد داعش در عراق، حاج قاسم به فرمانده مقر سپاه قدس در ایران زنگ زد و گفت: آنجا برف آمده؟ فرمانده قرارگاه گفت: بله. حاج قاسم گفت: برو مقداری علوفه بخر و در

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/677969> خبرگزاری جمهوری اسلامی.

کوه‌های پشت قرارگاه بگذار تا آهوها و بزها در این سرما بی خوراک نمانند. فرمانده گفت: حاجی وسط جنگ؟ گفت: بله من به دعای آهوها نیاز دارم.



خدا مجاهدان مخلص را محبوب می‌کند  
 هر که در نزد خدا محبوب شد  
 هم به ظاهر هم به باطن خوب شد  
 او دگر جز حق نبیند نشنود  
 گفته او گفته داور شود  
 پس حبیب اندر فنا محبوب شد

طالب حق بود تا مطلوب شد<sup>۱</sup>  
 قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا  
 كَأَنَّهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُورٌ»<sup>۲</sup>؛ یقیناً خداوند دوست می‌دارد آنانی را که  
 در راه او جهاد می‌کنند؛ آن‌چنان که گویی بنایی محکم و استوار  
 هستند. خوشا به حال آن‌هایی که خدا دوستشان دارد. چه لذتی  
 بالاتر از این برای جهادگرانِ خالصِ راه خدا و جنگجویان راه  
 خدا؟

۱ ریاض‌المحبین: ۱۷۰.

۲ صف: آیه ۵.

امام حسن علیه السلام می فرماید: «مَنْ ارَادَ عَزَّابًا عَشْرَةَ وَهَيْبَةً بِلَا سُلْطَنَةٍ، فَيُخْرَجُ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عَزَّابَتِهِ»؛ هر کس عزت و آقایی بدون تبار و بی نیازی بدون ثروت و هیبت بدون قدرت (سلطنت) می خواهد، باید خود را از خواری نافرمانی خدا، به عزت پیروی از او بکشد.

علت محبت ائمه اطهار علیهم السلام در قلوب، همین اخلاص، تقوا و پاکی آن‌ها بوده است. همین اخلاص آن‌ها بوده است که بعد از گذشت قرن‌ها از مرگشان، هنوز در دل‌ها زنده و محبوب دل‌های مردان پاک هستند.

اگر این فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌ها و تواضع و عدالت‌طلبی، آزادگی و شجاعت‌ها رنگ خدایی نداشت و توأم با اخلاص نبود، قطعاً این اندازه در دل‌ها جای نمی‌گرفتند و عاطفه انگیز و محبت‌خیز نبودند.

حماسه‌ها و از خودگذشتگی‌های پیکار خونین عاشورا بعد از گذشت قرن‌ها هنوز در قلب‌ها جای دارد و این به خاطر اخلاصی بود که در امام حسین و یارانش بوده است.<sup>۲</sup> سردار دل‌ها چگونه توانست خودش را به این مقام و جایگاه برساند که خدا او را محبوب دل‌ها کند؟

۱ تحف العقول: ۳۱۲؛ آثار تقوا: ۱۰۹؛ الأمالی (للطوسی): ۵۲۴/۱

۲ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمْ رِزْقًا؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد (مریم، آیه ۹۶).

وقتی کسی به فکر منافع شخصی نیست، وقتی راحتی خود را فدای راحتی مردم می‌کند و وقتی برای خدا کار می‌کند و مخلصانه کار می‌کند، خدای متعال هم محبت و هم هیبت او را در دل مردم می‌اندازد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام به جمیل بن دزاج فرمود: بهترین شما سخاوتمندان شمایند و بدترینتان، بخیلانتان؛ «من خالص الإيمان البر بالإنسان والسعي في حوائجهم وإن البار بالإنسان ليجبه الرحمن وفي ذلك مرعته للشیطان وتزحج عن التبرين ودخول الجنان»؛ و از خلوص ایمان است نیکی کردن به برادران و کوشش برای رفع حوائج آنان. خداوند مهربان، نیکی کننده به برادران را دوست می‌دارد و این کار، مایه طرد و خواری شیطان، دوری از آتش و ورود به بهشت است. ای جمیل! این را به آگاهی یاران برجسته‌ات نیز برسان. گفتم: فدایت شوم! بزرگان از یارانم کیان‌اند؟ فرمود: «هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِنْسَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ»؛ آنان که در سختی و آسایش، به برادران، نیکی و کمک می‌کنند. سپس فرمود: ای جمیل! بدان که این کار برای افراد توانگر آسان است اما خداوند عزّ و جلّ در این زمینه، آن را که مال اندک دارد [و در عین حال، همان را ایثار می‌کند] ستوده و در کتاب خود فرموده است: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ

۱ بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۴/۱۲/۸.

شُحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلَتْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>؛ و [دیگران را] بر خویشتن، مقدّم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند و آن‌ها که از خست نفس خویش مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند.



بهترین راه (کلی) ترویج مکتب سلیمانی و تکثیر امثال حاج قاسم، الگوپذیری عملی از خود شهید است؛ یعنی نسل امروز در عمل ثابت کنند «من یک قاسم سلیمانی‌ام». برای تحقق عملی این مطلب، چند راهکار (جزئی) پیشنهاد می‌شود:

### ۱. ارتباط صمیمانه با امام حسین علیه السلام

شهید قاسم سلیمانی با تأسی از نهضت عاشورایی برای دفاع از مظلومان جهان وارد میدان شد. موفقیتش و قدرتش به خاطر حسینی بودنش بود.

۱ امام صادق علیه السلام به جمیل بن دزاج فرمود: خیارُكُمْ سَمَاحُكُمْ وَشِرَارُكُمْ بَخْلَاؤُكُمْ وَ مِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَالسَّعْيُ فِي خَوَالِفِهِمْ وَإِنَّ الْبَارِئَ بِالْإِخْوَانِ لَيَجِيئُهُ الرَّحْمَنُ وَفِي ذَلِكَ مَرَعَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَتَرْحُحُ عَنِ التَّيْبَرِ وَدُخُولِ الْجِنَانِ. يَا جَمِيلُ، أَخْبِرْ بِهَذَا عُرْزَ أَصْحَابِكَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَنْ عُرْزَ أَصْحَابِي؟ قَالَ: هُمُ الْبَارِئُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، فُرُ قَالَ: يَا جَمِيلُ، أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهْوَى عَلَيْهِ ذَلِكَ وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ صَاحِبَ الْقَلِيلِ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

«ما ملت شهادتیم؛ ما ملت امام حسینیم! بپرس؛ ما حوادث سختی را پشت سر گذاشته‌ایم. بیا! ما منتظریم. مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می‌دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید، اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم... از اول انقلاب تا حالا در همه صحنه‌ها ما با تمسک به همین فرهنگ امام حسین همه پیروزی‌هایمان را و تضمین پیروزی‌هایمان را از این راه گرفتیم.»

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «بِأَبِ عَبْدِ اللَّهِ لِي أَنْتَقِرَبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَالْيَكُ بِمَوْلَاتِكَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَاكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ<sup>۱</sup>؛ ای اباعبدالله من تقرب می‌جویم به درگاه خدا، پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و به حضرت تو قرب می‌طلبم به واسطه محبت و دوستی تو.

تقرب به درگاه خدا همان خالص شدن برای خدا با مجاهدت و ایثار است که به واسطه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ ایجاد می‌شود.

در سند چشم‌اندازی که اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ برای یاران خود ترسیم می‌کند، مدعی زیاد است اما باید دید چه کسی را به حضور پذیرفته‌اند، هر کس که می‌خواهد در جبهه ولی خدا بماند باید بخشنده باشد؛ از جان، مال و آبروی خود بگذرد.

وقتی کسی در مکتب و مسیر سالار شهیدان قرار بگیرد ناخودآگاه رفتار و منش و بینش او با مکتب شهادت انس می‌گیرد؛ چراکه شهیدان همه امام حسینی‌اند و امثال شهید سلیمانی نیز از شعاع نور ابوالفضل علیه السلام راهبری می‌کنند. حاج قاسم عصرهای جمعه همراه با همسر و فرزندان محفل عزاداری برگزار می‌کرد. او در جلسات خصوصی تا نامی از سیدالشهدا علیه السلام می‌آمد، به پهنای صورت اشک می‌ریخت و از شدت گریه شانه‌هایش می‌لرزید.

نسل امروز هم برای سلیمانی شدن نیاز به رفاقت و ارتباط با امام حسین علیه السلام دارد. وقتی آقای موسوی نماینده ولی فقیه به عیادت علی لندی آمد، از او پرسید چه آرزویی داری و علی گفت آرزو دارم به کربلا بروم. علی همیشه دلش می‌خواست روزی مسافر کربلا شود. عموی او می‌گوید: چند بار که من و برادرانم به کربلا رفته بودیم از ما می‌خواست که او را هم همراه خودمان ببریم. من به او می‌گفتم: باید حسینی شوی تا بتوانی با ما بیایی. بعد از حادثه وقتی در بستر بیماری بود به من گفت: حالا دیگر حسینی شده‌ام؟ گفتم: بله حالا دیگر در عمل حسینی شدی.<sup>۱</sup>

## ۲. تربیت خانوادگی

اگر قرار است نسل جدید دستش در دست شهید سلیمانی‌ها باشد باید ارکان خانواده حول مادر جمع شوند و نقش کلیدی مادر

۱ <https://b2n.ir/d42709.98> فارس

پررنگ باشد. اگر مادر مورد احترام قرار گیرد، نقشش در تربیت پررنگ می‌شود. در ماجرای

نذر روزه خانوادگی خانه امیرالمؤمنین علیه السلام نقش ترویجی حضرت زهرا برجسته است؛ بلافاصله بعد از نذر مولا، مادر خانه برای نذر اعلام آمادگی می‌کند و به دنبال مادر فرزندان نذر می‌کنند. جالب اینجاست که فضا خادمه نیز تبعیت می‌کند و همگی سه روز غذای خود را به نیازمندان می‌بخشند بعد آیه در حق کل خانواده نازل می‌شود: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»<sup>۱</sup>

۱ قرآن کریم این خانواده را از بزرگ و کوچک الگوی عملی ایثار خالصانه برای ما معرفی کرده: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان، آیه ۷۶). بنابر روایات متعدد شیعه و سنی (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان: ۱۴۷/۲۶-۱۴۸، فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.) شأن نزول آن مربوط به از خودگذشتگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام و همسرش فاطمه علیها السلام و دو فرزندشان حسن و حسین علیهم السلام در انفاق تنها خوراک شب خود به نیازمندان در سه شب متوالی است. این عباس می‌گوید: امام حسن و حسین علیهم السلام به شدت مریض شدند، به گونه‌ای که همه اصحاب پیامبر از آنان عیادت کردند. گفتند: ای ابوالحسن اگر برای خدا نذر می‌کردی (بهتر بود). علی گفت: نذر می‌کنم که اگر خداوند دو نوه پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را شفا دهد، سه روز روزه بگیرم، فاطمه آن را شنید و گفت. برای خدا در گردن من همان باشد که تو گفتی، حسن و حسین نیز آن را شنیدند و گفتند: ای پدر، برای خدا در گردن ما همان باشد که تو گفتی. خدا آن‌ها را شفا داد، پس روزه گرفتند، پس از آن که حسنین علیهم السلام شفا یافتند، حضرت



امیر علیه السلام نزد شمعون یهودی که در همسایگی آنان منزل داشت، رفت. شمعون قدری پشم داد که بریسند و در عوض سه صاع جو مزد داد. حضرت زهرا علیها السلام جو را آسیاب نمود، پنج قرص نان برای افطار تهیه نمود. وقتی حضرت امیر بعد از نماز مغرب به خانه آمد که افطار کنند هنوز دست دراز نکرده، از در خانه سائلی آواز داد که من مسکینی از مساکین مسلمانانم، مرا طعام دهید، خدا شما را از طعام‌های بهشت عطا کند. امام علی نان خود را به فقیر داد. فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام و فضا نیز متابعت کرده همگی نان خود را به فقیر دادند و به آب افطار کردند. روز دوم نیز روزه داشتند به همان ترتیب فاطمه علیها السلام پنج قرص نان برای افطار تهیه نموده موقع افطار صدایی از در خانه بلند شد: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة» من یتیمی از ایتم مسلمانانم مرا طعام دهید، آن شب نیز همگی نان خود را دادند و به آب افطار نمودند. روز سوم نیز روزه داشتند موقع افطار صدایی از در خانه بلند شد که من اسیری هستم از اسرا و گرسنه هستم مرا طعام دهید، باز همگی نان خود را دادند و به گرسنگی صبر نمودند. روز چهارم امام علی، دست حسن و حسین علیهم السلام را گرفت در حالی که از ضعف می‌لرزیدند، آنان را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله برد. چشم رسول الله که بر آنها افتاد بسیار دل‌تنگ شد، فرمود برخیزید به حجره فاطمه علیها السلام برویم، وقتی آمدند که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت بود و از گرسنگی می‌لرزید و شکم مبارکش به پشت چسبیده و چشمانش به گودی فرو رفته بود؛ چون رسول الله این حالات را در عترت خود دید دست به دعا برداشت و از خدا استغاثه نمود که خدایا عترت من از گرسنگی می‌میرند، جبرئیل فرود آمد و این آیات را «أَيُّوْفُونَ بِالَّذِينَ» تا آن جا که فرموده: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا»، فرود آورد. (مخزن العرفان در تفسیر قرآن، سیده نصرت امین: ۲۳۷۸-۲۳۹۹، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش).

حاج قاسم سلیمانی در مسیر بودن خودش و راهبری خودش در این مکتب را مدیون مادر می‌دانست. همیشه در اولین فرصتی که به دست می‌آورد به پدر و مادر سر می‌زد و احترام خاصی برای آن‌ها قائل بود و معتقد بود یکی از دلایل اینکه خداوند روزی‌اش را خدمت به اسلام و مسلمین و مظلومان جهان قرار داده دعای پدر و مادر، لقمه حلال و دین‌داری آن‌ها بوده است.<sup>۱</sup>

### خاطره

همیشه دلم می‌خواست کف پای مادرم را ببوسم ولی نمی‌دانم چرا این توفیق نصیبم نمی‌شد. آخرین بار قبل از مرگ مادرم که اینجا آمدم، بالاخره سعادت پیدا کردم و کف پای مادرم را بوسیدم. با خودم فکر می‌کردم حتماً رفتنی‌ام که خدا توفیق داد و این حاجتم برآورده شد. سردار در حالی که اشک جاری شده بر گونه‌هایش را پاک می‌کرد، گفت: نمی‌دانستم دیگر این پاهای خسته را نخواهم دید تا فرصت بوسیدن داشته باشم.<sup>۲</sup>

حاج قاسم با همه عظمتی که دارد، با جایگاه ویژه‌اش نزد رهبر، با آن هیبتش در دل نیروهای ورزیده دنیا و سیاسیونش و آن جایگاهی که نزد مردم دارد که در تشییع جنازه‌اش چند ده میلیون نفر شرکت می‌کنند؛ با همه این عظمت، صورت زمین می‌گذارد و کف پای مادر را می‌بوسد.

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/p۷۴۹۶۸> خبرگزاری خیرآنلاین

<sup>۲</sup> <https://www.isna.ir/news/۹۸۱۰۱۴۱۰۱۴۲/> (ایسنا). خبرگزاری دانشجویان ایران

هرچه ثواب و درجه به حاج قاسم بدهند، به مادرش که او را تربیت کرده هم می‌دهند. ای مادری که از وظیفه مادری خارج می‌شوی و احساس می‌کنی که برای یک خدمت اجتماعی باید به فضای دیگری بروی که کلاس اجتماعی پیدا کنی، هرچه مقام و منزلت و درجه و مدرک کسب کنی، به این مقام نمی‌رسی که یک ژنرال جهانی بر پایت بوسه زند. خوب است بانوان جامعه ما برای تربیت فرزندان همچون این سردار همت کنند.

### خاطره رضایت‌نامه کتبی از مادر

ابراهیم شهریاری گفت: از میان خاطرات سردار دل‌ها این خاطره خیلی به درد نسل امروز می‌خورد. یک روز از رابر کرمان می‌آمدیم. من دیدم حسرتی به دلش هست. گفتم: حاج آقا اتفاقی برایتان افتاده است؟ گفت: ابراهیم یک حسرتی به دلم مانده. گفتم چیست؟ گفت: من از مادرم یک رضایتی در قالب نوشته گرفتم که آیا من پسر و فرزند خوبی برایش بوده‌ام؟ ولی این حسرت به دلم ماند که من نتوانستم از پدرم این رضایت‌نامه را بگیرم و این کار را به تعویق انداختم.

حاج قاسم توصیه می‌کرد و می‌گفت: شما اگر پدر و مادرهایتان زنده هستند، دنبال این کار بروید و تا زنده هستند یک رضایت از آن‌ها بگیرید.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/f32160> باشگاه خبرنگاران جوان.

ایشان نه تنها قدرشناس مادر خودش بود و او را تکریم می کرد، بلکه مادران شهدا را نیز تکریم می کرد. مادر حاج قاسم فرزندی تربیت کرد که مادران شهدا نیز او را فرزند خود می دانستند و او نیز خودش را فرزند این مادران می دانست!

### خاطره

شهید سلیمانی رابطه دلی و مادر و فرزندی با مادران شهدا داشت. نگاه حاج قاسم به مادر شهیدان هندو زاده خیلی خاص بود؛ سردار سلیمانی هر زمان به کرمان می آمد به دیدار ایشان می رفت و گاهی با هم صبحانه می خوردند و رابطه مادر و فرزندی داشتند. خود سردار می گفت: «وقتی به دیدار مادر شهیدان هندو زاده می روم، تمام خستگی هایم را فراموش می کنم.»<sup>۱</sup>

### رفیق راه در مکتب

برای سلوک در مسیر معنویت مکتب شهید سلیمانی، انسان بیش از همه نیازمند رفیقی خوبی است که تعامل با او و حشر و نشر با او، انسان را به مسیر ایثار و جهاد و شهادت بکشاند و اراده اش را مصمم کند. این رابطه دوطرفه، انسان را رشد می دهد. امام علی علیه السلام فرمود: «تَحَبَّبَ إِلَى خَلِيكَ يُحِبُّكَ وَأَكْرَمَهُ يُكْرِمُكَ وَأَثَرُهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤَثِّرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ»<sup>۲</sup>؛ به دوستت مهر بپورز تا به تو مهر بپورزد و او را گرامی بدارد تا تو را گرامی بدارد و او

۱ <https://bzn.ir/a09720> (ایسنا) خبرگزاری دانشجویان ایران

۲ غرر الحکم، ۴۵۳۰، عیون الحکم و المواعظ، ۲۰۳ / ۴۱۱۷.

را بر خویشتن مقدّم بدار تا او نیز تو را بر خویش و خانواده‌اش مقدّم بدارد.

### ۳. رفاقت با شهیدا

اگر رفیقی که انتخاب می‌کنیم از شهیدا باشد، در این رفاقت بیشتر خرج خواهند کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: شهیدا، ستارگان درخشانی هستند که هر یک می‌توانند عالمی را روشن کنند.<sup>۱</sup> و اگر این حقیقت زنده بماند، تقدیس شود و مورد تکریم قرار گیرد، تاریخ برای همیشه از آن بهره خواهد برد، همچنان که تاریخ بشریت همچنان از خون به ناحق ریخته شده حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام استفاده می‌کند. اینکه شهید سلیمانی با اراده قوی، دوستانش را همراهی کرده تا به مرز شهادت رسیدند نکته دقیقی است «همه را به این راه بردم ولی افسوس که خودم جا ماندم».<sup>۲</sup>

حاج قاسم بود و شهید حاج احمد کاظمی، حاج قاسم بود و شهید حسین بادپا، حاج قاسم بود و شهید باکری و شهید حسین یوسف الهی و شهید زنگی‌آبادی و شهید قاسم میرحسینی؛ همه رفقای ناب حاج قاسم بودند. ارتباط حاجی با این‌ها یک ارتباط بسیار عاطفی بود. خصوصاً شهید ابومهدی المهندس که ارتباط

۱ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهیدا، ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.

۲ نامه به دخترش فاطمه.

آن‌ها باهم خیلی تنگاتنگ بود و در نهایت با هم پرواز کردند و ستاره شدند: «وَيَالْتَجِرُ هُمْ يَهْتَدُونَ»<sup>۱</sup>

حاج قاسم وقتی میزبان آن‌ها بود، عموماً در جلسات، خودش پذیرایی می‌کرد. طبیعتاً وقتی کسی می‌بیند یک نفر در جایگاه فرماندهی در این سطح این قدر برخوردارش عاطفی است، او هم عاطفی برخورد می‌کند.

حاج قاسم و شهید ابومهدی المهندس با رفقای شهیدشان به قله شرافت و محبوبیت و در نهایت به کهکشان شهادت رسیدند و ستاره شدند؛ کو رفیق هر شب شهید من و تو؟ عشق به شهدا در وجود حاج قاسم نهادینه شده بود؛ به طوری که او با شهدا زندگی می‌کرد. صبح‌ها با یاد شهدا بیدار می‌شد، روزها با شهدا سخن می‌گفت و شب‌ها به یاد شهدا می‌خوابید. در اتاق و حتی در سالن محل کار از پله‌هایی که به سمت اتاق کار حاج قاسم می‌رفتیم، تصاویری از شهدای دفاع مقدس به‌ویژه شهدای لشکر ثارالله، شهدای جبهه مقاومت و شهدای فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نصب شده بود و حاج قاسم هر روز به یاد آن‌ها بود و از آن‌ها کمک می‌گرفت.

ما کجاییم؟ اگر بخواهیم مکتب شهید سلیمانی در زندگی ما زنده شود، باید با شهدا رفیق شویم و در خلوت و جلوت، در کسب و مسکن، در سیاست و زندگی، در سفر و حضر با شهدا زندگی کنیم و با آن‌ها راه را پیدا کنیم. رهبر عزیزمان فرمود: «بعضی‌ها

۱ نحل: آیه ۱۶.

ستاره فوتبال می‌شوند، بعضی‌ها ستاره سینما، بعضی هم ستاره آسمان، با این ستاره‌ها می‌شود راه را پیدا کرد<sup>۱</sup>».



فرمود: به دوستت مهر بپورز تا به تو مهر بورزد. من دوستی به شما معرفی می‌کنم که اگر با او رفیق شوی، رنگ و لعاب او را می‌گیری و او سیدالشهداست. دوستی با ارباب در سیره حاج قاسم خیلی پررنگ بود؛ چرا؟ چون اگر شهدای کربلا لب‌تشنه جان دادند، امام حسین هم لب‌تشنه جان داد؛ اگر شهدای کربلا، سر از بدنشان جدا شد، سر عزیز زهرا هم از بدنش جدا شد؛ اگر بدن بعضی شهدای کربلا مثل آقا علی‌اکبر قطعه‌قطعه شد، بدن اباعبدالله هم قطعه‌قطعه شد.

امام حسین از همه شهدا رنگ و لعاب گرفت، این سیدالشهدای جبهه مقاومت هم از هم‌زمانش رنگ گرفت؛ اگر بعضی از شهدای ما مثل شهید زین‌الدین کمین خوردند، حاج قاسم هم توسط نمرود زمان کمین خورد؛ اگر بعضی از شهدای ما مثل شهید همت را سر بریدند، جنازه حاج قاسم هم سر نداشت؛ اگر بدن بعضی از شهدای ما در جبهه مقاومت سوخت، بدن حاج قاسم هم سوخت؛ اگر بعضی از شهدای ما مثل مهدی باکری پودر شدند و بدنشان برنگشت، سردار دل‌ها

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/z26088> نوجوان، پایگاه اطلاع رسانی.

هم عمده بدنش برنگشت؛ اگر بعضی از شهدای ما مثل خرازی دستش قطع شد، شهید سلیمانی هم دستانش قطع شد. حاج قاسم ۴۰ سال با این شهدا بود و داغ این شهدا را بر دل داشت، در نهایت هم از هر کدام یک نشانه‌ای گرفت.



جلسه سوم: «خاشکن»

موضوع: به شدت انقلابی



خوشا به حال مالک اشتر! آقا امیرالمؤمنین علیه السلام چندین بار، از مالک اشتر تعریف و تمجید کرده‌اند: مالک برای من همان‌گونه بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم.<sup>۱</sup> الله اکبر! درجه اش خیلی بالاست.

مولا علی علیه السلام مالک اشتر را که حاکم استان جزیره بود احضار نمود و سپس او را روانه مصر ساخت زیرا مصر حاکمی مثل مالک می‌خواست تا نیرنگ‌های معاویه و عمرو عاص را با شمشیر پاسخ دهد. حضرت نامه‌ای به مردم مصر نوشت و او را به عنوان حاکم معرفی کرد. مالک اشتر در ذی‌قعدة سال ۳۸ از

---

۱ نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی: ۹۸۹.

کوفه خارج شد و راه مصر را در پیش گرفت.<sup>۱</sup> زمانی که خبر سفر مالک به معاویه رسید برای یکی از مالکان روستاهای بین راه

۱ نقل دیگری در نحوه شهادت مالک اشتر هست: در بین راه مردی پست‌فطرت با وضع رقت باری خود را به حضور مالک رسانید، مالک اشتر که به پیروی از علی علیه السلام همیشه غریب‌نواز و نسبت به فقراء متفقد بود پرسید: کیستی و از کجا می‌آیی؟ آن مرد گفت: اسمم نافع است و در مدینه غلام عمر بن خطاب بودم و اکنون آزاد هستم و چون در مدینه به من سخت می‌گذشت، از آن شهر خارج شده‌ام و خیال رفتن به مصر را دارم تا در آنجا کاری پیدا کنم. مالک گفت: اگر مایل باشی و نزد من بمانی من پوشاک و خوراک تو را تأمین می‌کنم، نافع گفت: چه سعادتى بهتر از این؟ البته که می‌مانم، مالک این مرد را نیز جزو لشگریانش همراه خود برد.

پس از طی مسافتی به شهر قلزم رسیدند که تا مصر سه روز راه فاصله داشت. شب را در آنجا بیتوته نموده و صبح که به راه افتادند نافع بدطینت يك لیوان شربت از غسل درست کرد و مقداری سم در آن ریخت و پیش مالک برد.

مالک که در این چند روز خدمتگزاری این غلام را بی‌شأنه دیده بود لیوان شربت را سر کشید و لشگریانش را حرکت داد و پس از چند ساعت راه‌پیمایی آثار انقلاب در قیافه مالک نمایان شد و رفته‌رفته حالش به هم خورد و از پشت زین بر زمین افتاد. لشگریان مالک پیش دویدند و به درمانش پرداختند اما سمی که در شربت ریخته شده بود اثر خود را بخشید و همراهان او را متوجه قضیه نمود و هر چه دنبال نافع گشتند او را پیدا نکردند. مالک پس از چند لحظه دیده از جهان فروبست و به سرای جاویدان شتافت و اطرافیانش با جنازه مالک به قلزم مراجعت نمودند.

نافع پس از خوردن شربت به مالک از قلزم فرار کرده و پیش معاویه رفته بود. هنگامی که این خبر به معاویه رسید بسیار خوشحال و مسرور شد و شامیان را نوید داد که دیگر حمله علی به شما عملی نخواهد شد زیرا پشت و پناه علی علیه السلام مالک بود و نافع را نیز بسیار نوازش کرد

مصر پیغام داد: مالک اشتر را مسموم کن تا من خراج ۲۰ سال را از تو نگیرم.

مالک به روستا رسید و دهقان که فهمیده بود او عسل دوست دارد مقداری عسل مسموم برای مالک هدیه آورد و قدری هم از او اوصاف و فواید عسل حرف زد. وی شربتی از آن عسل زهرآلود را خورد و در همان بین راه شهید شد.

هنگامی که خبر شهادت مالک اشتر به آقا امیرالمؤمنین علیه السلام رسید بسیار متأثر و اندوهگین شد به طوری که از ته دل گریه سر داد و فرمود: مرگ مالک اشتر فاجعه بزرگی است. دیگر نظیر مالک را نخواهیم دید. مالک مانند شیری بود که از صدای او زهره دشمنان آب می‌شد.

همچنان که ملول و محزون بود جمعی از بزرگان طایفه نخع هنگامی که از شهادت مالک اشتر خیردار شده بودند خدمت امیر مؤمنین علیه السلام رسیدند و دیدند او بسیار اندوهگین است و تأسف می‌خورد. ایشان این جملات را در وصف او گفتند: «لَلَّذَرُّ مَالِكَ مَالِكٍ، وَمَا مَالِكٌ!؛ آفرین بر مالک، چه مالکی! مالک چه بود! در حکومت امیرالمؤمنین، مالک مایه مباحات حضرت امیر بود. شما می‌توانید چنین کسی را دوست نداشته باشید؟ می‌توانید به او نگاه کنید و خنده روی لب‌تان نیاید؟»

---

و مردم شام را که از شمشیر مالک داغی بر دل و کینه‌ای در خاطر داشتند اجازه داد تا آن روز را جشن گیرند.

می‌گویند پسر مایه مباحثات و اقتدار پدر است. در حکومت ما حاج قاسم مایه افتخار مقام معظم رهبری است.

«وَاللّٰهُ لَوَكَانَ جَبَلًا لَّكَانَ فَتْدًا، وَلَوْ كَانَ حَجْرًا لَّكَانَ صَلْدًا؛ لَا يَرْتَقِيهِ الْحَافِرُ، وَلَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ»؛ به خدا سوگند، اگر کوه می‌بود، کوهی بی‌همتا و سرافراز بود و اگر صخره‌ای بود، صخره‌ای سخت بود که هیچ رونده‌ای به اوج قلّه او نمی‌رسید و هیچ پرنده‌ای بر فراز آن پرواز نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

امام در این توصیف فشرده و پرمعنا درباره شخصیت مالک سنگ تمام گذاشته است. از یک طرف او را به کوه بی‌نظیری تشبیه می‌کند که هیچ انسان و پرنده‌ای نمی‌تواند به قلّه آن برسد و از سوی دیگر او را به سنگ محکمی تشبیه می‌نماید که در برابر حوادث بسیار مقاوم است. در واقع دو وصف مهم در این عبارت درباره مالک بیان شده است: یکی اوج افکار بلند و همت عالی او و دیگر روحیه انقلابی و استقامت و پایداری‌اش در برابر دشمنان.

در برابر هیچ دشمنی سر تسلیم فرود نیاورد و به خصوص امتحان خود را در جنگ صفین پس داد که اگر فتنه‌گران مانع نشده بودند کار لشکر شام و معاویه را یکسره کرده بود.

جالب این است که همان دو وصف مهمی که حضرت امیرالمؤمنین در پیامشان در مورد مالک اشتر به کار برده‌اند، رهبر انقلاب در پیامشان در مورد شهید حاج قاسم سلیمانی

۱ نهج البلاغه: حکمت ۴۴۳.

فرمودند؛ یعنی همت عالی در حدّ شهادت و استقامت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری در بیان دیگری فرمود: «یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدّت انقلابی بود.» رهبری صرفاً نمی‌فرمایند انقلابی بود، خیلی انقلابی بود، بلکه می‌فرمایند به شدت انقلابی بود؛ شدت یعنی اوج.

قرآن می‌فرماید: «لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ»؛ عذاب شدید از عذاب الیم بدتر است. عذاب الیم دردناک است ولی عذاب شدید مثل سیلی ای است که صدایش تا سه کوچه آن طرف‌تر می‌رود. حاج قاسم انقلابی‌گری‌اش صدا داشت؛ همه می‌دانستند. به شدت انقلابی بود؛ یعنی محسوس بود که حاج قاسم انقلابی است.

انقلاب و انقلابی‌گری خطّ قرمزِ قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیتِ او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خطّ قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدّت پایبند به انقلاب، پایبند به خطّ مبارک و نورانی امام راحل علیه السلام بود.

۱ <https://b2n.ir/n۰۸۹۹۵> خبرگزاری حوزه



### انقلابی گری چیست؟

انقلابی یعنی خطاشکن، بن بست شکن، همیشه پیشران در تمامی صحنه های حساس و مهم.

در جنگ همیشه اولین خطاشکن ها تخریبچی ها هستند. یکی از آن خطاشکن های معروف و کار بلد و نخبه، شهید علیرضا عاصمی فرمانده تخریب قرارگاه کربلا در جبهه های جنوب بود که تا زمان شهادت موفق به پاک سازی دو میلیون مین و ۵۰ هزار بمب عمل نکرده شد.<sup>۱</sup>

اول انقلاب لانه جاسوسی تسخیر شد، حضرت امام این حرکت انقلابی را انقلاب دوم نامیدند، چون فتنه هایی پشت ظاهر سفارتخانه آمریکا خوابیده بود و امام این را دیده بود.

### شاخصه های انقلابی گری

شاخصه های انقلابی گری در نامه معرفی مالک برای مردم مصر توسط مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده، همان شاخص ها را رهبری<sup>۲</sup> با بیانی دیگر توضیح دادند:

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/x/14240> خبرگزاری دفاع مقدس.

<sup>۲</sup> رهبر انقلاب در بخشی از بیانات خود فرمودند: برای انقلابی بودن شاخص هایی وجود دارد. من پنج شاخص را ذکر می کنم. ... ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است،

## ۱. بندگی خدا و تقوای دینی و سیاسی

«فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛» من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم.

## ۲. بن بست شکن

در هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها در محاسبات خود کمتر دچار اشتباه شود، موقعیت نیروهای خودی و دشمن را به طور کامل ارزیابی کند و مطابق آن برنامه‌ریزی نماید. «لَا يَتَأَمَّرُ أَيُّهَا الْخَوْفُ»؛ که در روزهای وحشت نمی‌خواهد، «وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ أَشَدَّ عَلَى الْفَجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ وَهُوَ مَا لِكَ بِنُ الْحَارِثِ أَخُو مَدْحِجٍ.»

مرحوم توستری در شرح نهج البلاغه خود از کتاب صفین نصر بن مزاحم نقل می‌کند:

در ایام جنگ صفین مردی از اهل شام که قامتی بسیار بلند و بی نظیر داشت از صفوف جمعیت شامیان خارج شد و مبارز طلبید (مطابق سنت جنگ‌های تن به تن در آن زمان). هیچ‌کس از لشکر امیر مؤمنان علیه السلام برای مبارزه با او بیرون نیامد جز مالک اشتر که آمد و با ضربه‌ای او را به خاک افکند و کشت. یکی از شجاعان لشکر شام گفت: به خدا قسم قاتل تو را خواهیم کشت.

---

یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمی‌کند؛ این شاخص‌ها در همه افراد ما ملت ایران می‌تواند وجود داشته باشد.

این سخن را گفت و بر اشتر حمله برد. اشتر او را با ضربه‌ای از پای درآورد و او در پیش روی اسبش افتاد و یارانش بدن مجروح او را از معرکه بیرون بردند. یکی از لشکریان شام به نام ابو رفقیه سهمی گفت: «كَانَ هَذَا نَارًا أَصْفَادَتْ أَعْصَارًا»؛ این مرد آتش بود ولی در برابر طوفان آتش‌زا مقاومت نکرد.

زمان جنگ معروف بود که قبل از عملیات، به بسیجی‌ها می‌گفتند: «ان شاء الله در این عملیات، می‌خواهیم این خاک‌ریز را بگیریم!» بعد از عملیات می‌دیدند بسیجی‌های بی‌ترمز تا سه خاک‌ریز بعد از آن را هم گرفته‌اند! آنچه زمان جنگ باعث پیروزی رزمندگان اسلام می‌شد، روحیه بسیجی بود، امروز نیز آنچه باعث موفقیت سپاه در صنایع دفاعی شده، همین روحیه است.

### ۳. به شدت دشمن ستیز

«وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ»؛ و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نگرداند، سستی به خرج ندهد و در برابر فشارهای دشمن و سنگینی برنامه‌های جنگی مانند کوه استوار باشد.

### ۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم

#### تبعیت از آن

«فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَبَقَ الْحَقُّ فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سَيْفِ اللَّهِ لَا كَلِيلُ الطُّبَّةِ وَلَا نَابِي الصَّرِيَّةِ وَشِدَّةُ شَكِيمَتِهِ عَلَى عَدُوِّكُمْ»<sup>۱</sup>

۱ نهج البلاغه: نامه ۳۸.



### ۵. عمل به هنگام

در میدان جنگ مسائلی پیش می‌آید که دقیقه‌ها و ثانیه‌ها در آن سرنوشت‌ساز است و باید با سرعت هرچه تمام‌تر عمل کرد. فرمانده لایق باید این دقیقه‌ها و ثانیه‌ها را بشناسد و بر طبق آن موضع‌گیری کند.

به هنگام مبارزه لحظاتی پیش می‌آید که در آن خونسردی و ترک شتاب لازم است؛ مثلاً در جایی که دشمن تدریجاً به دام می‌افتد، اگر کار عجولانه‌ای شود از دام بیرون خواهد رفت. در این‌گونه موارد باید خونسرد بود. مثلاً آنجایی که امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر در جنگ صفین فرمودند: «برگرد!» مالک اشتر کند حرکت کرد.

### ۶. ولایتمداری

«فَإِنْ أَمَرَكَ أَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا، وَإِنْ أَمَرَكَ أَنْ تُقِيمُوا فَاقِيمُوا، فَإِنَّهُ لَا يُقَدِّمُ وَلَا يُخَجِّمُ، وَلَا يُؤَخِّرُ وَلَا يُقَدِّمُ إِلَّا عَنِ أَمْرِي»؛ اگر شما را فرمان کوچ کردن داد، کوچ کنید و اگر گفت بایستید، بایستید که او در پیش‌روی و عقب‌نشینی و حمله، بدون فرمان من اقدام نمی‌کند. مالک پایبند به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب بود، آن‌چنانکه در کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین تحولات، مالک را در کنار علی علیه السلام می‌یابیم، هماهنگی و همکاری و ارتباط و فرمان‌برداری او را در جنگ و صلح، هجرت و جهاد، سیاست و

قضاوت، عبادت و بلاغت و در مردم‌دوستی و خداپرستی همان‌گونه می‌بینیم که علی علیه السلام برای رسول خدا بود.<sup>۱</sup>

البته این انقلابی‌گری و خطاشکنی سرمنشأ دارد. وقتی یک دستگاه برقی را به برق می‌زنید، کار می‌کند و وقتی از برق می‌کشید، هیچ کار نمی‌تواند بکند. قدرت جنگ مالک اشترها و حاج قاسم‌ها و میزان معلومات این بزرگواران، تنها چیزی نیست که بتواند آن‌ها را محکم در مقابل جبهه کفر نگه دارد، این‌ها مال خودشان است؛ یک چیزی از بیرون نیاز دارند که قدرت اصلی را بهشان بدهد؛ اتصال به ولایت است که به مالک‌ها و قاسم‌ها هنر می‌دهد مقابل جبهه کفر و نفاق بایستند.<sup>۲</sup>

مالک اشتر هم در زمان حیات خود انقلابی بود، خطاشکن علی علیه السلام بود. بعضی افراد در شروع خلافت امیرالمؤمنین همان اوّل کار بیعت نکردند؛ مالک اشتر بالاسر حضرت ایستاده بود، شمشیر هم دستش بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! اجازه بده این آدمی که با تو بیعت نمی‌کند گردنش را بزنم، دیگران حساب کار خودشان را می‌کنند.<sup>۳</sup>

حاج قاسم عضو گروه ولایت‌مداران بود و سعی می‌کرد اعضای این گروه را روزبه‌روز افزایش دهد، برای حاج قاسم دو جبهه، دو خط مطرح هست، جبهه حق و ولایت‌مدار، جبهه

دانشنامه اسلامی، [yun.ir/5x1to4](http://yun.ir/5x1to4)

۲ مثل‌ها پندها: ۸۳/۴ با کمی تغییرات.

۳ - <https://b2n.ir/e618237> پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

<https://b2n.ir/x36156>.

باطل و ولایت‌ستیز. حاج قاسم اهل گروه نیست، تحت سیطره جوّ سیاسیون جناح‌باز نیست، حاج قاسم آن جمله معروف را گفت: «این چپ و راستی که شما می‌گویید، این بی‌حجاب و باحجابی که شما می‌گویید، اینکه این یکی مرید من هست آن مرید من نیست، نباید گفته شود. اگر این باشد پس چه کسی را می‌خواهید حفظ کنید؟»

وقتی گروه برای ما ملاک نباشد، فرامی‌تاری کار می‌کنیم. «حاج قاسم» برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت.<sup>۱</sup> شخصی برای حاج قاسم تعریف می‌کرد که در جلسه‌ای بودم که یک نفر از اعضای آن جلسه به مقام معظم رهبری اهانت کرد. حاج قاسم سؤال کرد: تو کجا بودی؟ گفت: من در جلسه بودم. پرسید: چه کار کردی؟ گفت: هیچ کاری نکردم. حاج قاسم گفت: اشتباه کردی! اگر من بودم لیوان را از روی میز برمی‌داشتم و پرت می‌کردم به صورتش. حاج قاسم پای ارزش‌ها ایستاده بود.<sup>۲</sup>

#### ۷. خیرخواهی

«وَقَدْ أَتَرْتُكَ بِهٖ عَلَى نَفْسِي لِتَصِيحَتِهِ لَكُمْ»<sup>۳</sup>؛ مردم مصر! من شما را بر خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم، زیرا او را خیرخواه

۹۹/۹/۲۶۱

خبرگزاری دانشجو، ۹۴۲۵۱۳/۹۴۲۵۱۳ <https://b2n.ir>

۳ «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنْهَاهُ الْخَوْفُ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الزُّرُوعِ أَشَدَّ عَلَى الْفَجَّارِ مِنْ حَرِّقِ النَّارِ وَهُوَ مَالِكُ بْنِ الْحَارِثِ أُوْحُو مَدْحِجٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ»

شما دیدم، «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيَّتُهُ أَمْرٌ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا صِحَاوًا  
عَلَى عَدُوٍّ تَأْسِدِيدًا تَأْفَمَا فَرِحَهُ اللَّهُ.»<sup>۱</sup>

### روحیه انقلابی، راز ترور شهید سلیمانی

با توجه به فرمایش مولا علی عَلَيْهِ السَّلَام سرّ اینکه آمریکایی‌ها با نامردی تمام، شهید سلیمانی را ترور کردند روشن می‌شود؛ چون ریشه قدرت ظالم، ناآگاهی مظلوم و ظلم‌ستیز نبودن و روحیه انقلابی نداشتن اوست؛ وقتی شخصی سعی در ریشه‌کن کردن قدرت ظالم داشت و لحظه‌به‌لحظه یک آجر از ساختمان قدرت ظالم را بیرون کشید، خط‌شکنی می‌کند و راه مبارزه را برای دیگران باز می‌کند و تنها راه چاره‌ای که برای قدرت ظلم و جور باقی می‌ماند این است که فرد آگاه انقلابی را حذف کند.<sup>۲</sup>

وقتی این چنین دشمنی از روی عجز، مالک زمان را تعریف می‌کند و می‌بیند که هیچ کاری در مقابلش نمی‌تواند انجام دهد، مجبور به حذف کردن حاج قاسم سلیمانی می‌شود. «آن

---

فِيمَا طَابِقَ الْحَقِّ فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ لَا كَيْلَ الْطُّبَّةِ وَلَا تَأْيِي الصَّرِيَّةِ فَإِنْ أَمَرَ كُرْآنٌ تَنْفُرُوا فَأَنْفُرُوا  
وَإِنْ أَمَرَ كُرْآنٌ تُقِيمُوا فَأَقِيمُوا فَإِنَّهُ لَا يَمُدُّ وَلَا يَحْجُرُ وَلَا يُوَخِّرُ وَلَا يَقَدِّمُ إِلَّا عَنِ أَمْرِي وَقَدْ لَأْتَرْتُمْ كُرْبِيهِ  
عَلَى نَفْسِي لِتَصِيحَّتِهِ لِكُرْبِيهِ وَشَكِيَّتِهِ عَلَيَّ عَدُوٌّ كُرْ»؛ نهج البلاغه: نامه ۳۸.

۱ نهج البلاغه صبحی صالح: نامه ۳۴.

۲ البته طبق اعتقاد ما شیعیان کسی که آگاهی‌بخش و روحیه‌بخش و فعال‌گر جامعه شد اگر شهید هم بشود، تازه اصل کار او شروع می‌شود و آزادتر است و گستردگی کارش بیشتر است؛ مثل‌ها و پندها: ۳۹/۳ با تغییرات.

مردی که می‌رود جلوی دشمن و وا همه نمی‌کند و در همه میدان‌ها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود.<sup>۱</sup> شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش، نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید.<sup>۲</sup>

کارآمدترین و نافع‌ترین شخصیت معاصر ما در نگاه نظام سلطه که اجازه نداد خواسته‌های نظام سلطه در منطقه و دنیا جلو برود حاج قاسم بود. واقعاً همچون مالک اشتر دست راست ولی و امامش بود؛ و دشمن گفت باید این دست را قطع بکنم. شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید. عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده -البته عده‌ای هم سعی می‌کنند که این اتفاق بیفتد- [اما] شهادت او نشان داد که انقلاب زنده است؛ دیدید چه خبر شد در تهران؟ دیدید چه خبر شد در شهرهای دیگر؟



## الف) آثار

**انقلابی، چشم امید دوستان و خار چشم دشمنان**  
 «وَاللّٰهُ لِيَهْدَنَّ مَوْتُكَ عَالَمًا وَيُفْرِحَنَّ عَالَمًا عَلٰى مِثْلِ مَالِكَ»؛ به خدا  
 سوگند مرگ تو عالمی را تکان می‌دهد و عالم دیگری را خوشحال  
 می‌کند (مردم عراق بر مرگ او اشک می‌ریزند و مردم شام و باران  
 معاویه شادی می‌کنند)، «فَلَتَبَّكَ الْبَوَاكِي وَهَلْ مَرَجُوْكُمْ اِلَيْكَ وَهَلْ  
 مَوَجُوْكُمْ اِلَيْكَ»؛ گریه‌کنندگان برای مثل مالک باید گریه کنند. آیا  
 شخص امیدوارکننده‌ای مثل مالک پیدا می‌شود؟ آیا موجودی  
 مثل مالک یافت می‌شود؟

یکی از طایفه نخع (قبیله مالک) می‌گوید: علی علیه السلام پیوسته  
 اندوهگین بود و بر مرگ مالک تأسف می‌خورد به اندازه‌ای که ما  
 فکر کردیم او مصیبت‌زده اصلی است نه ما که قبیله مالک  
 هستیم و روزهای متوالی آثار آن در چهره امیر مؤمنان علیه السلام  
 نمایان بود.

با این سبک بیان حضرت، دوستان به جایگاه مالک اشتر  
 غبطه می‌خوردند و با خود می‌گفتند: خوشا به حالش! ای کاش  
 ما هم مثل او نزد امام زمانمان ارج و قرب داشتیم. دشمنان نیز  
 از شدت حسادت و بُغض، نمی‌توانند یارِ به این باوفایی را با این  
 روحیه انقلابی در کنار امام جامعه تحمل کنند و سعی می‌کنند

این بال قدرت امام را، از او بگیرند؛ مثل عمر سعد که تلاش می کرد به بهانه امان نامه، آقا ابوالفضل را از امام حسین علیه السلام جدا و دور امام را خلوت کند.

وقتی خبر شهادت مالک به معاویه رسید، بی درنگ بالای منبر رفت تا این خبر را به عنوان خبری خوش، برای مردمانی همچون خود اعلام کند:

ای مردم، بدانید علی بن ابی طالب دارای دو دست بود و امروز هر دو دستش قطع شده و بی دست مانده است؛ یک دستش عمار یاسر بود که در جنگ صفین کشته شد و دست دیگرش، مالک اشتر بود که خبر مرگ او هم امروز به من رسید. پس شادمان باشید که علی بی دست مانده است.

معاویه شاید نادانسته توصیفی از مالک اشتر بر زبان جاری کرده که به نوبه خود نشان دهنده مقام و شخصیت والای مالک است؛ وقتی که معاویه از مالک به عنوان دست دوم حضرت علی علیه السلام نام می برد، معلوم می شود که حتی دشمنان پلید هم می دانستند و اعتراف داشتند که مالک اشتر از نزدیک ترین و لایق ترین یاران آن حضرت است.<sup>۱</sup>

اوباما درباره حاج قاسم می گوید: ژنرال سلیمانی دشمن قابل احترامی برای من است.<sup>۲</sup>

۱ اعلام نهج البلاغه، امینی: ۴۰، ۱۳۵۹ ش؛ الغارات، الثقفی: ۲۶۲/۱.

۲ آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، تمجید مالک اشتر از زبان دشمن

خبرآنلاین، ۰۹/۸۶۴۰۹/g8۸۶۴۰۹/https://b2n.ir/۳

این تعریف، آدم را یاد تعریف معاویه از مالک می‌اندازد که می‌گویی: د مالک بازوی راست علی بود.

در زمانه ما نیز سید علی دیگری مالکی داشت که در زمان خود بی‌همتا بود و در یاری‌رسانی به رهبر جامعه‌اش، زمان را پشت سر گذاشته بود.

جان بولتون<sup>۱</sup>، بعد از ترور سردار سلیمانی شادی بی‌شرمانه خودش را این‌طور بروز می‌دهد:

به همه کسانی که در حذف قاسم سلیمانی دخالت داشتند، تبریک می‌گویم. برنامه‌ریزی برای این کار از مدت‌ها پیش در حال انجام بود. این ضربه‌ای جدی به فعالیت‌های شورانگه نیروی قدس ایران در سراسر جهان بود.<sup>۲</sup>

### منصور بالرب

در حکومت جهانی آن حضرت، با وجود جهانخواران تا دندان مسلح و ارتش‌های عظیم و منظم و پیچیده و سلاح‌های فوق مدرن الکترونیکی و تکنیک برتر ابرقدرت‌ها و سلاح‌های هسته‌ای و طرح‌های جنگ ستارگان و... پیروزی جهانی برای امام زمان، عجلتعالیه، چگونه میسر است؟ چنین پیروزی عظیمی، اگر محال نباشد، ممکن و آسان هم نیست.

۱ جان بولتون مشاور امنیت ملی دولت دونالد ترامپ

۲ <https://b2n.ir/ho0566> باشگاه خبرنگاران جوان



در ضمن بررسی ویژگی‌های یاران حضرت مهدی، عجله و خصوصیات لشکریانش به این نکته برمی‌خوریم که آنان «منصور بالرعب» هستند.

منصور بالرعب بودن یعنی پیروزی آن حضرت ظاهراً در سایه رعب و وحشتی است که در دل دشمنان، از او و لشکریانش ایجاد می‌شود و آن‌ها از قدرت و پیروزی‌های او به قدری به هراس می‌افتند که توان استقامت خویش را از دست می‌دهند؛ یا تسلیم می‌شوند و یا سلاح را بر زمین می‌گذارند و فرار می‌کنند و این خود زمینه پیروزی و فتح بدون درگیری و خونریزی و جنگ را برای آن حضرت فراهم می‌سازد. در ذیل تفسیر آیه «أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»<sup>۱</sup> می‌فرماید:

«هُوَ أَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّىٰ يُوَدِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ»؛<sup>۲</sup>

او همواره با سه گروه سپاه تأیید می‌شود. سپاه فرشتگان، سپاه مؤمنان مخلص و سپاه رعب و ترس. دشمنان آن حضرت از ترس برخورد نظامی و درگیری با امام، سلاح خود را بر زمین می‌گذارند یا با بلند کردن پرچم سفید، تسلیم می‌شوند و یا از پیشاپیش لشگر او می‌گریزند.

۱ نحل: آیه ۱.

۲ کتاب الغیبه، نعمانی: ۱۲۸؛ مابعد الطهور، ۵۳۵؛ رک: امام مهدی من المهدی الی الطهور.

### نمونه‌های تاریخی نصرت با رعب

- پیامبر اسلام در «غزوه بدر» با اقلیتی غیر مجهز و بسیار کم در برابر سپاهی مجهز و چندین برابر، نه تنها ایستاد، بلکه به پیروزی جالبی هم رسید. دشمن با رعبی که از پیامبر اسلام توسط خداوند در دلش افتاد و با دادن بیش از هفتاد کشته و مجروح و به‌جا نهادن اسیران زیاد، پا به فرار گذاشت. ابوسفیان می‌گوید: به محض رساندن کاروان به مکه به‌سرعت به بدر مراجعه کردم، لشکر در حال فرار بود و به هر کس می‌گفتم: بایست! می‌گفت: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر اسب مرا تعقیب می‌کند.
- نمونه دیگر حوادث جنگ خندق است. آنگاه که حضرت علی، عَلَيْهِ السَّلَامُ، عمرو را با یک ضربت از پا درآورد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ضَرْبَةُ عَلِيِّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ<sup>۱</sup>» ترس و رعب عجیبی در دل دشمن افتاد و شبانه فرار کردند.
- در جنگ با یهود بنی نظیر و بنی قریظه، ترس و نگرانی به حدی بود که به تعبیر قرآن «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup>؛ و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هایشان را ویران کردند.

۱ الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۱، ص ۴۶۷

۲ حشر: آیه ۲.

• در فتح مکه لشکر جرار قریش و ابوسفیان چنان مرعوب می‌گردند که جرئت هرگونه مقاومت و رویارویی از آن‌ها سلب می‌گردد و همه طوعاً و کرهاً تسلیم می‌شوند و شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَحْمَدُهُ أَجْمَعُ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَهُ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»<sup>۱</sup> تحقق می‌یابد.

• در انقلاب اسلامی دیدیم که دشمن با همه قوا و توان و سلاح‌های مدرن، چگونه صحنه را خالی می‌کرد؛ مخصوصاً در آخرین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد بودیم که با به خیابان آمدن مردم با فرمان رهبر انقلاب، چگونه نیرومندترین ارتش خاورمیانه عملاً جا خالی کرد و نیروهای انقلاب پیروز شدند.

• در جنگ تحمیلی هم نمونه‌هایی از این پیروزی‌ها را در فتح خرمشهر و آبادان و فتح المبین دیدیم که نیروی مجهز و برتر مهاجمان، با روحیه متزلزل در اثر ترس و وحشت شعار الله اکبر چگونه شکست خورد و تسلیم شد.

این‌ها نمونه کوچکی است از پیروزی‌ای که در سایه ترس و رعب در دل دشمن به وجود می‌آید.

در یکی از جلسات چهارجانبه (ایران و سوریه و عراق و روسیه) با هم به جمع‌بندی نرسیدیم. روسیه در آسمان و ما روی زمین عملیات می‌کردیم. یکی از فرماندهان ما به طرف روسی گفت:

۱ مفاتیح الجنان، در تعقیبات مشترکه.

اگر نمی‌آید خودم می‌روم و با نیروهایم عملیات می‌کنم. آن افسر نظامی گفت: روبروی شما فلان لشکر داعش حضور دارد. ما گفتیم: می‌زنیم و جلسه را ترک کردیم. ژنرال روسی به ما گفت: خاطر من هست آن صحنه‌ای را که آن افسر آمریکایی روی قایق و در حین اسارت توسط نیروهای نظامی شما، از ترس خودش را خیس کرده بود. من از شجاعت شما ایرانی‌ها شنیده بودم. این جسارت نیروی نظامی شما تحسین‌برانگیز است.

البته بعد این جلسه کمکمان کردند. این‌ها همه به واسطه پشت‌گرمی ما به حاج قاسم بود. هر جا دلمان می‌لرزید قوت قلب داشتیم که حاج قاسم هست.

### نمونه‌ای از منصور بالربع در مکتب حاج قاسم

- کردها را تهدید کرده بودند که ما خودمان را به مرز ایران می‌رسانیم. حاج قاسم رفت کردستان خودش را نشان داد و افسرهای داعش با دوربین حاج قاسم را دیدند. همه هراس داشتند. بیش از ۴۰ درصد از خاک عراق و بیش از ۵۰ درصد از خاک سوریه به دست تروریست‌ها افتاده بود. با این عقبه عظیم وارد جنگ شده بودند ولی حاج قاسم را دیدند و پا پس کشیدند.
- ترس از شخصیت حبیب (نام جهادی حاج قاسم): این اقدام خیلی عجیب بود برای محور مقاومت که وقتی وارد منطقه شد نقشه را خواست. گام به گام حرکت بچه‌ها را خودش تعیین کرد و گفت از کجا به خط بزنید. یک به یک

سنگرها را سر زد. حتی جایی که با تک‌تیرانداز می‌زدند، می‌گفت بگذارید ببینند که من اینجا هستم. حضور حاج قاسم یک رعب و وحشتی در دل آن‌ها می‌انداخت.<sup>۱</sup> در فیلم «خانه امن» هم یک اشاره‌ای به این حرکت شجاعانه حاج قاسم و ترس دشمن از او کردند: وقتی ابوعمار که یکی از فرماندهان ارشد داعش بود که رابطه صمیمی با ابوبکر البغدادی داشت را دستگیر کرده بودند نیروی اطلاعات دیالوگی گفت: «ابوعمار یادت می‌آید شما حاج قاسم را در کردستان که در نزدیکی تان بود، با چشم مسلح و دوربین دیدید و اصطلاحاً ماست‌هایتان را کیسه کردید؟ من آنجا کنار تو بودم و تو توی دوربین که حاج قاسم را دیدی دستور عقب‌نشینی دادی.»

### ب) پیامد (اثر منفی روحیه انقلابی نداشتن: زمین ماندن امر ولی)

علی علیه السلام زمانی که مالک را به حکومت مصر منصوب کرد نامه‌ای برای او نوشت که مشتمل بر لطایف و محاسن بسیار و پند و حکمت زیاد است. این منشور حکومتی و عهدنامه<sup>۲</sup> که حضرت به مالک عطا نمود، از نفیس‌ترین و ارزنده‌ترین مطالب

۱ <https://bzn.ir/474463> خبرگزاری مهر.

۲ نهج البلاغه: نامه ۶۲

حکمرانی و حکومت‌داری و مردم‌داری است که بسیار معروف است و بارها ترجمه شده است.

سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.

امام علی علیه السلام درباره مالک می‌فرماید: به خدا سوگند مرگ تو ای مالک جهانی را ویران و جهانی را شاد می‌سازد، بر مردی مانند مالک باید گریه‌کنندگان بگریند، آیا زنان از نزد طفلی برمی‌خیزند که مانند مالک شود.<sup>۱</sup>

به خدا قسم جهان ما ویران شد با شهادت حاج قاسم. آن حضرت چند روز بر مالک می‌گریست و بسیار در فقدان او اندوهناک بود و می‌فرمود: «دیگر مانند او را هرگز نخواهم دید!»<sup>۲</sup>

از آنجا که معاویه از رابطه معنوی بین امام و مالک آگاهی داشت دستور داده بود که در خطبه‌ها علاوه بر لعن امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، به مالک اشر و عبد‌الله بن عباس هم لعن کنند.<sup>۳</sup>

۱ ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام): ۹۹۰/۵-۹۹۱.

۲ الاختصاص: ۸۱، بحار الأنوار: ۵۹۱/۳۳.

۳ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۹۹/۱۵.

اگر دقت کرده باشید بعد از شهادت حاج قاسم حضرت آقا معمولاً در سخنرانی‌های خودشان حتی به اندازه یک جمله از ایشان اسم می‌برند و یادشان را زنده می‌کنند. حتی یک جا ایشان گفتند: «من یاد شهید سلیمانی عزیزمان را هرگز فراموش نمی‌کنم.»<sup>۱</sup>

یادتان می‌آید بغض امام خامنه‌ای را بر سر تابوت سردار سلیمانی؟

من می‌خواهم چند جمله‌ای را خدمت جناب مالک اشتر عرض کنم: ای مالک، اگر شما به خاطر مردم ناآگاه زمانه پس از شهادت مورد لعن واقع شدی، قاسم این زمان مورد مدح واقع شد. ای مالک، اگر مولای شما بعد از دست دادنت غریب‌تر شد اما بدان عزت مولای قاسم زمان ما بیشتر شد.

برادران من، خواهران گرامی، امر ولیّ روی زمین است، حاج قاسم کسی نبود که بگذارد امر ولیّ زمین بماند. می‌دانید مشکل لشکریان امیرالمؤمنین در جنگ صفین چه بود؟ به حرف ولیّ خودشان گوش نکردند، امام خودشان را نادیده گرفتند. امامی که قرآن ناطق بود. امیرالمؤمنین بعد از دست دادن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، مالک، ابوذر و بقیه اصحابشان، از شدت غریبی و تنهایی، حرف دلشان را به چاه می‌گفتند.

امروز هم برخی اوامر و منویات رهبری روی زمین مانده، لازم نیست همه را برداریم، هرکس به اندازه توانش باری را از روی زمین بردارد. هر کس آن قسمتی که تخصص دارد ورود کند تا به حرف‌های ایشان جامه عمل بپوشاند.

هر که از رهبر اطاعت می‌کند  
 یاد یاران با ولایت می‌کند  
 یاد یاران با شعار و شعر نیست  
 در عمل راوی، روایت می‌کند  
 یاد یاران، یاد یاری ولی است  
 یار رهبر ترک غفلت می‌کند  
 راستی، یاری رهبر تا کجاست  
 هر کجا ذکر بصیرت می‌کند  
 گاه در فتنه، گهی روز نفوذ  
 شرح و تفسیر سیاست می‌کند  
 هر کسی لبیک گوید بر حسین  
 با ولی امر بیعت می‌کند<sup>۱</sup>  
 شاید امام خامنه‌ای بعد از شهادت حاج قاسم و نبود ایشان  
 اگر مشکلی به وجود می‌آمد بگویند: کاش قاسم زنده بود.



برای ایجاد روحیه انقلابی‌گری از جنس انقلابی شهید  
 سلیمانی باید چند کار انجام بدهیم:

### ۱. معرفت به اصول و مبانی ولی فقیه (انقلابی‌گری)

برای اینکه قادر باشیم بدون ملاحظه، عاقلانه و منطقی از  
 انقلاب و جمهوری اسلامی و ولایت فقیه حمایت کنیم، باید به



مبانی و معارفی که مورد نیاز این وادی و جریان است مُسَلَّح باشیم و خود را با مبانی و بیانات مقام عظامی ولایت تجهیز کنیم. برای شروع دو کار را انجام بدهیم:

أ. مطالعه کتاب «خون دلی که لعل شد»؛ این کتاب رمانی است از خاطرات خودنوشت مقام معظم رهبری که در اصل برای جوانان مقاومت و عرب‌زبان نوشته شده اما پس از مدتی به فارسی ترجمه شد.<sup>۱</sup>

ب. مطالعه کتاب «گفتاری در باب صبر» که پیاده شده سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در سال ۵۴ است.<sup>۲</sup>

ج. مطالعه کتاب «جهاد اکبر» حضرت امام خمینی علیه السلام.

۱ ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ سید حسن نصرالله درباره این کتاب می‌گوید: عربی این کتاب زیباتر و شیواتر و درست‌تر از بسیاری از کسانی است که خود را به عنوان رهبران جهان عرب می‌دانند. من با امام خامنه‌ای زیاد به عربی صحبت کردم، حتی تدریس عربی ایشان را هم شنیدم، ولی من با این بلاغت و طراوت و زیبایی که در زبان عربی این کتاب خواندم و در مقدمه کتاب که با دست چپشان و به زبان عربی نوشته‌اند شگفت‌زده شدم. مشخص است که کتابت به فارسی است، ولی زبان عربی است؛ یعنی انگار آقا فارسی نوشتند.

۲ چند جمله از این کتاب: «متأسفانه بلای تحریف که بلای عمومی یا اغلی (واژه‌های اسلامی) است، این واژه را نیز بی‌نصیب نگذارده و می‌توان گفت تا حد مسخ و تغییر، مفاد و مفهوم آن را دگرگون ساخته است.» حالا شما فکر می‌کنید صبری را که جامعه دارد معنا می‌کند چه قدر نزدیک به صبری هست که ایشان تعریف می‌کنند؟ نه تنها مفهوم صبر بلکه خیلی از مفاهیم دینی‌ای که ما الآن به کار می‌بریم متفاوت با آن چیزی هست که دینمان تفسیر می‌کند.

## ۲. رصد عملیات دشمن

تک تک مردم باید به عنوان فرماندهان فضای حقیقی و مجازی کشور، شبیه حاج قاسم رفتار کنند و تک تک محتوای مجازی را با نگاه خاص بررسی کنند. اگر سردار سلیمانی با همان نحوه تفکر و مکتب، از جمله درایت، تیزهوشی و تدبیر با مسئولیت‌پذیری و دلسوزی وارد فضای مجازی کشور می‌شد، هم اکنون این فضا چگونه مدیریت می‌شد؟ در فضای مجازی هر روز احاطه دشمن بر ما بیشتر می‌شود. پیروی از خصائص سردار سلیمانی می‌تواند راهگشای فضای مجازی کشور باشد. دشمن نمی‌توانست وی را نادیده بگیرد، حاج قاسم حتی در فضای مجازی خارجی هم ترور شد، پلتفرم‌های خارجی حتی اجازه ندادند که پیام تسلیت برای ایشان منتشر شود و آن را سانسور کردند. ما در فضای مجازی هیچ کاری انجام نمی‌دهیم و دشمن ما را در محاسباتش نادیده می‌گیرد. حتماً انجام این امور در فضای مجازی، ساده‌تر از شکست داعش است و اگر حاج قاسم‌ها بر این فضا مدیریت کنند، قاعده بازی عوض می‌شود. مردم باید با فرمول‌های تدابیر سردار سلیمانی به کمک مدیریت و سیاست‌گذاری فضای مجازی بیایند و یکدیگر را از پای سفره بیگانگان و دشمن بردارند، بساط دشمن باید از زیست نوپدید فضای مجازی مردم برچیده شده و مدل اسلامی مبتنی بر اصول یک فضای مجازی سالم و پاک و متعالی برای مردم گسترده شود.<sup>۱</sup>

۱ [yun.ir/cn۵۸w۵](http://yun.ir/cn۵۸w۵) خبرنگار مهر.

### ۳. حضور به موقع در صحنه و میدان

رهبر معظم انقلاب در گام دوم انقلاب بر سرعت بخشیدن به قطار انقلاب تأکید دارند چراکه امروز دهه شصتی و هفتادی و هشتادی‌هایی در جامعه هستند که آینده انقلاب را درخشان می‌کنند و دهه نودی‌ها نیز در حال جان گرفتن هستند.

دشمن همواره در حال رصد ایران است. دشمن عصبانی است چراکه تصور می‌کرد با شهادت شهید سلیمانی قصه تمام می‌شود اما خون شهید سلیمانی کلید فتح بیت المقدس و اذانی به افق افول آمریکا است که آن را به زودی می‌بینیم. دشمن در حال خفه شدن است.

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی چه در روزهای دفاع مقدس، چه روزهای دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام و چه در دفاع از خانه و کاشانه مردم در برابر هجوم بی‌امان سیلابی ویرانگر، همیشه سایه‌ای از غیرت و حمیت ایرانی و اسلامی خود را به مردم نشان داده است.

سردار حاج قاسم سلیمانی در هر جا احساس کرد وجودش نیاز است در خط مقدم بود. این‌گونه در میدان بودن باید برای ما نیز الگو باشد.

### سردار در کنار مردم سیل‌زده

نقطه عطف رابطه حاج قاسم سلیمانی و مردم خوزستان بی‌شک در حادثه سیل فروردین‌ماه ۱۳۹۸ بود که شهرهای استان خوزستان یکی پس از دیگری در میان هجوم سیلی

ویرانگر به زیر آب می‌رفتند. آنجا بود که حاج قاسم سلیمانی جبهه‌های مقاومت در کشورهای اسلامی را رها کرد و رهسپار منطقه جنوب خوزستان شد تا به مردم سیل‌زده کمک کند.

### نقش سردار شهید سلیمانی در تأمین کالاهای اساسی پیرو ارتباطات با برخی کشورها

محمد صالح جوکار، رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس در مورد نقش سردار در اقتصاد می‌گوید: سردار حاج قاسم سلیمانی در حوزه دفاعی و نظامی شخصیتی بی‌نظیر بود و در عملیات‌های مختلف موفق عمل کرد. در مبحث دیپلماسی نفوذ زیادی در سطح منطقه و اشخاص داشت؛ به عنوان مثال حاج قاسم در میان قبایل و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی عراق جایگاه بالایی داشت و از این ویژگی خود در راستای حل برخی مسائل تحریمی کشور استفاده کرد تا برخی از مشکلات اقتصادی کشور حل‌وفصل شود. در تأمین کالاهای اساسی پیرو ارتباطاتی که با برخی کشورهای مختلف داشت توانست تحریم‌ها را دور بزند و برخی امکان اقتصادی را برای مردم فراهم کند؛ بنابراین نقش حاج قاسم در مباحث اقتصادی به نفع کشور، کم از نقش ایشان در موضوعات دفاعی نداشت.<sup>۱</sup>

سایت مشرق ۸۷۰۸۵۰/yr/b2n.ir/1

#### ۴. الگوپذیری در خطشکن بودن

تصور کنید هر بخش، یک حاج قاسم داشته باشد، یک خطشکن داشته باشد، چه تحولی اتفاق میافتد؟ ما الآن به خطشکنانی نیاز داریم که با الگوگیری از امثال حاج قاسم، بزند به خط مشکلات و چالش‌ها.

آقا مرتضی تهرانی: روی حرف من در بحث جمعیت، بچه‌های انقلابی هستند.

انواع جهاد از منظر رهبری: ازدواج، فرزند آوری و... فرزند آوری یک مجاهدت بزرگ است.

می‌خواهم یک نمونه از خطشکن‌های تحول‌آفرین را خدمت شما معرفی کنم. شهید احمدی روشن یکی از خطشکن‌های عرصه علمی و هسته‌ای بود. مادر شهید نقل می‌کند: «دستگاه‌هایی که از سوی آژانس بین‌المللی هسته‌ای پلمپ شده بود و عملاً کسی نمی‌توانست کار آن‌ها را انجام دهد راه‌اندازی کرد. دستگاه‌هایی که دیگران از راه‌اندازی آن‌ها اهمه داشتند و نگران انفجار آن بودند را با همراهی و همکاری دوستانش راه‌اندازی کرد و به همین دلیل دوستان مصطفی به او خطشکن عرصه هسته‌ای می‌گفتند.»<sup>۱</sup>

پژوهشکده رویان از سال ۱۳۷۰ به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف ارائه خدمات درمانی به زوج‌های نابارور و پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروری تا الآن دارد در ایران

۱ <https://b2n.ir/u17495> راسخون

خطشکنی می‌کند و رتبه اول را در این زمینه‌ها دارد.<sup>۱</sup> پژوهشگاه رویان طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۹ میلادی بر اساس تعداد کل انتشارات در حوزه‌های ناباروری مردان و روش‌های کمک باروری در رتبه ده مؤسسه برتر تحقیقاتی جهان جای گرفته است.<sup>۲</sup> در هر جایی که باشید می‌توانید خطشکنی کنید، می‌توانید یگانه‌تاز باشید، می‌توانید دل نایب امام زمان علیه السلام را شاد کنید.



حاج آقا جوشقیان روایت می‌کردند: در عملیات کربلای ۸ در جاده امام رضا علیه السلام شلمچه، دیدم روی برانکار یک بسیجی افتاده، جفت پاها قطع شده، دل و روده بیرون ریخته بود و نفس‌های آخرش را می‌کشید. گفتم: سلام مرا به امام برسانید و به امام بگویید که هستی ام را دادم، جانم را دادم که حرف شما زمین نماند. امروز چه کنیم آقا جان که هر چه گفتید و هر حرفی زدید زمین مانده و عمل نکردیم... ولی در کربلا وقتی صدای هل من ناصر امام بلند شد هر کس یک واکنشی داشت، حتی در بعضی مقاتل آمده که بدن مطهر شهدا لرزیدند، اما یک طفل شش‌ماهه هم در خیمه‌ها بود که وقتی ندای امامش را شنید، صدای گریه‌اش از گوشه خیمه بلند شد.

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/q72817> پژوهشگاه رویان

<sup>۲</sup> <https://bzn.ir/b15216> خبرگزاری مهر

اجازه بدهید از خطشکن‌ها برایتان بگویم: اول کسی که خط دشمن را در تهاجم به خانه وحی و هجمه به ولایت شکست خود حضرت صدیقه شهیده زهرای مرضیه علیها السلام بود.

این را به خانم‌ها بگویم که امروز امر آقا برای فرزند آوری زمین مانده؛ بی بی با فرزندش به میدان آمد؛ با جنین چندماهه‌اش حضرت محسن علیه السلام.

حضرت زهرا علیها السلام سه عملیات انجام دادند! شما هم سه عملیات انجام بدهید.

رزمندگان هر کدام زمین می‌خورند کسی به کمکشان می‌آمد ولی همه لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام یک نفر بیشتر نبود.

مرحله اول عملیات حضرت زهرا پشت در بود. رمزش هم یا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. طی ۸ سال دفاع مقدس یک بار رمز عملیاتمان عوض نشد ولی بی بی رمز عوض شد. رمز، «يَا أَبَتَا يَا رَسُولَ اللَّهِ» بود. کار به جایی رسید که رمز عوض شد: «يَا فَضَّةُ خُذِينِي» چون وضعیتی برای بی بی پیش آوردند که یک سوم نسل سادات از بین رفت.

مرحله دوم عملیات، وسط کوچه بود.

مرحله سوم هم در مسجد پیغمبر بود که مادر سادات دید شمشیر زیر گلولی امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشته‌اند و فرمود: شماها را نفرین می‌کنم.

بی بی تا آخر خط ایستاد. حاج قاسم هم با تاسی به حضرت زهرا علیها السلام تا آخر خط ایستاد.





**جلسه چهارم: «مدیر هوشیار»**  
**موضوع: تدبیر و سرعت عمل شجاعانه**



**آزادسازی بوکمال**

وقتی شهر المیادین فتح شد، نیروهای حاج قاسم با صحنه عجیبی روبرو شدند: داعش بیمارستانی عجیب و غریب و پیشرفته در شهر المیادین طراحی کرده بود که از فاضلاب به آنجا راه داشت. یک بیمارستان با تجهیزات کامل، سی‌سی‌یو، آی‌سی‌یو و... را ساخته بودند. درهایش اتوماتیک بود و ورود و خروج‌ها کاملاً نظامی و با اثر انگشت طراحی شده بود. مردم شاید از حکومت داعش اطلاع نداشته باشند اما رزمندگان ما وزارت‌خانه‌های متعدد داعش را دیدند؛ بانک‌ها و سکه‌هایی که ضرب کرده بودند؛ و وزارت آموزش و پرورش داعش که حتی کتاب‌های آموزش و پرورش‌شان را هم چاپ کرده بودند. همه این‌ها نشان‌دهنده استراتژی و راهبردهای داعش بود؛ آمده

بودند بمانند. به قول هیلاری کلینتون<sup>۱</sup>، داعشی‌ها خودشان را برای ۲۵ تا ۳۰ سال خیال حکومت‌داری در منطقه آماده کرده بودند.

«بوکمال<sup>۲</sup>» آخرین پایگاه و مقر اصلی داعش بود. در شهر بوکمال تقریباً چهار هزار داعشی برای جنگ آماده شده بودند ابوبکر البغدادی هم آنجا بود که آمریکایی‌ها بعداً با بلک هاک<sup>۳</sup> او را از آنجا بردند. المیادین شهر بالایی بوکمال بود. فرماندهان اصلی داعش در المیادین حضور داشتند. جنگ بسیار سخت و سنگینی بود، گره کار شهر المیادین در جنوب دیرالزور بود. بخشی از شهر دیرالزور به دست کردها و بخشی به دست داعش بود و رودخانه فرات از آنجا عبور می‌کرد. دیرالزور آزاد شد و به سمت المیادین حرکت کردیم اما بادیه شام دست داعشی‌ها بود. در موقعیتی رخنه کردیم که دور تا دورمان داعشی‌ها بودند فقط پشت سرمان خودی بود.<sup>۴</sup>

حاج قاسم چند وقت قبل در مراسمی در ایران اعلام کرده بود که کمتر از سه ماه دیگر بساط داعش برچیده می‌شود، داعشی‌ها نیز تمام تجهیزات و نیروهای انسانی و مهمات و مواد غذایی را

۱ سیاستمدار آمریکایی و نامزد حزب دموکرات برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶

۲ آخرین نقطه در سوریه و هم‌مرز با عراق

۳ هلیکوپتر نظامی چندمنظوره و ترابری تاکتیکی آمریکایی است. Black Hawk

۴ <https://b2n.ir/a-04196> باشگاه خبرنگاران جوان.

برای شش ماه آماده کرده بودند و برای عملیاتی طولانی و تمام‌عیار آماده بودند. در میان این جنگ، پدر حاج قاسم هم به رحمت خدا رفت و حاج قاسم مجبور شد سه روز به ایران بیاید. در این سه روز داعشی‌ها فهمیده بودند که حاج قاسم در صحنه حضور ندارد و اوضاع جنگ بسیار پیچیده شده بود. سید حسن از هم‌زمان حاج قاسم تعریف می‌کند: بعد از چند روز حاج قاسم برگشت و ما خیلی انرژی گرفتیم. بچه‌های جوان لشکر، حاج قاسم را حبیب و پدر بزرگ صدا می‌کردند. بی‌راه هم نمی‌گفتند؛ وقتی رفت، امتی یتیم شد. همه تصور داعش این بود که ما از المیادین به جنوب شهر «بوکمال» حمله می‌کنیم. تمام ادوات نظامی و نیروهایشان را در مقابل ما حوالی المیادین پیاده کردند. حبیب (حاج قاسم) به تنهایی سوار موتور شد و یک‌تنه شجاعانه داخل شهر «بوکمال» که در تسخیر داعش بود رفت و بعد از یک الی یک و نیم ساعت که منطقه را شناسایی کرد، بازگشت و دستورات لازم را با تدبیر کامل و دقیق صادر کرد و با شجاعت، به همراه نیروها پیشروی کردند. حاج قاسم با همان نبوغ نظامی که داشت ترفندی هم به کار گرفت؛ شب با حفظ اسرار نظامی بدون اینکه نیروهای درجه ۲ و ۳ بدانند آن منطقه را کلاً تخلیه نظامی کرد. به صورت ضربتی از پشت شهر «بوکمال» وارد شهر شدند و از آنجا کمر داعش را شکست.

آمریکا وارد عمل شد و فرماندهان اصلی داعش را هلی‌بُرد<sup>۱</sup> کرد. این تاکتیک نظامی و عقل نظامی عجیبی<sup>۲</sup> بود که هیچ‌کس به فکرش نمی‌رسید، اگر هم رسیده بود ریسک انجام عملیات را نمی‌پذیرفت.<sup>۳</sup>



اصل تدبیر و دوراندیشی برای هر مدیری لازم است تا با نگاه راهبردی، بتواند اهداف سازمانی‌اش را فرسنگ‌ها دورتر از نیروی خودی و غیرخودی و نیز تحرک دشمن را ببیند و پیش‌بینی کند و با تعیین مسیر، برای رسیدن به اهداف تلاش کند، برای این کار چند مرحله لازم هست:

### اول. بررسی شرایط

ظرفیت و توان نیروهای خودش را به خوبی بسنجد و مشکلات کار و قدرت و تجهیزات دشمن و حرکاتش را تیزبینانه و واقع‌بینانه به صورت میدانی رصد کند.

۱ یکی از شاخه‌ها و شیوه‌های عملیات متحرک هوایی است که عبارت است از جابجایی و ترابری نیروهای رزمی از طریق هوا به وسیله بالگرد (هوانیروز) و پیاده کردن آن‌ها در منطقه موردنظر جهت انجام مأموریت طراحی شده.

۲ <https://b2n.ir/a-4196> باشگاه خبرنگاران جوان.

۳ [yun.ir/cajnqa](http://yun.ir/cajnqa) خبرگزاری مهر.

مردی به خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! مرا نصیحت کن! پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «فَإِنِّي أُوصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرَ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رُشْدًا فَأَمْضِهِ وَإِنْ يَكُ غِيًّا فَاتَّه عَنَّهُ»؛ تو را وصیت می‌کنم که اگر قصد انجام کاری را گرفتی قبلاً عاقبت آن کار را تدبر و اندیشه کن؛ اگر دارای صلاح و رشد باشد امضایش کن و انجام بده و اگر ناپسند و نافرجام باشد ترکش کن!

شطرنج‌باز حرفه‌ای و یا کشتی‌گیر حرفه‌ای و حتی فوتبالیست باتجربه به کسی می‌گویند که تا چندین حرکت بعدی حریفش را با تیزهوشی حدس بزند و پیش‌بینی کند و الا به راحتی دور می‌خورد و در زمین و پازل حریف بازی می‌کند. حاج قاسم مزیت‌های موجود را به خوبی شناسایی می‌کرد و در زمین دشمن بازی نمی‌کرد، به همین دلیل مانع تبعات و تلفاتی می‌شد که دشمن می‌خواست از ما بگیرد.

### خاطره

شهید حسن باقری در جنگ این قدر تدبیرهایش دقیق بود که دشمن را از لحاظ روحی و روانی و شخصیتی هم می‌سنجید؛ مثلاً فرمانده دشمن را کاملاً می‌شناخت. زمانی که می‌خواستند یکی از فرماندهان دشمن را بزنند، به تک‌تیرانداز می‌گویی: این شخص را زن. من از لحاظ روان‌شناسی روی این‌ها مطالعه و شخصیت‌شناسی کردم. این فرمانده آدم ساده‌لوح و احمقی

است؛ بگذار همین در پست فرماندهی باشد. اگر او را بزنی، مدیریت به جانشینش می‌رسد که انسان زیرک و کاردانی است. اگر فرمانده فعلی بماند به نفع ماست.

آقای امیریان می‌گفت: نیروی شناسایی نزد حاج قاسم آمد و گزارش داد یک ماشین از سمت چپ، به سمت راست می‌رفت. حاجی گفت: سمت چپ چی؟ سمت راست چی؟ برو گزارشت را کامل کن بیا اینجا. رفت و آمد و گفت: ماشین را از پشت خاکریز دیدیم و فقط سقفش مشخص بود. حاجی گفت: این جاده‌ای که از شمال به جنوب می‌رفت، جاده‌اش خاکی بود یا آسفالت؟ گفت: نمی‌دانم. پشت خاکریز بودیم. حاجی گفت: برو نگاه کن اگر وقتی حرکت می‌کند از پشتش خاک بلند می‌شود جاده خاکی است وگرنه، آسفالت است.

رفت و آمد و گفت: حاجی جاده‌اش خاکی بود. حاجی دوباره پرسید: حالا که خاکی بوده ناهمواری‌اش زیاد بود یا کم بود؟ گفت: اصلاً معلوم نبود. حاجی گفت: اگر ماشین خیلی بالا پایین می‌پرد معلوم می‌شود خیلی ناهموار هست وگرنه ناهمواری‌اش کم بوده. گفت: حاجی این‌ها به چه دردی می‌خورد؟ چقدر مهم است؟ حاج قاسم گفت: خیلی مهم است. اگر دارند جاده را آسفالت می‌کنند معلوم می‌شود می‌خواهند علیه ما عملیات کنند.

### نگاه میکروسکوپی تلسکوپی

یک مدیر موفق مدیری است که هم بلندمدت و به صورت تلسکوپی به قضایا نگاه می‌کند و خط را می‌بیند و تدبیر می‌کند و هم با نگاه میکروسکوپی روی جزئیات فکر می‌کند.

زینب سلیمانی نقل می‌کند: به محل کارش رفتم، بازی کردم و بعد که تمام شد گفت: بابا چیا خوردی؟ گفتم: یک کیک خوردم. بیسکویت هم خوردم. بعد دیدم رفته و حساب می‌کند. کسی که استراتژی جنگ را به صورت گسترده می‌بیند و پیش‌بینی می‌کند و برنامه‌ریزی می‌کند و در عین حال نگاهش به جزئیاتی این چنینی هم هست؛ مثل امام خمینی علیه السلام که می‌گفت امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند اما خادمش حاج عیسی می‌گفت: امام مگس توی اتاقش را هم نمی‌کشد، از اتاق به بیرون می‌فرستاد.

حسین خرازی از شناسایی برگشت. بعد از روی نقشه گفت: اینجا پای ما روی گندم‌های کشاورزان رفت. نگاه تلسکوپی داشت؛ جنگ و پیروزی جنگ در فکرش بود ولی در مقابل، میکروسکوپی به جزئیات این چنینی دقت می‌کرد.

### پیش‌بینی شکل‌گیری داعش

[حاج قاسم] از طرفی دارای درایت و تیزهوشی بود، خیلی تیزهوش بود؛ [در این مورد] خیلی نکات هست. این مسئله به روز یک جریان به ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدتها قبل پیش‌بینی کرد؛ که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم می‌بینم در وضع دنیای اسلام - اسم آورد از بعضی از کشورها - یک جریانی دارد به وجود می‌آید؛ بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم با درایتی بود، آدم باهوشی بود. در اداره اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در

آن‌ها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد؛ این را بنده کاملاً حس می‌کردم. خب، ما دائماً در حال ارتباط بودیم در مسائل گوناگون؛ بادرایت بود. این هم یکی از خصوصیات ایرانی است، یکی از خصوصیات داشته‌های فرهنگی ما ملت ایران است.<sup>۱</sup>

تسلط سردار سلیمانی در عراق به‌گونه‌ای بود که اخبار متعددی از عشیره‌ها، احزاب عراقی، دستگاه‌های مختلف و گروه‌های معارض<sup>۲</sup> عراقی به دستش می‌رسید. با این داده‌ها موفق شد اشراف کاملی به مسائل عراق پیدا کند و خیلی زودتر از خود عراقی‌ها متوجه شود که یک توطئه عظیمی با محوریت آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، ترکیه، عربستان، قطر، امارات و اردن در جریان است تا عراق را به هم بربزند و حکومت نویای عراق را از بین ببرند و از طریق سیطره بر عراق نظم منطقه را کلاً به ضرر محور مقاومت تغییر بدهند.

داعش در ۲۰ خرداد سال ۱۳۹۴ حرکتش را در عراق به شکل تهاجمی و علنی شروع کرد. اولین گزارش‌ها مبتنی بر وجود چنین جریان در آذرماه سال ۱۳۹۳؛ یعنی حدود شش ماه قبل،

۱ بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید

سلیمانی، ۹۹/۰۹/۲۶.

۲ آن موقع عراق جولانگاه گروه‌هایی نظیر گروه توحید الجهاد به رهبری ابومصعب الزرقاوی بود و بعضی‌ها به رهبری عزت ابراهیم‌الدوری به شدت فعال بودند و این‌ها بعضاً مشغول توطئه بودند.



توسط سردار سلیمانی به دولت و ارتش عراق منتقل شد؛ در جریان انتخابات عراق سال ۱۳۹۴، سردار سلیمانی در گزارشی به مقامات عراقی اعلام کرده بود که الآن گروه‌های تکفیری با محوریت داعش بر استان‌های غربی عراق کاملاً مسلطند و فقط پرچمشان را بالا نبرده‌اند و در یک لحظه می‌توانند این کار را بکنند و عراق را به آشوب بکشند.<sup>۱</sup>

در آن زمان این باور در مقامات عراقی وجود نداشت که واقعاً چنین توطئه عظیمی در جریان است که ارتش نتواند از پس آن بر بیاید. اما سردار سلیمانی غافلگیر نشد و به سرعت وارد شد و مقامات عراقی را متقاعد کرد که امکان غلبه بر این جریان وجود دارد و می‌شود این کار را کرد. بعد هم با صدور فتوای به موقع حضرت آیت‌الله سیستانی کار مقابله با این جریان با محوریت سردار سلیمانی شروع شد. جریان حشدالشعبی خارج از ارتش شکل گرفت و این جریان در کنار ارتش، در یک زمان بسیار کوتاه

---

۱ آمریکایی‌ها از داعش به‌عنوان گروه‌های عدالت‌طلب یاد می‌کردند؛ یعنی تبلیغات آمریکایی‌ها این بود که جریان داعش یک جریان سنی عدالت‌طلبی است که از سیاست‌های دولت شیعه بغداد به ستوه آمده و برای احقاق حقوق اهل سنت دارد مبارزه می‌کند. در واقع آن‌ها تمجید می‌کردند و سعودی‌ها، قطری‌ها و اماراتی‌ها تلویزیون‌های خودشان را در اختیار حرکت تهاجمی داعش قرار داده بودند و دائماً پیشرفت‌های آن‌ها را گزارش می‌کردند و از آن‌ها استقبال می‌کردند.

داعش را مهار کرد. سیر سقوط داعش در اینجا با محوریت سردار سلیمانی شروع شد.<sup>۱</sup>

این تیزهوشی در مدیریت شهید حسن باقری هم دیده می‌شود: مهدی زین‌الدین جزو نیروهای حسن باقری بود. اوایل رفت شناسایی. وقتی برگشت گفت: ننوشتی بین راه چقدر نخ سیگار بود؟ چقدر چوب کبریت بود؟ شهید زین‌الدین گفت: این‌ها هم لازم هست؟ شهید باقری گفت: بله من همه چیز را در نظر می‌گیرم. شمه‌اش بالا بود.

آقای فتح‌الله جعفری می‌گفت: اگر حسن باقری نوع آتش دشمن توی خط را می‌دید تشخیص می‌داد که کدام یگان از یگان‌های پرحجم عراق یا کم‌حجم عراق اینجا مستقر است. این قدر شمه‌اش بالا بود! جنس آتش را می‌دانست و تشخیص می‌داد. محیرالعقول بود! با اینکه قبلاً نظامی نبود ولی با هوش و تدبیر جنگ را مدیریت می‌کرد.

### حبیبِ وسط میدان

در مناطق عملیاتی تا محور لجمَن خودش حضور پیدا می‌کرد. لجمَن در اصطلاح نظامی یعنی لبه جلویی منطقه نبرد. لجمَن جزو خطرناک‌ترین بخش‌های منطقه عملیاتی است. نیروهایی معمولاً آنجا حضور پیدا می‌کنند که شهادتشان رقم خورده باشد. حاج قاسم می‌گفت باید با نیرویی که در لجمَن حضور دارد خودم

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت ۴۷۰۱۸ <https://khl.ink/f/47018>

آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای.

دیدار کنم، دستم را روی شانه‌هایشان بگذارم تا خیالم از وضعیت آن‌ها راحت شود. باید مهمات آتش را خودم چک کنم.<sup>۱</sup> او یک به یک با بچه‌ها در لجن‌ها صحبت می‌کرد. برایش فرقی نمی‌کرد نیروها از تیپ فاطمیون یا سوری‌ها باشند. سوری‌هایی که در لجن حضور داشتند با سوری‌هایی که آن‌سو و در جبهه مقابل حضور داشتند هم‌وطن بودند. این را می‌دانست که از طریق وسایل ارتباطات تلفن همراه در ارتباط بودند. برخی‌شان با هم نسبت فامیلی داشتند و شاید اگر مجال می‌شد دیدار خانوادگی هم داشتند. حاجی با چنین نیروهایی در خط ملاقات می‌کرد. هر نیروی سوری می‌گفت: حاجی می‌خواهیم با شما عکس بپردازیم، حبیب (حاج قاسم) با آن‌ها عکس می‌انداخت. البته حاجی بعضی اوقات عمداً هم عکس می‌انداخت که تصویرش مخایره شود و به آن طرف جبهه‌ها برسد که حضورش را نشان بدهد.<sup>۲</sup>

۱ در مورد مکتب شهید سلیمانی و چگونگی رسیدن ایشان به این موقعیت، اولین ویژگی که باید در ذهن ما متصور بشود، جامعیت بلکه جمع اعداد بودن ایشان است؛ جامعیتی که از عقلانیت برمی‌آید. پس عقلانیت پایه شخصیت اوست. اگر سردار مهربان بود، بر اساس یک خصلت شخصیتی فردی نبود، بلکه عقلانیت دینی ایجاب می‌کرد که مهربان باشد و خدمت بکند. اگر ایشان نمی‌ترسید، به خاطر عقلانیت دینی است که کار را به دست خدا می‌داند. اگر شهید سلیمانی مذاکره‌کننده قوی در دیپلماسی بود، به خاطر عقلانیتی است که از دین پیدا کرده بود که باید مذاکره‌کننده قوی باشد. در مکتب حاج قاسم سلیمانی عقلانیت حرف اول را می‌زند و اگر این مکتب زیبایی‌ها دارد، به دلیل زیبایی عقلانیت و حکمت است.

خبرگزاری مهر، <https://b2n.ir/47463>

### دوم. تصمیم عاقلانه

با مشورت نخبگان، تصمیم قاطع و عاقلانه بگیرد؛ یعنی به صورت جامع، به تمام زوایا دقت کند، بعد نقشه‌ای طراحی کند که پیش خودش و خدای خودش بتواند جوابگو باشد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بَعْلَمٍ وَعَقْلٍ»؛ هر کاری که می‌خواهی انجام بدهی، با دانش و خرد انجام بده. این استثناء ندارد و شامل همه کارها می‌شود؛ این‌ها شعارهای اسلامی است. «... إِيَّاكَ وَأَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بَعِيرًا تَدْبِيرًا وَعِلْمًا»؛ مبدا هیچ کاری را بدون تدبیر و دانش انجام دهی؛ همه کارها باید سنجیده و علمی صورت گیرد. «فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يُقُولُ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»؛ چون خداوند می‌فرماید: مثل آن فردی نباشید که پشم را نخ می‌کرد، بعد نخ‌ها را دوباره پشم می‌کرد. اگر کار را بی‌منطق و بی‌دانش و بی‌تدبیر انجام دهید، قوتی را که خدا به شما داده، واژگون کرده‌اید و ذخیره علم و عقل را به زمین ریخته‌اید و به عقب برگشته‌اید.

### گره به زندگی مخاطب

ما نباید به عقب برگردیم. حاج قاسم و شهید همدانی و شهدای مدافع حرم زحمت کشیدند و تلاش کردند، ما نباید با عملمان کار این‌ها را خراب کنیم. این‌ها لباس زیبایی تن انقلاب کردند، این لباس را لکه‌دار نکنیم. همه می‌گوییم ما حاج قاسم هستیم؛ حاج قاسم باعث بالا بردن دوز اسلام بود، آیا ما هم اسلام و انقلاب را بالا می‌بریم؟ عرصه کنونی، جنگ اقتصادی

است. حاج قاسم از سوریه به مناطق سیل‌زده خوزستان آمد و گفت: هر کس می‌خواست در کنار مدافعان حرم بجنگد باید الآن اینجا باشد چون همه غم و غصه نظام و انقلاب اینجاست. کسی که آرزوی مدافع حرم بودن دارد باید هر جا غم و غصه انقلاب هست حضور داشته باشد. یک موقع بحث اعتیاد و معضلات فرهنگی است ولی یک موقع بحث این است که کشور ما دارد پیر می‌شود. مدافع حرم مدافع حریم است؛ آن روز تهدید داعش بود و امروز تهدید پیری جمعیت است. حواسمان باشد در فرزندآوری و ازدیاد نسل رهروان حاج قاسم باشیم.

حاج قاسم آن روز بلند نشد تنها برود؛ خیلی عظیمی از افغانستانی و سوری و پاکستانی را جمع کرد و با خود برد؛ تک‌خور نبود. شما هم این مطالبی که یاد می‌گیرید را در سینه‌تان جمع نکنید؛ این‌ها را برای خانواده خود نقل کن و بگو طلبه‌ای آمد و حقائق را چنین و چنان گفت. مردم را بیاورید پای انقلاب؛ مردم را بیاورید پای ارزش‌ها؛ دیگران ممکن است خیانت کنند، شما رسالت خود را فراموش نکن. حاج قاسم می‌دید برخی خیانت می‌کنند اما او رسالت توحیدی خودش را فراموش نمی‌کرد ما هم فراموش نکنیم. به همین سبب است که حاج قاسم را یک مکتب می‌دانیم؛ اگر غیر از این بود، ایشان را یک اعجوبه و استثنا می‌نامیدیم. در کلام مقام معظم رهبری هم اولاً ایشان پدیده خیلی عجیب و غریبی نیست و شاگرد مکتب امام خمینی علیه السلام است؛ و ثانیاً، خودش صاحب مکتب است.

حمید حسنی فارغ‌التحصیل و کارشناس ارشد نظامی است. او که از سال ۱۳۶۱ در فتح خرمشهر با شهید قاسم سلیمانی پیوند برادری بست در مورد شهید سلیمانی می‌گوید: شهید سلیمانی فردی باهوش و باذکاوت، مدیر و مدبر و طراح جنگ‌های منظم و نامنظم بود. ایشان در زمینه‌های مختلف حرف برای گفتن داشت و کارهای ایشان بسیار برجسته بود.<sup>۱</sup>

### سوم. شجاعانه و با سرعت تمام برای اجرایی شدن

#### تصمیم نهایی حرکت کند

حاج قاسم جلوتر از نیروهایش قدم برمی‌داشت. این جزء شخصیت حاج قاسم بود. شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدّس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین‌جوری بود؛ خودش و لشکرش - هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، برای کارهایش منطق داشت. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین‌جور بود.<sup>۲</sup> به دهان خطر می‌رفت اما

۱ <https://bzn.ir/۳۴۶۸۵۴> خبرگزاری مهر

۲ بیانات در دیدار مردم قم، ۹۸/۱۰/۱۸.

جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیان، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود.<sup>۱</sup>

در قاموس شهید سلیمانی، نمی‌دانم، نمی‌توانم، نمی‌شود، نیرو نداریم، بودجه نداریم، فضا نداریم و غیره اصلاً وجود نداشت چراکه در سخت‌ترین موقعیت‌ها کار کرده و به سرانجام رسانده بود. ایشان با دست خالی کار را شروع می‌کرد. زمانی که حاج قاسم تیپ فاطمیون را تشکیل داد ۲۵ الی ۲۶ نفر بودند؛ اما با این تعداد نفرات اندک یک لشکر قدرتمند تشکیل داده است. با یک دسته رفت با یک لشکر بزرگ از همه اقوام که در چند کشور مستقرند، برگشت.

### سرعت عمل حاج قاسم در زلزله بم

سردار سرتیپ دوم پاسدار محمدرضا حسنی سعدی: حاج قاسم در شکل‌دهی و سازمان‌دهی و توسعه‌گرایی بسیار قوی بود، به خاطر دارم در زلزله بم یک هواپیما حامل سگ‌های زنده‌یاب از اروپا وارد کشورمان شد، حاج قاسم ظرف چند دقیقه کل شهر بم را تقسیم کرد و خودروهایی را آماده کرد تا این سگ‌های زنده‌یاب میان خانه‌های خراب بچرخند و اگر کسی

زنده مانده است بیابند. این کار حاجی فوق‌العاده بود و نشان از سرعت عمل ایشان در فرماندهی داشت.<sup>۱</sup>

### چهارم. رعایت مسائل شرعی حتی در بحران‌ها (از احکام تا اخلاق و آداب)

شهید سلیمانی یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ [لکن] او احتیاط می‌کرد.<sup>۲</sup>

حاج قاسم بر اساس یک تربیت اصیل دینی و سنتی بزرگ شده است، حتی ایشان به آداب و مستحبات بسیار مقید بود و تمام دستورات دینی را یک به یک رعایت می‌کرد؛ مثلاً برای حضور در مراسم‌های مذهبی بسیار ادب می‌کرد؛ خاطر من هست یک‌بار در مراسم یادواره شهدای سیرجان دختر بچه‌ای دل‌نوشته بسیار زیبایی خواند، من قرآن جیبی همراه داشتم، یک تراول ۵۰ هزار تومانی میان قرآن گذاشتم و به حاجی دادم تا به آن دختر بچه هدیه دهند. حاج قاسم در آنجا به من تذکر دادند که

۱ <http://b2n.ir/m10988> خبرگزاری تسنیم

۲ بیانات در دیدار مردم قم، ۹۸/۱۰/۱۸



چیزی در قرآن نگذارید چراکه هیچ چیزی را نمی‌توان با قرآن مقایسه کرد و این قرآن خودش به تنهایی قداست و احترام ویژه‌ای دارد.<sup>۱</sup>

### خاطره

وقتی ضد انقلاب کمین زدند و مهدی زین‌الدین را شهید کردند، جنازه او را از قبض خمسی که همراهش بود و نامش در آن بود، شناسایی کردند.<sup>۲</sup> حاج قاسم با بچه‌های گردانش وارد فاو یا جای دیگری شدند. بچه‌های گردان از روحانی سؤال کردند: می‌توانیم اینجا نماز بخوانیم؟ روحانی گفت: چرا نتوانید بخوانید؟ گفتند: خب اینجا خاک دشمن است. روحانی جواب داد: حدود و ثغور خاک را نباید انگلیسی‌ها معلوم بکنند. همه این‌ها زیر نظر ولایت فقیه است. بروید نمازتان را با طیب خاطر بخوانید.

### خاطره

هم‌رزم حاج قاسم، محمدرضا حسنی سعدی می‌گفت: شهید سلیمانی طبق دستور رهبری نگاه ویژه‌ای به حرام و حلال داشت. به خاطر دارم بچه کوچکشان شکلاتی را از ماشین بیت‌المال برداشت- به دلیل سن کمی که داشت نمی‌دانست- و میل کرد. حاج قاسم بی‌قرار شده بود و در به در دنبال اصلاح

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/m10988> خبرگزاری تسنیم

<sup>۲</sup> <https://bzn.ir/n44372> نوید شاهد

امر بود؛ یعنی دائماً می‌پرسید که ماجرا از چه قرار بود این شکلات برای بیت‌المال بوده یا برای بچه‌ها بوده است؟<sup>۱</sup>

حاج قاسم وقتی به دیدار پدر و مادر خود می‌رفت از تیم همراه - محافظین - درخواست می‌کرد که اجازه دهند ابتدا خودش وارد شود و سپس آن‌ها بیایند. روزی تیم همراهش اتفاقی متوجه می‌شوند حاج قاسم در حال درآوردن جوراب پدر خود است و بعد هم پای پدر را بوسید. یا زمانی که مادر سردار در بیمارستان فاطمه‌الزهرا علیها السلام بستری بود، درخواست کرد که او را با مادرش تنها بگذارند و باز هم می‌بینند حاجی پای تخت نشسته و پای مادر را می‌بوسد.<sup>۲</sup>

نامه حلالیت حاج قاسم از صاحب‌خانه سوری در دوران آزادسازی سوریه معروف است و رسانه‌ای شد.

### پنجم. استعانت از خدا و باور به مدد پروردگار

برای هر مدیری لازم است بعد از آنکه تمام برنامه‌اش را خردمندانه محاسبه کرد، دائم بدم بدم نگوید بلکه جای خدا و اراده و مدد خدا را در برنامه‌هایش خالی ببیند؛ با اینکه همه چیز را تدبیر کرده اما خاضعانه از خدا کمک بخواهد و روی کمک خدا حساب باز کند.

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/b31739> جهان نیوز

<sup>۲</sup> <https://b2n.ir/226960> خبرگزاری تسنیم

نکته مهم این است که سردار سلیمانی این درس را از امامین انقلاب دریافت کرده بود؛ «امام بزرگوار که این همه تحولات را به وجود آورد و به معنای واقعی کلمه امام تحوّل بود، این‌ها را از خدا می‌دانست؛ امام این‌ها را به خودش نسبت نمی‌داد، این‌ها را از خدا می‌دانست. ... واقعه‌ش هم همین است که از خدا است؛ "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ"، همه چیز و هر حول و قوه‌ای از خدا است؛ و امام واقعاً این [آیه] "مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ" را به معنای واقعی کلمه معتقد بود.»<sup>۲</sup>

امام فرمود: خرمشهر را خدا آزاد کرد<sup>۳</sup> و نیروی هوایی که آزاد شد کار خدا بود<sup>۴</sup> و شن‌های طبرس مأمور خدا بودند.<sup>۵</sup> این‌ها همه از خدا باوری این مکتب است.

شهید بزرگوار سردار دل‌ها، مکرر از امام خمینی علیه السلام و رهبری شنیده بود<sup>۶</sup>:

۱ انفال: آیه ۱۷.

۲ سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۹۹/۰۳/۱۴.

۳ مجله نوجوان ۱۲۰: ۳.

۴ صحیفه امام: ۴۱/۱۰.

۵ صحیفه امام: ۸/۱۸-۹.

۶ <https://bzn.ir/۳۴۶۸۵۴> خبرگزاری مهر.

ولایت‌مداری و اطاعت محض از مقام عظمای ولایت و خود را سرباز ایشان دانستن و اطاعت از ایشان را رمز عاقبت‌به‌خیری می‌دانست. برای مثال همیشه به ما می‌گفت: هنگامی که می‌خواستند مدال ذوالفقار را به من بدهند به حضرت آقا (حفظه‌الله) گفتم، مدال برای من

## «پیروزی ملت ایران و پیروزی بسیج و پیروزی این جریان عظیم انقلابی در ایران، تضمین شده است. ۱ خداوند متعال در

مهم نیست، مدال فتح را هم که قبلاً به من اعطا کردید؛ نمی‌دانم کجاست، برای من رضایت و خوشنودی شما مهم است. برای ما کاملاً مشخص بود که او در مقام ولایت ذوب شده و همیشه ما را هم به این امر نصیحت می‌کرد.

۱ بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آن‌ها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثال‌های آیات کریمه قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر می‌کنم؛ جوان‌های عزیزی که اهل قرآن‌اند، به این‌ها مراجعه کنند، روی آن‌ها فکر کنند. «أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ»؛ (سوره مبارکه طور، آیه ۴۲) خیال می‌کنند دارند زمینه‌سازی می‌کنند، توطئه برای جبهه حق و مقاومت درست می‌کنند، [اما] نمی‌دانند که توطئه علیه خود آن‌ها دارد چیده می‌شود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه دیگر، سوره مبارکه قصص، آیه ۵: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَتَمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! آیه دیگر: «إِنْ تَضُرُّوا اللَّهَ تَضُرُّكُمْ وَيُمْبِتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ آیه دیگر: سوره مبارکه حج، آیه ۴۰: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ لَكُنَّ عَالَمًا غَدَقًا وَلَئِنَّ اللَّهَ لَخَبِيرٌ بِالزَّالِمِينَ»؛ همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، [جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام

آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که یاری‌کنندگان حق، پیروز نهایی‌اند؛ ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آن‌ها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «لَنْ يَنْصُرَكَ اللَّهُ فَلَآ غَالِبَ لَكَ»؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نمی‌کند. خب، یاری کردن خدا چه جوری است؟ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَصُرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَفْئَامَكُمْ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد؛ اگر شما یاری کردید دین خدا را، جهت‌گیری الهی را، منطق‌ خدایی را، راه خدا را، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد و یاری خواهد کرد؛... پس کار خدا است، راه خدا است، نصرت خدا است؛ وقتی نصرت خدا شد، خدای متعال هم نصرت خواهد کرد و وقتی خدای متعال نصرت کرد، فَلَآ غَالِبَ لَكَ؛ هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد.»<sup>۲</sup>

شهید صیاد شیرازی فرمانده بود. زیر امضایش می‌نوشت «من کان لله کان الله له»<sup>۳</sup>؛ شاید به نظر برسد کسی که نظامی است و این

---

خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است. آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومت‌اند.

بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۴/۰۳/۹۸.

۱ محمد: آیه ۷.

۲ بیانات در دیدار بسیجیان ۰۶/۰۹/۹۸.

۳ <https://bzn.ir/b79079> تصویر امضاء شهید. ۳

همه امکانات زیر دستش دارد نیاز نیست این طور تحلیل کند ولی امام این ها را طوری تربیت کرده بود که خدا را در تحلیل هایشان در نظر می گرفتند.

شهید سلیمانی در دفاع مقدس، عملیات های جنوب شرق، افغانستان، عملیات های سوریه و لبنان و غیره بارها و بارها عنایت و لطف خدا را دیده بود و اعتقاد قلبی به کمک و نصرت الهی داشت، از همین رو در آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» تردید نداشت. حاج قاسم می گفت شما بایستید نصرت کنید خدا هم شما را نصرت می کند.

شما هم در امر فرزند آوری ولی فقیه را نصرت کنید، خدا هم در روزی و... شما را نصرت می کند.

### خاطره

سردار حسنی می گوید: در عملیات کربلای چهار و ام الرصاص تلفات زیادی داده بودیم. شجره و ستون گردان ما (۴۱۵) در کربلای چهار از هم پاشیده بود و به اصطلاح کمر گردان شکسته بود و هفتاد درصد گردان از بین رفته بود. با تدبیر حاج قاسم در عملیات کربلای پنج و کانال ماهی مقرر شد ما مانند دیگر گردان ها مستقیماً وارد عمل نشویم. با این که حاجی این انصاف را در حق ما داشتند که ما شب اول وارد عملیات نشویم؛ روز بعد احتیاج شد که ما وارد عملیات و کانال ماهی شویم و منطقه عملیات از زمانی که از قایق پیاده و وارد اسکله می شدیم در یک مسیر هشتصد تا نهصد متری در روی یک دژ بود. کل توپخانه عراق روی این مسیر آتش خمپاره و دوشکا

می‌ریخت و ما زیر باران تیرها و در مسیر مستقیم گلوله‌های عراقی‌ها بودیم. ما مجبور بودیم برای رسیدن به کانال ماهی کل این مسیر را بدویم. فرمانده گردان، شهید تاجیک بود و من جانشین او بودم. بعد از این‌که با مصائب و مشکلات به دژ رسیدیم، دیدم حاج قاسم به دژ تکیه داده و چیزی را زیر لب زمزمه می‌کند. من را کناری کشید و گفت: «من در تمام مسیری که قرار بود روی اسکله بدوید کنار دیوار دژ ایستاده بودم و برای سلامتی شما دعا می‌خواندم تا سالم به من برسید.»<sup>۱</sup>



### تغییر مسیر تاریخ (اگر حاج قاسم نبود...)

سردار سرتیپ «محمد شیرازی» رئیس دفتر نظامی فرمانده معظم کل قوا، می‌گفت: شهادت سردار سلیمانی مسیر تاریخ جهان را تغییر داد و خداوند با اراده خودش به شهید سلیمانی عزت داد. شهید سلیمانی همیشه مقام معظم رهبری را با انجام کارهای ممتاز در شرایط خوب و خوب‌تر قرار می‌داد و این باید در نیروهای مسلح به عنوان یک الگو در نظر گرفته شود.<sup>۲</sup> شهید حاج قاسم سلیمانی توانست این مکتب را ایجاد کند و مسیر تاریخ را تغییر دهد. نقشه آمریکا در عراق، در سوریه، در لبنان، به کمک و فعالیت این شهید عزیز خنثی شد. آمریکایی‌ها، عراق را مثل رژیم پهلوی ایران یا امروز سعودی می‌پسندند، یک نقطه‌ای

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/۳۴۶۸۵۴> خبرگزاری مهر

<sup>۲</sup> <https://b2n.ir/g۸۷۳۰۷> خبرگزاری میزان

باشد پُر از نفت، در اختیار آن‌ها که هر کار مایل‌اند بکنند؛ به تعبیر آن شخص «مثل گاو شیرده»؛ این‌ها عراق را این‌جوری می‌خواهند. عناصر مؤمن عراقی و شجاع عراقی و جوانان عراقی و مرجعیت در عراق در مقابل این قضایا ایستادند و حاج قاسم علیه السلام به همه این جبهه بسیج به عنوان یک مشاور فعال مدد رساند، کمک رساند و به عنوان یک پشتیبان بزرگ در آنجا ظاهر شد. شبیه همین قضیه در مورد سوریه هست، در مورد لبنان هست.<sup>۱</sup>

### خاطره قتل عام اسپایکر

می‌دانید اگر حاج قاسم نبود چه می‌شد؟ ۲۲۰۰ جوان نخبه عراقی در این پایگاه مشغول تحصیل نظامی بودند که خبر رسید داعشی‌ها که در آن مقطع خوب توانسته بودند عملیات جنگ روانی به راه بیندازند، دارند به آن‌ها نزدیک می‌شوند و اگر پایشان به آنجا برسد همه آن‌ها را خواهند کشت. جوانان دسته دسته به خاطر حفظ جانشان سوار ماشین‌هایی شدند که این افراد آماده کرده بودند تا آن‌ها را از دست داعش نجات دهند. پایگاه تخلیه شد اما نقطه تلخ ماجرا همین جا بود، جوانان درست در کنار رود دجله بود که متوجه شدند در دام تکفیری‌ها اسیر شدند و کاری از دستشان بر نخواهد آمد.

گروه گروه از ماشین پیاده می‌شدند و جلوی رودخانه دجله به صف می‌ایستادند. داعشی‌ها شاید حتی از خوردن یک لیوان آب هم راحت‌تر تیر خلاص به آن‌ها می‌زدند و به آسانی هر چه تمام

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۹۸/۱۰/۱۸.



جوانان پرپر شده عراقی را به رودخانه می انداختند.<sup>۱</sup> برخی دیگر اطراف همین دجله سر بریده می شدند و کم کم کوهی از جنازه پدیدار شد. آن روز همه جا تلخ و سیاه بود.

حاج قاسم سلیمانی سال ۹۶ در یکی از سخنرانی‌هایش در وصف آن می گوید: «در هیچ دوره‌ای از تاریخ، در زمان بربرها و تاتارها، حتی در حمله مغول، تاریخ شاهد این همه خشونت، توحش و سختی نبوده است. ۲۲۰۰ نفر از جوانان دانشکده اسپایکر<sup>۲</sup> عراق را دست‌بسته سر بردند و تیرباران کردند.» رنگ رودخانه دجله بعد از جنایت داعش و کشتن جوانان عراقی خونین شد. دیگر چه جنایتی باید رخ می داد که جهان صدایش در بیاید؟

---

۱ «علی حسین کاظم» از شاهدان ماجرای اسپایکر که توانست زنده بماند این گونه روایت می کند: «ما هنگامی که خبر نزدیک شدن داعش به اسپایکر را شنیدیم، لباس شخصی پوشیدیم ولی دیر شده بود زیرا عناصر داعش که حدود یک‌صد نفر بودند، وارد اسپایکر شده بودند. عناصر داعش دستان ما را بستند و سوار ده‌ها کامیون کردند و هر کسی را که کوچک‌ترین حرکتی از خود نشان می داد، می کشتند و کسانی که زیر دست و پا مانده بودند نیز جان خود را از دست دادند. ما را به صف کردند و با تیر همکلاسی‌هایم را کشتند و خون یکی از آن‌ها به چهره‌ام پاشید و تیری که به سوی من شلیک شد، به من اصابت نکرد و من خودم را در چاله‌ای که روبرویم حفر شده بود، انداختم و خود را به مُردن زدم. وقتی که شب شد ۲۰۰ متر راه رفتم و خودم را به رود دجله رساندم و سه روز مخفی شدم و از حشرات و گیاهان تغذیه می کردم و به سختی از رود دجله عبور کردم و مسافتی طولانی را در امتداد رود دجله طی کردم تا به منطقه‌ای نسبتاً امن رسیدم و سه هفته بعد خود را به خانواده‌ام رساندم.»

۲ پایگاه هوایی مجد التیمی، که در گذشته به عنوان فرودگاه هوایی الصحرا و پس از حضور نظامیان آمریکایی به نام پایگاه هوایی اسپایکر (به انگلیسی: Speicher Airbase)

اما خبری نبود که نبود! مراجع دینی و علمای عراقی از جمله آیت الله سیستانی حکم جهاد علیه این خونخواران صادر کردند و جوانان عراقی که سرزمین‌شان را در خطر نابودی می‌دیدند از جا برخاستند و گروه‌های حشدالشعبی را تشکیل دادند. سردار سلیمانی، مهندس ابو مهدی و دیگر رزمندگانی که از جای‌جای کبشورهای اسلامی قلبشان برای مردم مظلوم عراق می‌تپید از جا برخاستند<sup>۱</sup> و پرچم سیاه و نحس تکفیری‌ها را با ذلت به زیر کشیدند.<sup>۲</sup> می‌دانید اگر حاج قاسم نبود چه می‌شد؟ میدان برده‌فروشی‌ها را حاج قاسم عوض کرد! می‌دانید اگر حاج قاسم نبود چه می‌شد؟ خاورمیانه جدید را حاج قاسم عوض کرد. می‌دانید اگر حاج قاسم نبود چه می‌شد؟ تجاوز به زن‌های ایزدی محاصره نبل و الزهرا ...

نقش شهید عزیز و رفقای محلی این شهید [بی‌بدیل بود]:  
مثل همین شهید ابو مهدی رضی الله عنه - مرد نورانی، مرد مؤمن، مرد

۱ ۶۸۱۰۶۸۱/m۸n.ir/b۲n https:// خبرگزاری میزان

مردم ما شنیده یا دیده بودند که داعشی‌های آمریکایی، ۲ هزار جوان بی‌گناه را در نزدیکی یک رودخانه در یک روز سر بردند؛ آن‌ها جنایات و تجاوزات داعشی‌ها در سنجار را شنیده و دیده بودند. مردم ما می‌دانستند که داعشی‌های جنایت‌پیشه و آمریکایی، به تعبیر سردار سلیمانی صدها هزار کیلومتر مربع از اراضی عراق و سوریه را همراه با هزاران روستا، شهر و مراکز مهم استانی به تصرف درآورده بودند و هزاران کارگاه و کارخانه و زیرساخت‌های مهم این کشورها از جمله راه‌ها، پل‌ها، پالایشگاه‌ها، چاه‌ها و خطوط نفت و گاز و نیروگاه‌های برق و موارد دیگری از این نوع را تخریب کرده بودند و شهرهای مهمی همراه با آثار گران‌بهای تاریخی و تمدن ملی آن‌ها را با بمب‌گذاری از بین برده و یا سوزانده بودند.

۲ https://b۲n.ir/n۵۴۶۸۱ مقاومت و حماسه و گروه‌های فارس - خبرگزاری فارس

شجاع که انسان وقتی نگاه می‌کرد، چهره او مصداق «و بَيِّض وَجْهِي بِنُورِكَ»<sup>۱</sup> [بود]؛ ابو مهدی این جوری بود؛ چهره، چهره نورانی معنوی خدایی - شهید سلیمانی با امثال این جور انسان‌های مؤمن و شجاع و نورانی توانستند کارهای بزرگی<sup>۲</sup> را انجام بدهند.<sup>۳</sup>

### بیچاره کردن دشمن

شهید سلیمانی در رسانه‌های بین‌المللی، به عنوان «فرمانده سایه» توصیف می‌شد.<sup>۴</sup> شاخص قوی بودن سردار سلیمانی این

۱ کافی: ۵۶۲/۴.

۲ شهید سلیمانی، اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام از طرفی، گفتیم قهرمان امت اسلامی است؛ چرا؟ چون شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود - شهادتش هم مکمل این معنا بود - اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الان در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان شهید سلیمانی است. در کشورهای مختلف او را احترام می‌کنند، تکریم می‌کنند، عکسش را می‌زنند، نامش را پخش می‌کنند، برایش مجلس درست می‌کنند. در واقع ایشان نرم‌افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد، به ملت‌ها سرایت داد، در ملت‌ها رایج کرد؛ این‌ها خب نقش‌های خیلی مهم و بسیار حساسی است؛ لذا است که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیت برجسته و یک چهره قهرمانی اسلامی است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید

سلیمانی ۹۹/۰۹/۲۶.

۳ بیانات در دیدار مردم قم، ۹۸/۱۰/۱۸.

۴ TBS News: Soleimani played influential role in fight against ISIS.

بود که دشمن نمی‌توانست وی را نادیده بگیرد، چون دست دشمن را خوانده بود و برایش تدبیر کرده بود. هر تحرک دشمن با تدبیر ایشان و هم‌زمانش ناکام می‌ماند. قرآن می‌فرماید: «أمر يُریدونَ کیداً قَالِئِینَ کَفَرُوا هُمُ الْمَکِیْدُونَ»؛ آیا می‌خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه‌ها گرفتار می‌شوند! کلام نافذی داشت، حاج قاسم پوتین را متقاعد کرد تا در این جنگ شرکت کند. آن‌ها خیلی کشته دادند اما صحبتی از آن‌ها نکرد. حاج قاسم آن‌ها را وارد جنگ کرد در برخی جلسات که روس‌ها هم حضور داشتند. ما در ۳۰۰ متری داعش در المیادین رسیده بودیم. روس‌ها هیچ‌گاه پایگاه‌هایشان را جلوتر از ما نمی‌زدند، همیشه پایگاه‌هایشان از ما عقب‌تر بود. می‌گفتند داعشی‌ها بیشتر از اینکه به خون شما تشنه باشند به خون ما تشنه هستند.



### تنها راه مدیریت هوشمند با برنامه‌ریزی

جامعه نیازمند نظم و مدیریت و تدبیر و اعمال اصول و قوانینی است. تنها راه مدیریت هوشمند، برنامه‌ریزی زیرکانه و عاقلانه است؛ هر مدیر باید زمانش را به نسبت مسئولیت‌هایش تقسیم کند و هر کدام در جای خودش، در پازل زندگی جانمایی کند؛ مثلاً مسئولیتش نسبت به خدا و مردم و خانواده.

چند راهکار برای برنامه‌ریزی برای مدیریت هوشمندانه و راهبردی

### ۱. مدیریت رابطه با خدا

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: سزاوار است مؤمن را سه زمان باشد: «فساعة یناجی فیها ربّه»؛ زمانی که در آن با پروردگارش راز و نیاز کند. یکی از مواردی که انسان باید آن قدر درست برنامه‌ریزی کند که هیچ‌گاه پشیمان نشود رابطه با خداست. بالاترین بندگی سپردن خودت به خداست. حاج قاسم اختیارش را از خودش گرفت و داد به خدا؛ شما هم در همه عرصه‌های زندگی خودتان را بسپارید به خدا. برای یک مدیر باید معلوم باشد خدا کجای زندگی اوست؛ مثلاً نماز اول وقت خط قرمزش باشد و هیچ‌گاه ترک نشود. امام علی علیه السلام پس از آنکه محمد بن ابی‌بکر را به فرماندهی سپاه مصر برگزید به او نوشت: «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَتْهَا الْمَوْتُ لَهَا»؛ نماز را در وقت خودش به جای آر، «وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا الْفِرَاقَ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِعْجَالٍ»؛ نه اینکه در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی و به هنگام درگیری و کار آن را تأخیر بیندازی، «وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ<sup>۱</sup>»؛ و بدان که تمام اعمالت در گرو نماز است.

۱ نهج البلاغه، نامه ۲۷

حاج قاسم هر ساعتی می‌رسید در هر کشوری نماز شبش ترک نمی‌شد؛ در کاخ کرملین هم نماز خواند. شهید بابایی هم در دفتر مافوقش در ارتش آمریکا نماز اول وقت خواند.

## ۲. مدیریت خانه و خانواده در کنار کار

«وَسَاعَةٌ مَّرْمَعًا»؛ و زمانی را به اینکه هزینه‌های زندگی را تأمین کند، «وَسَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَائِهَا فِيمَا يَجِلُّ وَيَجْمُلُ»<sup>۱</sup>؛ و زمانی را به خوشی‌های حلال و زیبا اختصاص دهد.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه خانواده جزء اصلی زندگی شخص است، هر روز باید برای آن‌ها یک وقت ویژه خالی کند. راز موفقیت یک مدیر در رسیدن به اهدافش این است که آرامشش در خانه تأمین شود. نباید اجازه دهیم دنیای شلوغ امروزه مانع شود نشان دهیم چقدر عاشق خانواده خود هستیم.

در مدیریت خانواده، مادر مهم‌ترین رکن خانواده و دارای مهم‌ترین نقش تربیتی است، نقشی که به هیچ وجه جانشین‌پذیر نیست. بایستی هم پدر و هم فرزندان به اصل محوری مادر توجه کنند و با احسان، احترام، اکرام و خدمت مادر، او را در ایفای نقش تربیتی خویش یاری دهند.

۱ نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰

۲ غرر الحکم و درر الکلم: ۴۶۸/۱. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «صَلِّحْ الْعَيْشَ التَّقْدِيرَ»؛

تدبیر و برنامه‌ریزی سبب اصلاح امور زندگانی می‌شود. برنامه یعنی تهیه جدول زمانی تقسیم کارها و مسئولیت‌ها، تهیه برنامه‌ای برای کار، عبادت، ورزش، تفریح، تغذیه، مطالعه و ضیافت به‌گونه‌ای که همه نیازهای طبیعی انسان برطرف شود؛ برنامه‌ریزی از یکی از کلیدهای کامیابی در مدیریت است.

### خاطره

در ماه‌های اولی که شهید سلیمانی قرار بود از کرمان به سپاه قدس تهران منتقل شود حاج قاسم مدتی کمتر فعالیت داشت. شهید سلیمانی می‌گفت:

از دفتر حضرت آقا تماس گرفتند و مرا به آنجا دعوت کردند. در مدت گفت‌وگو با ایشان، از من نسبت به رفتارم با خانواده سؤال می‌کردند و می‌گفتند: «با خانواده‌ات چه طوری؟ با فرزندان‌ت چگونه رفتار می‌کنی؟ آیا با آن‌ها غذا می‌خوری؟ آن‌ها را به گردش می‌بری؟» بعد از مدتی وقتی به خانه می‌آمدم از دفتر دوباره زنگ می‌زدند و می‌گفتند حضرت آقا با شما کار دارند، هنگامی که به حضورشان می‌رسیدم دوباره همان سؤال‌ها را می‌پرسیدند و من هم پاسخ می‌دادم که بله تمام کارها را انجام می‌دهم.

حاج قاسم می‌گفت: در ابتدا فکر می‌کردم چون کارم کم شده حضرت آقا این سؤال‌ها را از من می‌کنند اما با گذشت چند مدت و انجام کارهای مهم و انجام مأموریت‌ها من تازه متوجه رفتار حضرت آقا شدم و فهمیدم ایشان قبل از اینکه کار مهمی را به شخصی بسپارد از خانواده که کوچک‌ترین جامعه است، شروع می‌کند؛ یعنی اگر من توانستم با خانواده‌ام رفتار خوب و اخلاق خوش داشته باشم و آن‌ها را برای جامعه آماده کنم، می‌توانم کارهای مهم‌تری را انجام دهم. حاج قاسم این درس را هم به ما

منتقل می‌کرد و می‌گفت: اگر می‌خواهید در جامعه یک مدیر موفق باشید اول باید از خانواده شروع کنید.<sup>۱</sup>

برای خانواده‌اش اهمیت قائل بود. اگر در هواپیما آب می‌آوردند اول دخترش تست می‌کرد بعد اجازه می‌داد پدرش آب بنوشد. خیلی تیز بود. وقتی شهید شد، پسرش گفت: همه سلیمانی‌ها فدای یک تار موی آقا (رهبر). چنین فرزندان تربیت کرده بود.

اکثر افرادی که در محل کار سرشان شلوغ است و فرصت کمتری برای تربیت فرزندانشان دارند، می‌گویند: چون از خانواده دور بودیم فرزندانمان صالح نشدند اما حاج قاسم در کنار کارهایش خوب تربیت می‌کرد. پنج دقیقه رسیدگی ایشان به اندازه پنجاه دقیقه رسیدگی ما اثر داشت. این‌گونه بود که دوری حاج قاسم هم باعث نشد برای بچه‌هایش مشکلی پیش بیاید. این توجه به خانواده در سفر هم خیلی مهم است. حاج قاسم به تک‌تک فرزندان و یا به جمع آن‌ها نامه می‌داد. متن نامه حاج قاسم به دخترش برای همه راهگشاست: «تو اگر خودت را به خدا بسپری دیگر نگران روزی نیستی، نگران خیلی از مشکلات نیستی.»

---

۱ <https://bzn.ir/۳۴۶۸۵۴> خبرگزاری مهر





وقتی در صبحگاه سپیده‌دم آن جمعه شوم، در حرم مطهر  
حضرت امام رضا علیه السلام، خطیب سخنرانی دعای ندبه خبر  
شهادت سردار ما حاج قاسم سلیمانی را اعلام کردند، حالتی  
رفت که برای اهل روضه، روضه مکشوف است...

همین که خبر شهادت اعلام شد ولوله‌ای بلند شد و صدای  
نال‌های مضطر رواق را پر کرد و صدای بلند بلند گریه کردن و  
ضجه زدن به گوش رسید...

نال‌های مردان که بخش اعظم حضار رواق را تشکیل  
می‌دادند بلند شد.

از همه دردناک‌تر لحن و بغض حاج‌آقای فرحزاد عزیز بود...  
پر از بغض و اشک...

بمیریم برات حسین جان

فجاء الحسين الى المخير...

همین که سیدالشهدا آمد سکینه جان جلو آمد و فرمود:

ابتاهل لک علم ربعمی العباس؟

چه خبر از عموی ما؟

نتوانست بگوید... بغض نفس ارباب ما را حبس کرده...

به سمت خیمه سقا رفت و عمود خیمه را کشید. تا این خیمه

روی زمین افتاد ناله زینب علیها السلام بلند شد...

واخاها وعباساه و اقلت ناصراه واضیعتاه من بعدک...

برادرم بدون تو دیگر خاک بر سر زینب...

به ناله زینب همه ناله زدند و ولوله شد...

مردان همه روی زمین افتاده بودند فقط صدای ضجه و ناله

این زن‌ها و بچه‌ها به گوش می‌رسید.

اینجا در بین ما همه می‌دانستند گر پدر رفت تفنگ پدری

هست هنوز... اینجا هنوز همه مردان سر پا هستند. اینجا اگر

مالک روی زمین افتاده ولی یاران مالک هستند، با این حال با

شنیدن آن خبر صداها پر از ترس و اضطراب بود.

چرا می‌ترسید؟

ای بمیریم برای حسین...

این زن و بچه رفتند خلخال و گوشواره و سینه‌ریز را باز

کردند... بی‌بی صدا زد روی معجزها معجز دیگری بیندید...

صلی الله علیک یا مظلوم...

## جلسه پنجم: «جامع اضداد»

موضوع: اشداء علی الکفار حماء بینهم؛ غیظ دشمن و

### عشق مردم



زرقاء همدانیه یک زن مجاهد صدر اسلام بود، شخصی که در جنگ صفین لشکر فراری اسلام را با خطابه‌های آتشین و نصیحت‌های گهربار جمع‌آوری کرد تا این‌که بر معاویه و سربازانش هجوم بردند. زرقاء زنی بسیار شجاع و دلسوز و مهربان بود.

بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، معاویه و عمالش شهرها و روستاها را خراب نموده و اموال شیعیان را غارت می‌کردند. روزی عمال کثیفش به صحرائی رفتند که زرقاء همدانیه آنجا بود. طرفداران معاویه مردها را کشتند، گوسفندها را بردند. زن‌ها را بی‌سرپرست در وسط بیابان گذاشتند و رفتند. این زن تصمیم گرفت که حق خود و مردم را بگیرد.

پای پیاده از کوفه به شام رفت. شام پایتخت ظلم و جور و جنایت و اختناق و اعدام بود. با این وضع وحشتناک یک زن از

شعیان علی رضی الله عنه به شام رفته و می‌خواهد دادخواهی کند! هنگامی که زرقاء قصد ورود به کاخ معاویه را داشت، سربازان مانع او شدند ولی فریادش به آسمان بلند شد. معاویه آن فریاد را از داخل کاخ شنید و از علت آن پرسید. به او خبر دادند که زنی از کوفه برای دادخواهی آمده است، گفت: داخل شود. زرقاء داخل کاخ شد و در برابر معاویه ایستاد و هر چه می‌خواست گفت. معاویه گفت: چرا این قدر عصبانی هستی، چه می‌خواهی، چه می‌گویی؟

زرقاء گفت: عمال تو ریختند مردهای ما را کشتند، اموال ما را غارت کردند، گوسفندهای ما را بردند و...

معاویه گفت: این که چیز مهمی نیست، دستور می‌دهم یک گله گوسفند به تو بدهند.

زرقاء گفت: خاک بر سر تو باد، ای معاویه، تو فکر می‌کنی که من برای گرفتن حق شخصی خود از کوفه به شام آمده‌ام؟! من می‌گویم: به بیوه‌زنان و بچه‌های یتیم رحم کن. تو می‌خواهی به من گوسفند بدهی! که من شیر و روغن و گوشت داشته باشم و همسایه‌ام گرسنه بخوابد؟! وای بر من! معاویه دید که این زن به نظرش آشنا می‌رسد. پرسید: تو کی هستی.

زرقاء خودش را معرفی کرد. معاویه به خاطرش رسید که این همان زنی است که لشگریان فراری اسلام را در جنگ صفین جمع‌آوری کرد و آن‌ها را تحریک و ترغیب به جنگ نمود. معاویه گفت: من در آسمان‌ها در جستجوی تو بودم، تو به پای خودت آمدی؛ و دستور به کشتن او داد.

زرقاء گفت: معاویه مرد باش، یک وقتی مولی علی بن ابی طالب علیه السلام در میان ما بود و ما زیر پرچم او بودیم، او اکنون میان ما نیست و حالا زنی صحرانشین هستیم.

معاویه گفت: خیر. جلاد بیا این زن را اعدام کن.  
زرقاء گریه کرد و گفت: ای فریادرس مظلومان به فریادم برس.

معاویه دستور داد او را برگردانند و از او پرسید: فریادرس مظلومان کیست؟

زرقاء گفت: معاویه بگذار قضیه‌ای را تعریف کنم تا بدانی فریادرس مظلومان کیست.

در مسجد کوفه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام اذان و اقامه می‌گفت. ناگهان زنی از پشت پرده فریاد زد: ای فریادرس مظلومان به فریادم برس. ناگهان پاهای مبارک حضرت لرزید، آن شجاع میدان‌های نبرد توان ایستادن را از کف داد و مثل باران شروع به گریه کردن نمود و آه و ناله سر داد و فرمود: خدایا علی را به ظلم ظالم مگیر. خدایا من استاندار نفرستادم که به مردم ظلم کند.

سپس مولی علی علیه السلام زن را خواستند و از او پرسیدند چرا مظلوم واقع شدی و... به او ترحم و تلافی نمودند و فرمودند: اگر در حق تو کوتاهی شد، مرا ببخش.<sup>۱</sup>

۱ جبهه و جهاد اکبر، جلسه‌ی چهارم رأفت و مهربانی، مصداق بارز آیتدَاءَ عَلَی الْكٰفِرِیْمَآءِ

علی علیه السلام فرمانده جبهه و زرقاء مسلمان واقعی است. ما نمی‌توانیم و نخواهیم توانست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بشناسیم. کسی می‌تواند بگوید من امام علی علیه السلام را کاملاً می‌شناسم؟

در مدح تو ای مظهر اضداد چه گوئیم

بالاست مقام تو و گفتار قصیر است<sup>۱</sup>

اصلاً مگر می‌شود شخصیت انسانی مانند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را توصیف کرد؟ مصداق<sup>۲</sup> بارز «أَشِدَّاءُ عَلَيَّ

۱ حبیب چایچیان (حسان).

۲ روزی امیرالمؤمنین علیه السلام دید زنی مشک آبی به دوش گرفته و به سختی آن را به سوی خانه می‌برد. آن حضرت مشک آب را از او گرفت و به محلی که زن می‌خواست بُرد، آنگاه از حال زن پرسید. زن گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام شوهر مرا به بعضی از مرزهای نظامی فرستاد که در آنجا کشته شد و چند طفل یتیم برای من گذاشت و احتیاج مرا وادار کرده است تا برای مردم خدمت کنم که خود و اطفالم را تأمین نمایم. امام علی علیه السلام از آنجا بازگشت. شب را با ناراحتی به روز آورد، سپس زنبیلی که در آن طعام بود برداشت و قصد خانه زن کرد. بعضی از یارانش گفتند: بگذارید ما ببریم. فرمود: کیست که بار مرا در قیامت بردارد؟ چون به در خانه زن رسید، زن پرسید: کیستی؟ حضرت فرمود: همان بنده خدا هستم که دیروز مشک آب را برای تو آوردم، در را باز کن، برای بچه‌هایت طعام آورده‌ام. زن گفت: خدا از تو راضی باشد و میان من و علی بن ابیطالب حکم کند، سپس در را باز کرد. امام علی علیه السلام داخل شد، فرمود: من کسب ثواب را دوست دارم، می‌خواهی تو خمیر کن و نان بیز و من بچه‌ها را آرام کنم و یا من خمیر کنم و تو آن‌ها را آرام کنی؟ زن گفت: من به نان پختن آگاه‌ترم و شروع به خمیر گرفتن کرد. امام علی علیه السلام گوشت را آماده کرد و لقمه لقمه به دهان اطفال می‌گذاشت و به هر یک می‌فرمود: «علی را حلال کن، در حق شما کوتاهی شده است.» چون خمیر آماده

الْكَفَّارِ رُحْمًا يُبْتِغُهُمْ...؛ در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان دوستان خود بامحبت و مهربان اند.



امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا که باید در مقابل کفار شمشیر بزند، رأفت و رحم در وجود مبارکش نیست، شمشیر به دست می‌گیرد، رگ‌های گردن مبارکش برآمده می‌شود و از شمشیرش خون می‌چکد و هیچ‌کس را یارای مقاومت در برابرش نیست اما همین شخص در جایی که محل ترحم است، برخوردش در کمال عطوفت است، خرما و برنج و روغن به خانه یتیمان می‌برد و غذاهای خوب درست می‌کرد و آن‌ها را از گرسنگی نجات

شد، زن گفت: بنده خدا تنور را آتش کن. امام علی علیه السلام تنور را آتش کرد، وقتی حرارت شعله به چهره آن حضرت رسید، فرمود: بجش حرارت آتش را، این سزای کسی است که از زنان بیوه و اطفال یتیم بی‌خبر باشد. در این میان زنی از زنان همسایه داخل خانه شد. او امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌شناخت، فوراً به زن صاحب‌خانه گفت. وای بر تو! این کیست که برای تو تنور را آتش می‌کند؟ زن جواب داد: مردی است که به اطفال من رحم کرده است. زن همسایه گفت: وای بر تو! این بزرگ، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. آن زن چون امام علی علیه السلام را شناخت، پیش دوید و گفت: «واحیائی منک یا امیرالمؤمنین»؛ ای امیر مؤمنان از شرمندگی آتش گرفتم، مرا ببخشید.

امام علی علیه السلام فرمود: «بل واحیائی منک یا امة الله فیما قصرت فی حقک»؛ بلکه من از تو شرمنده‌ام، ای کنیز خدا، در حق تو کوتاهی شده است (بحار الانوار: ۵۲/۵۴ و مناقب آل ابی‌طالب: ۱۱۶/۲).

می‌داد. سعی می‌کرد تا با دست خود لقمه در دهانشان بگذارد و آن‌ها را بخنداند و می‌فرمود: اگر به شما گفتند پدر شما کیست؟ بگوئید ما یتیم نشده‌ایم پدرمان علی علیه السلام است.

مقام معظم رهبری دامت‌برکاته درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «آن انسانی که در میدان جنگ آن‌جور می‌جنگد، وقتی سر و کارش با یک خانواده یتیم‌دار می‌افتد، آن‌جور با یتیمان همراهی می‌کند، خم می‌شود، با بچه یتیم‌ها بازی می‌کند، روی دوش خودش سوار می‌کند. این‌ها اصلاً همان چیزهایی است که ربطی به این ندارد که ما متدین باشیم و چه دینی داشته باشیم تا این‌ها را احترام کنیم. هر انسانی در مقابل این عظمت وقتی قرار می‌گیرد احساس خضوع و تعظیم می‌کند.»<sup>۱</sup> با آنکه ابن ملجم آن شقی ازل و ابد به سر مبارک مولی ضربت می‌زند ولی مولی با او مهربانی می‌کند. وقتی که دستگیر می‌شود و او را به خانه علی علیه السلام می‌برند. حضرت مقداری از شیری را که برای ایشان آورده بودند به امام حسن علیه السلام می‌دهد و می‌گوید: حسن جان این شیر را برای ابن ملجم ببر.<sup>۲</sup>

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد

بوالعجب من عاشق این هر دو ضد<sup>۳</sup>

۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۹۵/۰۶/۳۰

۲ جبهه و جهاد اکبر، جلسه ۴، رأفت و مهربانی.

۳ مولانا، مثنوی معنوی، دفتر اول.



### شاگردِ مولا علی علیه السلام، جامع اضداد

حاج قاسم سلیمانی هم درس از مولی علی آموخته بود؛ او هم چند بعد داشت. بعضی تک‌بعدی‌اند وقتی به عالم سیاست می‌آیند از معنویت دور می‌شوند؛ بعضی وقتی به عالم معنویت می‌روند از عالم سیاست فاصله می‌گیرند؛ بعضی وقتی وارد وادی جهاد و شهادت می‌شوند کاری به مباحث اجتماعی ندارند. حاج قاسم چند بُعد داشت؛ در عین حال که در مسائل نظامی عالی بود و چیزهایی را تحلیل می‌کرد که به اندیشه خیلی از ژنرال‌های نظامی خطور نمی‌کرد، بینش سیاسی خوبی هم داشت. بعد از هر عملیاتی ابعاد سیاسی آن مسئله را هم تحلیل می‌کرد؛ اگر مقابل آمریکایی‌ها قدرتمندانه نیروها را بسیج می‌کرد و موفق می‌شد، به این سبب بود که می‌دانست هزینه مقاومت کمتر از سازش است. دشمن ضعیف است و کدخدا نیست.<sup>۱</sup> اگر کدخدا هم هست کدخدای بی‌خداست.

---

۱ شهدا بر اساس عقلشان شجاعت پیدا می‌کردند و شجاعت رزمندگان ما از سر احساسات نبود، بلکه از سر عقلانیت بود. خب اگر کسی این شجاعت را نداشته باشد، احمق است. ایشان وقتی که می‌گفت: اگر این کار را انجام بدهیم، حتماً موفق می‌شویم، به دلیل عقلانیتش بود. کسانی که مرعوب می‌شوند، به دلیل نداشتن عقل است. کسانی که می‌گویند ما نمی‌توانیم، یعنی عقلانیت ندارند. حضرت آقا در توصیف ایشان فرمودند: شهید شجاعت توأم با تدبیر داشت؛ نیازی نبود برای اهل فن توأم با تدبیر را توضیح بدهند، ولی عموم مردم شجاعت را یک خصلت غیرعقلانی می‌دانند. حتی می‌گویند: عقل شما را به احتیاط دعوت می‌کند. خیلی از مردم خلوص را امری جدا از عقلانیت می‌دانند، لذا توصیه‌ای که ما باید در

## شناخت دشمن

مولای متقیان علیه السلام می‌فرماید: «عُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَذُونَ»<sup>۱</sup>؛ حضرت سوگند یاد می‌کند که اگر مؤمنان دست از یاری هم بردارند، شکست می‌خورند. مؤمنان بایستی از یکدیگر دفاع کنند، همدیگر را یاری کنند. شما می‌بینید دشمن در حال طراحی بر ضد شما است؛ در مقابل طراحی آن‌ها، شما هم باید طراحی کنید؛ نباید بی‌عمل بمانید و ساکت بمانید، نباید تسلیم بشوید؛ چون او مرتب دارد طراحی می‌کند، ما نباید تسلیم طراحی او بشویم. آن وقت در همین خطبه حضرت خطاب به مردم خودشان می‌فرماید که «تُكَادُونَ وَلَا تُكِيدُونَ»؛ آن‌ها علیه شما دارند طراحی می‌کنند، شما علیه آن‌ها طراحی نمی‌کنید؟! یعنی دارند طراحی و نقشه‌ریزی می‌کنند علیه شما، شما هم باید علیه آن‌ها نقشه بریزید و طراحی کنید و کید کنید.<sup>۲</sup>

شناخت دشمن لازم است. توهم دشمن و توطئه نداریم؛ توجه لازم داریم. طراحی یعنی او دارد با گُرنت با شما می‌جنگد تو هنوز داری با تفنگ کلاش با او می‌جنگی؛ طراحی یعنی او الآن صحنه جنگ را آورده به فضای مجازی؛ طراحی یعنی او دارد شما را با موشک می‌زند شما با فشنگ می‌زنی.

اینجا آن را یادآوری کنیم، این است که مکتب حاج قاسم سلیمانی را مطالعه کنید و منش

عقلانیت ایشان را دریابید.

۱ نهج البلاغه: خطبه ۳۴.

۲ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۹۹/۰۶/۰۲.

جنگ فردا جنگ موشک‌هاست. از این رو موشک عامل بازدارنده است. ما دنبال این نبودیم کسی را بزنییم ولی موشک عامل بازدارنده بود و اگر موشک نمی‌ساختیم، آن‌ها با موشک ما را می‌زدند. طراحی آن‌ها موشک بود، رهبر هم فرمود باید موشک بسازید.

باید هم برای دشمن درونی و هم برای دشمن بیرونی طراحی داشته باشیم. شناخت صحنه مهم است.<sup>۱</sup>

### خاطره

ابوذر ابراهیمی ترکمان<sup>۲</sup> می‌گوید: حاج قاسم یک‌بار داستانی را نقل کرد از دورانی که در سیستان و بلوچستان کودک اسیری را از دست اشرار نجات داده بود و این کودک را به مادر مضطربش رسانده بود. در انتها گفت: «آن لحظه که مادر برای در آغوش گرفتن کودکش به سوی او پر کشید تا در آغوشش گیرد با خود گفتم: قاسم، شاید خداوند تو را از زیر باران گلوله‌های جنگ نجات داد تا روزی بتوانی کودک اسیری را به مادرش برسانی.» لحظاتی سکوت کرد و با سینه‌ای پر آه گفت: «اما الآن نمی‌دانم

۱ خداوند متعال در سوره نساء می‌فرماید:

«بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ به منافقان

خبر ده که عذابی دردناک (در پیش) خواهند داشت؛ همانان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان (خود) می‌گیرند. «أَيَّتَعُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ (این خیالی خام است) چراکه عزت همه از آن خداست.

۲ رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

برای چه مانده‌ام!» این گفتگوها پس از مبارزه با داعش بود اما نگار این همه خدمت برای رفع سایه تهدید از سر کودکان و زنان به چشمش نمی‌آمد.<sup>۱</sup>

### اگر مراسم استقبال بگیرد نمی‌آیم

نمونه‌ای از این رفتار علی‌گونه را در این شهید والامقام مشاهده کنیم؛ مکتب سلیمانی، همان مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. بهمن ماه سال ۸۹ قصد کردیم در نجف‌شهر یادواره شهدایی با سخنرانی حاج قاسم برگزار کنیم. به خاطر مشغله‌های کاری و سفرهای خارجی حاجی، چند باری زمان یادواره را تغییر دادیم تا این‌که آقای سلیمانی با من تماس گرفت و برنامه هماهنگ شد. با مسئولین شهر برای برگزاری مراسم جلسه‌ای گذاشتیم. حین جلسه مسئولین گفتند برای حضور سردار باید مراسم استقبال برگزار کنیم. با حاجی تماس گرفتم و موضوع را اطلاع دادم. ایشان گفت: اگر قرار بر استقبال باشد اصلاً من نمی‌آیم. حاجی گفت: امشب در شهر رابر نزد پدر و مادرم هستم، ان‌شاءالله فردا ساعت ۶ الی ۷ صبح به سیرجان می‌آیم. این صحبت حاجی را به آقای فرماندار انتقال دادم. خلاصه مسئولین گفتند: ما باید برنامه استقبال را به احترام سردار برگزار کنیم. صبح زود همگی برای استقبال سردار در میدان امام علی علیه‌السلام جمع شدیم. هر چه منتظر ماندیم خبری نشد. با حاجی تماس

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/b004618> ایستنا

گرفتم و گفتم: آقا کجا تشریف دارید؟ ایشان پاسخ داد: من گلزار شهدای سیرجان هستم. تلفن را قطع کردم و رو به همراهان گفتم: باید خودمان را هر چه زودتر به گلزار شهدا برسانیم. مسئول اطلاعات شهر گفت: یعنی چه؟ چه طور ممکن است سردار از اینجا عبور کرده باشد؟ این همه آدم اینجا ایستاده بودیم، چه طور ممکن است حاج قاسم از اینجا عبور کرده باشد و ما ندیده باشیم؟ گفتم: اگر قرار بود هر کس او را بشناسد و رفت و آمدش را متوجه شود تا الآن ایشان شهید شده بود.

فرمانده یعنی حاج قاسم‌هایی که در اوج عملیات و اوج درگیری‌ها مراقب و نگران تک‌تک نیروها بودند.

سرکشی به تک‌تک نیروها و حضور در سنگر رزمندگان از دیگر کارهای متفاوت حاج قاسم به عنوان فرمانده بود و همیشه صبح بعد از عملیات و شکستن خط، در خط و کنار نیروهایش بود؛ در صورتی که می‌توانست در سنگر بتونی بنشیند و با بی‌سیم هماهنگی‌ها را انجام دهد. یک دلیل حضورش در منطقه، بازدید از خط و نیروها و بررسی ادوات و مهمات و... بود؛ یعنی تا خودش با چشم نمی‌دید و مطمئن نمی‌شد، آرام نمی‌گرفت.<sup>۱</sup>

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.»<sup>۲</sup>

۱ <https://bzn.ir/۳۴۶۸۵۴> خبرگزاری مهر

۲ مانده: آیه ۵۴.

ای مؤمنان کسی که از شما از دینش برگردد، پس به زودی خداوند، گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان خدای را دوست می‌دارند؛ گروهی که نسبت به مؤمنین متواضع و مهربان‌اند و نسبت به کافران، شدید و سخت و غالب‌اند، آنان در راه خدا و برای اعلا‌ی کلمه توحید جهاد می‌کنند و از نکوهش ملامت‌کنندگان بی‌می‌دارند. آن فضل خدا است که به هرکس بخواهد می‌دهد و خداوند عطاکننده و دانا است.

حاج قاسم در برابر دشمن اهل تواضع و فروتنی نبود؛ بلکه از جایگاه عزت با آنان سخن می‌گفت. برای همین خطاب به ترامپ گفت:

ترامپ قمارباز، من حریف تو هستم. شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ ایران را نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران را نمی‌خواهد. من حریف شما هستم، نیروی قدس حریف شماست. بدانید هیچ شبی نیست که بخوابیم و به شما فکر نکنیم. به شما می‌گوییم: ترامپ قمارباز، بدان در آنجایی که فکر نمی‌کنی، در نزدیک شما هستیم. در هر کجا که تصور نمی‌کنید در کنار شما هستیم!<sup>۱</sup>

شهید سلیمانی در مقابل دشمن با تمام توان در زمین غیر جنگید و موفق شد و نگذاشت در ایران آب در دل کسی تکان بخورد.

هرچه در مقابل دشمن به شدت «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» بود، همان

<sup>۱</sup> <https://bzn.ir/e-09070> باشگاه خبرنگاران جوان

مقدار در برابر فرزندان شهدا بسیار فروتن و متواضع و «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» بود.

دلسوزی حاج قاسم سلیمانی برای فرزندان و خانواده شهدا و مردم، از جنس دلسوزی و محبت پدرانه بود. حاج قاسم و نیروهای تربیت‌یافته او حاضر بودند جان خود را برای هم نوجانشان بدهند. برای امنیت و دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام سفر کردند و به مقام شهادت نائل آمدند. فرزندان آن‌ها در نبود پدر نیاز به مهر و محبت و نوازش پدرانه دارند. حاج قاسم پدر تمام ایتم شهدا بود و چه خوب با ایشان انس و الفت می‌گرفت. در یکی از محافل دیدنی قولی به فرزند شهید داد و آن برگشت افتخارآمیز پیکر بابا بود. حاج قاسم سلیمانی گفت: «من قول می‌دهم تا چند ماه آینده پیکر و نشانی از پدرتان به دست شما می‌رسد. خیالتان راحت باشد.»<sup>۱</sup>

حاج قاسم رقیق القلب بود، به کوچک‌ترین واقعه عاطفی، پاسخی از جنس اشک می‌داد و عجیب است این روح لطیف در جدال با دشمن پر از صلابت بود و از هیچ مشکلی خم به ابرو نمی‌آورد.

آنکه ارزد صید را عشق است و بس

لیک او کی گنجد اندر دام کس<sup>۲</sup>

### خاطره

یکی از شب‌ها پس از شکستن محاصره یکی از مناطق، با شهید سلیمانی در خودرو بودیم که ایشان تعدادی از کودکان را

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه <https://bzn.ir/x33422>

۲ مولانا، مثنوی معنوی، دفتر پنجم.

در کنار جاده دید که علامت محاصره و جنگ و فقر در چهره آن‌ها پدیدار بود. وقتی آن‌ها را دید از راننده خواست توقف کند و با دستان خودش به آن‌ها خوراکی داد.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از خصوصیات بارز حاج قاسم سلیمانی نیکی به پدر و مادر و پرسیدن احوال آن‌ها حتی در مأموریت‌ها بود. زمانی که از مأموریت بازمی‌گشت، با تمام خستگی و در اولین اقدام؛ از فرودگاه به روستای قنات ملک می‌رفت تا چهره پدر و مادر را زیارت کند؛ اصلاً برایش فرقی نمی‌کرد چه زمانی از شبانه‌روز است و دیدن چهره پدر و مادر برایش در اولویت بود. او برای پدر و مادرش فرزندی دلسوز بود و به دفعات شاهد این بودم که پدر را به حمام می‌برد و با مهر و عطوفت با وی رفتار می‌کرد. حتی برایشان میوه پوست می‌گرفت و رضایت پدر و مادر برایش بسیار مهم بود و بعد از فوت مادر بزرگوارشان بیشتر به پدر سر می‌زد تا او احساس تنهایی نکند.

مجاهد بزرگ شهید ابومهدی المهندس اگرچه در این امتحان بزرگ، در زیر اشعه خورشید حاج قاسم قرار گرفت اما خود مستقلاً مرد بزرگی است. ابومهدی نسخه عراقی حاج قاسم است. ابومهدی همان آزاده‌ای است که گفت: ما در عراق جلوی

---

گزارش مشرق ۱۶۰۹۱/e6۰۹۱/b۲n.ir/۱



داعش خواهیم ایستاد و نخواهیم گذاشت داعش به مرزهای جمهوری اسلامی ایران نزدیک شود.<sup>۱</sup>



### ۱. محبوبیت

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»<sup>۲</sup>؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد. در ارتباط با شهادت حاج قاسم، بارها این آیه را منطبق و متناسب دیدم. کدام برنامه می‌تواند از یک انسان، چنین محبتی در دل‌ها و چنین عواطفی در جان‌ها ایجاد کند؟ کدام نرم‌افزار می‌توانست عواطف امتی را این چنین متوجه یک نقطه کند؟ رمز و راز این مطلب در این آیه است. این کار، کار خداست. ایجاد این محبت کار خداست. غیر از خدا که مقلب القلوب است چه کسی می‌تواند این همه دل را به یک نقطه متوجه کند؟ این نتیجه ایمان و عمل صالح است.

شهید سلیمانی با تمام مشغله کاری، هیچ‌گاه نامی را فراموش نمی‌کرد. هم‌زمان و دوستان و آشنایان دور و قدیمی را با نام صدا

۱ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحسن شفیعی، رئیس دفتر استانی نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری در دانشگاه‌های خوزستان <https://b2n.ir/d90807> . ایکن

۲ مریم: آیه ۹۶.

می‌زد و این برای ما بسیار تعجب‌آور بود و با هرکدام از اقوام حتی در کوتاه‌ترین زمان گفت‌وگو می‌کرد. شهید سلیمانی تفاوتی بین نیروهای ارتش و نیروهای سوری، ایرانی، عراقی، پاکستانی، لبنانی و افغانستانی در سوریه قائل نبود؛ زیرا همه آن‌ها با تروریسم می‌جنگیدند و از نظرش همه آن‌ها مجاهدان راه خدا بودند؛ با همه آن‌ها به یک شکل رفتار می‌کرد و به قومیت مجاهدان اهمیتی نمی‌داد.

## ۲. مایه ترس دشمن

وقتی نبل و الزهرا می‌خواست آزاد شود و کار در رتبان گره خورده بود، حاجی وارد منطقه شد، دو یا سه روز سنگین کار کرد. برای شناسایی خودش وارد میدان شد و منطقه را دید. وقتی برگشت قرارگاه، روز عملیات بود. فرمانده توپخانه حاجی را دید و گفت: حاجی چشمانت خیلی قرمز شده است. حاج قاسم پاسخ داد: اشکالی ندارد، گرفتار کار بودیم، باید این چشم کار کند. فرمانده توپخانه گفت: نیم ساعت تا آغاز عملیات فرصت داریم. حاجی گفت: اشکالی ندارد نیم ساعت صبر می‌کنم. فرمانده توپخانه اصرار می‌کند: شما خیلی خسته‌اید، نیم ساعت استراحت کنید، به وقت عملیات من بیدارتان می‌کنم. بعد از نیم ساعت فرماندهان می‌خواستند رمز عملیات را اعلام کنند، دیدند حاجی به خواب نازی رفته است؛ انگار نه انگار سه روز در دل درگیری حضور داشته، خلاصه دلشان نیامد او را بیدار کنند.

فرمانده خط دستور آتش می‌دهد و با اعلام رمز، عملیات آزادسازی آغاز می‌شود. حاجی بیدار می‌شود و با عتاب فرماندهی می‌گوید: مگر نگفتم مرا بیدار کنید؟ بعد هم که توضیحات فرماندهان را می‌شنود، می‌گوید: برای حضورم در آغاز عملیات دلیل داشتم. می‌خواستم رمز عملیات را خودم بگویم، برای این‌که وقتی رمز عملیات را خودم اعلام کنم صدای من قوت قلبی برای نیروها می‌شود تا بفهمند من در منطقه و کنارشان هستم. از طرفی چون دشمن استراق سمع می‌کند متوجه حضورم می‌شود و این در دلشان رعب و وحشت ایجاد می‌کند. ان شاء الله.

این مصداق «رحماء بینهم و اشد اعلی الکفار» است. می‌خواست در لحظه شروع عملیات بغض و کینه و ناراحتی را در دل دشمن قرار دهد و دلگرمی و محبت و هواخواهی را به نیروهای خودی تزریق کند. حاج قاسم بمب روحیه ما بود.<sup>۱</sup>

یکی از رزمنده‌ها با نام سازمانی علی، این‌طور می‌گوید: پس از این‌که درگیری‌ها در جبهه «السلومیه» پایان یافت، میدان درگیری مملو از کشته‌های وهابی بود که روی زمین افتاده بودند. هنگامی که اجساد کشته‌ها را جابه‌جا می‌کردیم، به تروریستی رسیدیم که هنوز در حالت احتضار بود. من مقداری آب به او نوشاندم اما او لبخندی زد و خیال کرد من از عناصر هم‌رزم او در «جبهة النصره لأهل الشام» هستم. در این هنگام، به سختی زیر

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/۴۷۴۶۳> خبرگزاری مهر

لب زمزمه کرد: «تندیس! تندیس را فراموش نکنید!»  
 من فکر کردم که حال احتضار و سکرات مرگ، او را به  
 هذیان‌گویی واداشته است. او را رها کرده و رفتم اما پس از اینکه  
 سلاح‌ها و تجهیزات آن‌ها را مصادره کردیم، به چند کتابچه و  
 متون فرقه‌ای آن‌ها دست یافتیم که دست‌نوشته‌هایی نیز در  
 میان آن‌ها وجود داشت. دست‌نوشته‌هایی که در تمام آن‌ها یک  
 موضوع مشترک وجود داشت: «باید در شام، مجسمه بزرگی از  
 یزید بن معاویه بن ابی سفیان درست شود که سر حسین بن علی  
 را در دست دارد و در آن زمان است که معاویه جدید به عنوان  
 خلیفه «امارت اسلامی شام» خروج خواهد کرد تا حکومت فراگیر  
 خود را در روی زمین برپا کند.»<sup>۱</sup>

**کسانی که به دشمن خوش بین بودند چه چوبی خوردند؟**  
 نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که کسانی که با دشمنان  
 و منافقین طرح دوستی می‌ریزند، تدریجاً در باره حق دچار شک  
 و دودلی می‌شوند. حتی دوستی با افراد به ظاهر بی‌طرف و خنثی  
 هم می‌تواند در انسان شک و دودلی به وجود بیاورد و یکی از  
 مهم‌ترین دلایل آن ناپیوستگی است که در نتیجه دوستی با  
 دشمن به انسان عارض می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:  
 «مَنْ عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ عَرَسَ الشَّكَّ بَيْنَ جَنْبَيْهِ»<sup>۲</sup>؛ هر که از دیدن

۱ جام جم: ۱۵ خرداد ۱۳۹۲

۲ غرر الحکم: ۸۸۵۵.

آنچه در برابر اوست نابینا باشد، نهال شک را در میان دو پهلوی خود (سینه‌اش) بنشانند.

در قضیه عاشورا هم دوستی‌ها و دشمنی‌ها کاملاً بروز و ظهور پیدا کرد. دوستان واقعی، حق دوستی را کاملاً ادا کردند. چه زمانی که دشمن به جدا کردن یاران امام حسین علیه السلام طمع کرده بود و پاسخ کوبنده‌ای از یاران حسین علیه السلام شنید و چه شب عاشورا وقتی امام علیه السلام یاران را جمع کرد و بیعت خودش را از آن‌ها برداشت و اجازه رفتن به آن‌ها داد؛ دوستان امام علیه السلام مانند زهیر به زیبایی دوستی خود را به امام ابراز کردند. زهیر گفت: به خدا قسم دوست داشتم هزار مرتبه کشته شوم، سپس زنده شوم و دوباره در راه تو کشته شوم تا در عوض آن، خدای متعال کشته شدن تو و جوانان اهل بیت تو را برطرف کند. آن‌ها که به ظاهر به امام علیه السلام اظهار دوستی می‌کردند اما دوستی‌هایشان با منافقین یا دنیازده‌ها ایمان را در قلبشان ضعیف کرده بود، در دوستی خود با امام علیه السلام امتحان بدی پس دادند؛ یا در پیوستن به امام علیه السلام کوتاهی کردند و چرب و شیرین دنیای گذرا را به دوستی با حسین علیه السلام و بهشت جاودان ترجیح دادند و یا در پیوستن به امام دچار اما و اگرها شدند و زمانی به امام پیوستند که دیگر دیر شده بود. البته دوستی با امام حسین علیه السلام یک امر تاریخی نیست. این دوستی زنده است و ادامه دارد. دلیل اینکه در زیارت اربعین

خطاب به امام علیه السلام عرض می‌کنیم: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»<sup>۱</sup> این است که دوستی ما با امام و متقابلاً دشمنی ما با دشمنان امام ابدی است و این خود یک آزمون بزرگ برای ماست که آیا به عهد خودمان با امام علیه السلام پابرجا خواهیم ماند یا نه؟ بعضی‌ها می‌گویند: حالا یک جوری، مثلاً یک ذره، با آمریکا کنار بیاییم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آن‌هایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق. دکتر مصدق برای این که بتواند با انگلیسی‌ها مبارزه کند و در مقابل انگلیس‌ها بایستد به خیال خودش، رفت سراغ آمریکایی‌ها؛ با آن‌ها ملاقات کرد، مذاکره کرد و درخواست کرد؛ [به آن‌ها] اعتماد کرد. کودتای ۲۸ مرداد نه به وسیله انگلیس [بلکه] به وسیله آمریکا در ایران انجام گرفت، علیه مصدق. یعنی حتی به امثال مصدق هم این‌ها راضی نیستند؛ این‌ها نوکر می‌خواهند، سرسپرده می‌خواهند، توسری‌خور می‌خواهند؛ مثل چه کسی؟ مثل محمدرضای پهلوی؛ این جور آدمی می‌خواهند؛ که بر این کشور پُرنعمتِ پُربرکتِ ثروتمندِ حسّاسی که از لحاظ موقعیت جغرافیایی حسّاس است، از لحاظ توانایی‌های گوناگون حسّاس است، حکومت کند؛ یک نفری باشد دست‌بسته و تسلیم آن‌ها؛ آمریکایی‌ها این را می‌خواهند؛ اگر نشد، می‌شوند دشمن.<sup>۲</sup> آیه قرآن در سوره مبارکه نور می‌فرماید: «أَعْمَالُهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً»؛ مثل سراب که انسان تشنه، زمین خشک

---

۱ مفاتیح‌الجنان

۲ بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۹۶/۰۸/۱۱

را از دور [شبهه] آب می‌بیند؛ بعد که نزدیک می‌شود، می‌بیند «آر  
يَجِدُهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ»<sup>۱</sup>، می‌بیند هیچ چیز نیست. امید بستن  
به شیطان‌ها این است؛ امید بستن به قدرت‌های مادی و  
شیطانی این است.<sup>۲</sup>



### رفیق ناصح

بیشتر ما از کسانی که ما را ناراحت می‌کنند فاصله می‌گیریم  
و بعضاً دوستی خود را با آنها قطع می‌کنیم. شاید شما هم  
این‌گونه باشید که با شوخ‌طبعان و خوش‌مشربان راحت‌ترید و  
بیشتر دور آنها می‌گردید تا دیگران. باید بدانیم که این‌گونه  
گزینش، گزینشی تک‌بعدی است. انسان لازم است دوستانی  
داشته باشد تا او را با موعظه‌ها و نصیحت‌های خود ناراحت کرده  
اما راهنمایی کنند و نواقصش را به او نشان دهند. امام باقر ع  
می‌فرماید: کسی که تو را به گریه می‌اندازد و به نوعی با مواعظ  
و نصیحت‌هایش ناراحتت می‌کند بهتر از کسی است که تو را به  
خنده انداخته ولی در کارش غش وجود دارد.<sup>۳</sup>

شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع وقتی می‌دید کسی پول نیاز  
دارد به راحتی به او قرض می‌داد حتی بعضی سربازهایش هم از

۱ نور: آیه ۳۹.

۲ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۵/۱۱/۱۹.

۳ کافی: ح ۳۵۹۶.

او قرض گرفته بودند. همیشه با اطرافیان سر صحبت را باز می‌کرد تا از وضعیت مالی آن‌ها باخبر شده و در حد توان خود گامی برای رفع نیاز مالی آن‌ها بردارد. به راحتی هم پول‌هایی را داده بود می‌بخشید. باید مطمئن شد که این فرد به آن پول احتیاج ندارد تا آن را پس بگیرد، در غیر این صورت می‌گفت: برو ان شاء الله دفعه بعد که پول را آوردی ازت می‌گیرم.<sup>۱</sup>

اگر کوچک‌ترین اتفاقی برای مردم کشورهای منطقه روی می‌داد شهید سلیمانی نفر اول حضور در جبهه‌های حق علیه باطل بود. اگر ما راه و روش حاج قاسم را و مکتب ایشان را ادامه بدهیم هر ایرانی یک سردار سلیمانی می‌شود.

### حق محوری، ملاک دوست و دشمن

برای تشخیص حق و باطل ملاک<sup>۲</sup> و معیاری وجود دارد: افراد، ملاک و معیار سنجش حق و باطل نیستند؛ ملاک، حق محوری است. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «لَا يُعْرَفُ الْحَقُّ بِالرِّجَالِ إِعْرَافِ الْحَقِّ تَعْرِفُ أَهْلَهُ»<sup>۳</sup>؛ حق به شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود. خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی.

۱ حمزه منتظری دوست و هم‌رزم شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع بهمنیری.

۲ «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ يَأْتِي الْحَقُّ فَأَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ»؛ همانا دین خدا با موقعیت

اشخاص شناخته نمی‌شود بلکه با معیار و نشانه حق شناخته می‌گردد؛ پس حق را بشناس تا

اهلش را بشناسی (الأمالي للمفيد)، ۳/۱.

۳ بحار الأنوار: ۱۲۵/۴۰.



شهید سلیمانی در خواب غفلت نبود و امام جامعه را معیار حق و باطل قرار داد؛ به همین دلیل همیشه می فرمود: یکی از شئون عاقبت به خیری نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد.<sup>۱</sup>

### جدیت در برخورد با دشمن و دوستی با دوست

باید در برابر دشمن با اقتدار و با شدت برخورد کرد. دوستی پشت پرده با دشمنان امنیت نمی آورد و این دقیقاً بخشی از تفکر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. در وصیت نامه شهید سلیمانی آمده است:

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها می مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی ماند؛ نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ.

### خانواده متعادل

دشمنان ابتدا خانواده را مورد هدف قرار می دهند و زنان را علاوه بر تشویق به اشتغال بیرون از منزل به کاهش تعداد فرزندان تشویق می کنند و به دنبال نهادینه کردن تفکر شوم که «فرزند زیاد مانع پیشرفت زنان است» هستند.

<sup>۱</sup> <https://b2n.ir/m79259> خبرگزاری میزان.

اگر جمعیت پیر شود، حرکت و پیشرفت و توسعه در کشور متوقف می‌شود و دشمن به اهداف خود دست پیدا می‌کند. متأسفانه نگهداری از حیوانات جایگزین فرزندآوری شده است. در شجاعت و دلآوری امالک اشتر همین بس که ابن ابی الحدید درباره‌اش می‌گوید: پاداش مادری که چون مالک اشتر را پرورده است با خدا باد، که اگر کسی سوگند بخورد که خداوند متعال میان عرب و عجم شجاع‌تر از او، جز استادش علی ع نیافریده است، من بر او بیم گناه ندارم و چه نیکو گفته است آن کسی که وقتی درباره مالک اشتر از او پرسیدند، گفت: من درباره مردی که زندگانی او مردم شام را شکست داد و مرگش مردم عراق را شکست داد، چه بگویم؟<sup>۱</sup>



سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس هیچ‌وقت یاد اهل بیت ع را فراموش نکرد و همیشه می‌گفت: اگر در کوران جنگ و همه‌گرفتاری‌ها، مسائل و مشکلاتی که در جنگ داریم، عنایت و لطف اهل بیت ع را داشته باشیم، پیروز هستیم. حاج قاسم به شب‌های وداع دوران دفاع مقدس خیلی اعتقاد داشت و به رزمندگان می‌گفت: هر زمان خواستید از اروند یا آب

۱ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱۳

راهها و موانع عبور کنید یا از پس مشکلات برآیید، خدا را به پهلوی شکسته حضرت زهرا ع قسم بدهید.<sup>۱</sup>

سردار را که شهید کردند، دل هشتاد میلیون آدم و بلکه بیشتر لرزید. حق هم همین است، او علمدار و مالک اشتر ما بود. دل همه لرزید که نکند دشمن پر رو و جری بشود.

دلتنان را ببرم کربلا... هشتاد و چند بچه بیشتر نمانده بودند. دستت که قطع شد همشان جنگجو شدند

فریاد می زدند چه شیری شکار شد  
 فرق رفتن عباس با علی اکبر و بقیه شهدا چه بود؟ هر کسی روی زمین می افتاد ابی عبدالله می آمد جولان می داد توی خیمه ها، کمی قدم می زد همه آرام می شدند اما عباس که افتاد، کنار زینب زانوهایش را بغل گرفت.

کاش فقط تیر و شمشیر و نیزه به ابی عبدالله زده بودند، زخم زبان می زدند  
 می بینی دارن می خندن، داداشم پاشو  
 دلم رو ز ریشه کندن، داداشم پاشو  
 می دونی اگه نیایی چی میاد سرم  
 دست زینب رو می بندن، داداشم پاشو  
 با همه وجود بگو: حسین... .

### والحمد لله رب العالمین .